روزنامه شرق

چهارشنبه ۱ آذر ۱۴۰۲ • ۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۵ • ۲۲ نوامبر ۲۰۲۳ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۷۰۴ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان

«شرق» از مصوبه مجلس برای تغییر سن بازنشستگی گزارش می‌دهد

تصمیمی برای آیندگان

معصومه معظمی: اگرچه در برخی کشورها با مقوله افزایش سن بازنشستگی با احتیاط رفتار می‌شود و کمتر کشوری پیدا می‌شود که ریسک افزایش سن بازنشستگی و مشکلات حاشیه‌ای آن را به جان بخرد و همان‌طورکه شاهدیم در برخی کشورها ازجمله فرانسه این تصمیم اعتراضاتی را به همراه داشت...

صفحه ۲

رئیسی در نشست فوق‌العاده بریکس ارائه داد

۷ پیشنهاد برای ایفای نقش در توقف جنگ غزه

رئیس‌جمهوری در نشست فوق‌العاده بریکس هفت پیشنهاد مهم برای ایفای نقش در توقف جنایات صهیونیست‌ها و کمک به مردم غزه ارائه کرد. سیدابراهیم رئیسی در ارتباط تصویری با نشست فوق‌العاده بریکس برای بحران غزه اظهار کرد: مسئله غزه مسئله انسانیت و عدالت است.

صفحه ۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: اسم ممنوعه در فهرست حواله واردات خودرو؟ | رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران: دوشنبه ۲۹ آبان طول سفرها نسبت به روزهای عادی، ۳ تا ۵ برابر افزایش یافت

نگاهی به بند «پ» ماده ۸۳ برنامه هفتم که تعیین حریم در حوزه میراث فرهنگی را بر عهده وزارت راه گذاشته است

سیاست انقباضی برای میراث

گزارش تیتر یک را در صفحه ۱۰ بخوانید

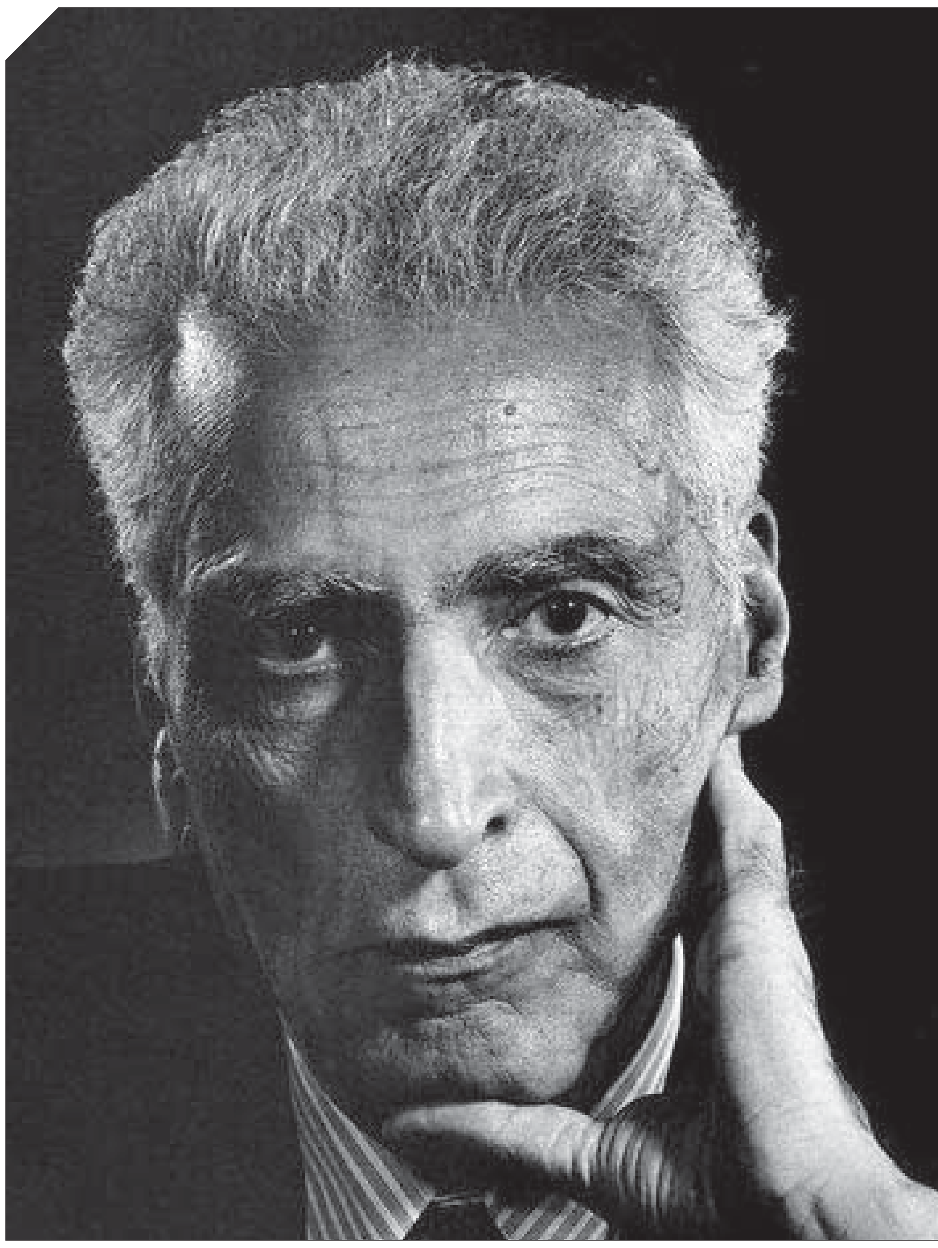

محمدعلی اسلامی‌ندوشن فردا در نیشابور آرام می‌گیرد

وداع با یک فرهنگ‌مدار

ندوشن، روشنفکری با منش ایرانی

یادداشتی از محمد بقایی (ماکان)

شرق: محمدعلی اسلامی‌ندوشن، ادیب نامدار بنا به وصیتش در جوار آرامگاه عطار و خیام در نیشابور آرام می‌گیرد. اسلامی‌ندوشن که چند سال پیش برای دیدار با فرزندانش به کانادا رفته بود و به‌خاطر عوارض کهولت سن و کرونا آنجا مانده بود، پنجم اردیبهشت‌ماه سال گذشته درگذشت و خانواده پیکرش را همان‌جا به امانت به خاک سپردند تا در فرصت مناسب، طبق وصیت خودش به ایران برگردد و در نیشابور آرام گیرد. اسلامی‌ندوشن سوم شهریور ۱۳۰۳ در یزد متولد شده بود. در کارنامه پربار اسلامی‌ندوشن آثاری به نظم و نثر دیده می‌شود. چندین دفتر شعر، کتاب‌هایی در زمینه‌های داستان‌نویسی و سفرنامه‌نویسی و نقد ادبی و همچنین پژوهش در ادبیات کلاسیک فارسی از جمله مهم‌ترین آثار ندوشن است. از ندوشن چندین ترجمه و آثاری در زمینه تاریخ هم باقی مانده است. اسلامی‌ندوشن دانش‌آموخته حقوق بین‌الملل از فرانسه و استاد پیشین دانشگاه تهران بود. او در دهه‌های اخیر عمدتا مشغول پژوهش درباره آثار ادبی و علمی ایران بود. پیکر اسلامی‌ندوشن صبح روز یکشنبه ۲۸ آبان به ایران رسید و پس از برگزاری مراسم تشییع در تهران و یزد به نیشابور برده شد. پیکر ندوشن پنجشنبه دوم آذرماه در نیشابور تشییع می‌شود.

صفحه ۱۱ را بخوانید

سرمقاله

ملت یا رعیت

کامبیز نوروزی
حقوق‌دان

این سخن مرتضی آقاتهرانی از قول مرحوم آقای مصباح که می‌گوید: «ولایت مطلقه کافی نیست، اطاعت مطلقه هم باید در کنار آن باشد؛ یعنی مردم باید به معرکه بیایند. دستورالعمل حضور مردم در معرکه، اطاعت مطلق است» معنایی جز تعطیلی کامل قانون اساسی و نظام قانون‌گذاری ندارد. قانون اساسی ایران در اصول فراوانی جمهوریت نظام و موقعیت بنیادین اراده عمومی را به‌عنوان یکی از دو رکن نظام حکومتی مورد تأکید قرار داده است. یکی از مهم‌ترین این اصول که در نظام اجرائی و تقنینی به فراموشی سپرده شده است، اصل ۵۶ قانون اساسی است که به شکل مؤکد تصریح می‌کند به اینکه «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آنِ خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم کرده است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت فرد یا گروهی خاص قرار دهد».

شاید امروز که برخی از امور جاری کشور از مدارات حقوقی خارج شده است، این سخن چندان جذاب نباشد که اصل ۵۶ قانون اساسی واسطه میان انسان و خدا را برچیده و ملت را بی‌هیچ واسطه و هیچ استثنا بر خود و سرنوشت خود حاکم کرده است. این اصل، مبنای حاکمیت ملی است. نیز اصل ۶ قانون اساسی به صراحت و روشنی تمام تکلیف کرده است که «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات (انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها) یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌شود. وقتی حاکمیت ملی بی‌واسطه از آنِ ملت است و امور کشور باید با رأی و اراده آزاد ملت اداره شود؛ یعنی ملت حق دارد آنچه را که می‌پسندد، اختیار کند و درباره آن تصمیم بگیرد. لازمه حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن، اختیار است. تکلیف به اطاعت مطلق مغایر مقتضای ذات اختیار ملت و حق انتخاب است. با اطاعت مطلق ملتی نیز باقی نخواهد ماند. مفهوم ملت زمانی شکل گرفت که حق و اختیار و قدرتی برای مردمان ساکن در قلمرو سرزمینی به رسمیت شناخته شد. اطاعت مطلق رعیت می‌طلبد، نه ملت. اطاعت مطلق که مرحوم مصباح گفته و شاگردان و هواخواهان ایشان تجویز می‌کنند، به معنای سلب حق حاکمیت ملی از ملت ایران و از بین بردن حق انتخاب آنهاست که بر مبنای آن همه ارکان حکومتی شکل گرفته و مشروعیت می‌یابند.

نتیجه این سخن که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و نیز مقام رهبری مخالفت خود را با آن ابراز کرده‌اند، این است که دیگر مجلس شورای اسلامی، ریاست‌جمهوری، شوراهای شهر و روستا و حتی مجلس خبرگان نیز فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهند؛ زیرا مردم فاقد هرگونه اختیارند و فقط مکلف به اطاعت مطلق‌اند. در چنین وضعیتی قانون اساسی منتفی شده و قانون عادی نیز از بین می‌رود. قانون محصول اراده عمومی است که از طریق نمایندگان مردم در پارلمان وضع می‌شود. وقتی «رأی» که ناشی از اراده آزاد است، بی‌معنا شود، مجلس و قانون‌گذاری هم معنای خود را از دست می‌دهد. دیدگاه اطاعت مطلق فقط مغایر جمهوریت نظام نیست؛ بلکه اساسا در برابر قانون اساسی و حتی نظر رهبری و نظام قانون‌گذاری قرار می‌گیرد و آن را منقلب می‌کند. وقتی یک بنا مثل قانون اساسی بر دو ستون جمهوریت و اسلامیت استوار باشد، با برداشتن یک ستون، کل بنا فرومی‌ریزد.

این دیدگاه هرچه پیش‌تر برود و هر اندازه بیشتر قدرت بگیرد، اختلال نظم حقوقی کشور عمیق‌تر و نهادینه‌تر می‌شود.

نگاهی به تغییرات لایحه بودجه سال ۱۴۰۳
آیا ارقام درآمدی واقع‌بینانه شده است؟

سال سخت بودجه

۴

درگفت‌وگو با رحمان قهرمان‌پور مطرح شد؛ آیا حمله ۷ اکتبر حماس به اسرائیل به سقوط نتانیاهو منجر می‌شود؟

سوءاستفاده نتانیاهو برای تسویه‌حساب با مخالفان

۲

در نشست انجمن حمایت از حقوق کودکان به مناسبت سالگرد تصویب کنوانسیون حقوق کودک مطرح شد

پیمان‌نامه حقوق کودک در حاشیه

۸

حذف نوجوانان ایران از جام جهانی زیر ۱۷ ساله‌ها

سندرم دقیقه ۹۰

۹

نگاه

توافق دوحه و حکومت دوم طالبان

احسان الهی‌مقدم

۶

پیشخوان
Pishkhan.com

یادداشت

فاصله‌گیری از نقش

حمزه نوذری
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

گاهی کارمندی را می‌بینیم که وظایفش را به درستی انجام نمی‌دهد یا با کاهلی، بی‌رمقی و بی‌توجهی وظیفه کاری‌اش را نصفه‌ونیمه انجام می‌دهد. در جامعه‌شناسی به این حالت فاصله‌گیری از نقش گفته می‌شود. یعنی کارمند مطابق با انتظارات و توقعی که از نقش او در نزد بقیه وجود دارد عمل نمی‌کند. یکی از دلایل می‌تواند این باشد که کارمند با فاصله‌گیری از نقشش می‌خواهد وانمود کند که شأن، جایگاه و شایستگی او بیشتر از موقعیت شغلی فعلی است؛ اما فاصله‌گیری از نقش فقط مربوط به محیط‌های کاری نیست. در محیط‌های آموزشی نیز این مسئله وجود دارد و در حال افزایش است. دانش‌آموزان از نقش دانش‌آموزی که یادگیری و مطالعه کتاب درسی و توجه به مباحث معلم است، فاصله می‌گیرند. یک فرض این است که آنها این ذهنیت را دارند که مباحث کتاب و آنچه در کلاس می‌گذرد، به محیط واقعی و اجتماعی که او تصور می‌کند، ارتباط کمی دارد. فاصله‌گیری از نقش در محیط دانشگاه هم وجود دارد. دانشجویانی که نقش جوینده دانش بودن (آموزشی و پژوهش) را انجام نمی‌دهند و با بی‌تفاوتی، بی‌توجهی و بی‌میلی در کلاس حاضر می‌شوند؛ اما چه مباحثی چنین چیزی را ایجاد کرده است؟ در ادامه سعی می‌کنم برخی از آنها را بیان کنم.

الف- ابهام در نقش. برخی از دانشجویان اطلاع کمی از نقش دانشجو دارند. با برخی از آنها که صحبت کردم، می‌گفتند در دوران مدرسه فقط به آنها گفته شده که درس بخوانند تا به دانشگاه برسند و تصویر روشنی از چگونه‌بودن در دانشگاه و نقش دانشجوبودن ندارند یا تصور آرمانی‌شان این‌گونه بوده است که در دانشگاه سخت‌گیری‌های خواندن و مطالعه‌کردن وجود ندارد. ب- بی‌علاقگی به رشته تحصیلی. برای من تعجب‌آور است که حتی در دوران تحصیلات تکمیلی هم دانشجویانی هستند که به رشته خود بی‌علاقه هستند. برای برخی از آنها این تصور وجود دارد که اگر در رشته دیگری تحصیل می‌کردند، به این فاصله‌گرفتن از نقش دانشجو مبتلا نمی‌شدند. ج) اجبار به تحصیل. گروه دیگری از دانشجویان فاصله بسیاری از نقش دانشجوبودن دارند، آنها کسانی هستند که هیچ علاقه‌ای به میدان علم و دانشگاه ندارند و علایق و ترجیحاتشان در محیط دانشگاه نیست اما اجبارهای والدین یا فشار اجتماعی باعث شده که در یک رشته تحصیلی که قبول شده‌اند، مشغول تحصیل شوند، درحالی‌که چنین نقشی را با نقش اصلی خود در تعارض می‌بینند. عجیب است که گروهی دیگر دلیل فاصله نقشی از دانشجوبودن را نرفتن و به‌عقب‌انداختن خدمت سربازی می‌دانند. تعدادی هم شیوه تدریس استاد را دلیل بی‌علاقگی می‌دانند. نکته عجیب این است که هیچ‌کدام از این افراد برای حل این مسئله، عملی و حرکتی انجام نمی‌دهند و سال‌ها در همین وضعیت باقی می‌مانند...

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

سیاست‌گذاری از منظر ذی‌نفعان

محمدرضا یوسفی شیخ‌رباط
اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

گفته شده است که هرگاه در روم باستان، جنایتی رخ می‌داد، اولین پرسشی که مطرح می‌شد، این بود که چه کسی از این قتل، نفع می‌برد. این سؤال که انگیزه ارتکاب قتل چه بوده و چه کسانی از آن سود می‌برند، امروزه در دوایر جنایی امری مرسوم است. وقوع اتفاقاتی در حوزه سیاست‌گذاری‌ها و محرزبودن برخی خطاها و انحرافات در آنها موجب شده است که در حوزه اقتصاد سیاسی نیز به هنگام تدوین هر سیاست، ذی‌نفعان و زیان‌دیدگان از سیاست یادشده را مورد بررسی قرار دهند تا بتوان انگیزه سیاست‌گذار و عوامل مؤثر بر فرایند سیاست‌گذاری را درک کرد.

ممکن است بتوان ادعا کرد که سیاست‌گذار هنگام تدوین یک سیاست تمامی ابعاد آن را به گونه شفاف در نظر نداشته و از این رو قصد نفع‌رساندن به گروهی خاص را نداشته است اما پس از روشن‌شدن پیامدهای سیاست و انحرافاتی که در اقتصاد ایجاد کرده است و همین‌طور درک ذی‌نفعان و متضرران از آن، تداوم آن می‌تواند ناشی از تأثیرگذاری ذی‌نفعان در سیاست‌گذاری باشد. از جمله شواهد بر این امر، سخنان وزیران و مدیران سابقی است که دیگر مسئولیتی ندارند. آنان پس از دوران مسئولیت، در قامت یک کارشناس خبره، تحلیل دقیقی از اوضاع ارائه می‌دهند. یک وزیر سابق، تداوم بحران آب در کشور را موجب تهدید تمدن ایران بیان کرده و سدسازی‌های کشور را در چارچوب نفع‌طلبی گروه‌های خاص دانسته است. دیگری قراردادهای نفتی با شرکت‌های چینی را در منطقه ایلام به زیان کشور دانسته که خسارات زیادی به ما وارد کرد. از این گونه موارد در مصاحبه‌ها و مکتوبات آنان به وفور می‌توان یافت. خوشبختانه اکنون خاطره‌نویسی مقامات و بیان تجارب کاری دارد به یک سنت تبدیل می‌شود و ما می‌توانیم به بررسی آنها بپردازیم. پرسش این است که این کارشناسان خبره چرا به هنگام مسئولیت نتوانستند مانع از چنین قراردادهایی یا تداوم چنین سیاست‌هایی شوند؟ از این رو نمی‌توان اتخاذ دسته‌ای از سیاست‌های مخرب را ناشی از ناآگاهی مدیر دانست و باید از زاویه منافع ذی‌نفعان آن را بررسی کرد. توجه به این نکته لازم است که هر گاه هر سیاستی اتخاذ می‌شود، مقامات ادله‌ای در تأیید آن بیان کرده و با موجی از تبلیغات رسانه‌ای، حمایت توده‌ها را نیز همراه می‌کنند. به عنوان مثال، قیمت‌گذاری‌های دستوری یکی از این اقدامات است. معمولا این سیاست تحت عنوان عدالت اجتماعی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه صورت می‌پذیرد و از این جهت به ظاهر این سیاست جذاب و موجه می‌شود اما این سیاست موجب زیان برخی از بنگاه‌های تولیدی می‌شود. برخی از بنگاه‌ها حاشیه سودشان کاهش یافته یا به مرز ورشکستگی می‌رسند و در نتیجه، عرضه کالای قیمت‌گذاری‌شده کاهش می‌یابد. گاهی قاچاق کالا به کشورهای همسایه رخ می‌دهد. در بلندمدت به دلیل دخالت دولت، انگیزه سرمایه‌گذاری در این صنعت کاهش می‌یابد و در نتیجه عرضه کاهش و قیمت‌ها افزایش می‌یابند. اگر دامنه اقتصاد دستوری گسترش یابد، تأثیرات تورمی آن دامن‌گیر همه مردم به ویژه اقشار آسیب‌پذیر خواهد شد.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

جنگ غزه، سناریوهای مفروض و نقش ایران

سیدعلی طباطبایی
استاد دانشگاه

حمله غافلگیرانه حماس به اسرائیل نه‌تنها موجب غافلگیری عمدی یا سهوی اسرائیل شد بلکه دیگر بازیگران دولتی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و بازیگران غیردولتی خاورمیانه را نیز غافلگیر کرد. از جمله کشورهایی که با دوراهی بزرگ (dilemma) مواجه شد و در موقعیت ویژه قرار گرفت، ایران بود. ایران، در مواجهه با این وضعیت خطیر، با رفتاری منطقی با گذر از «میدان» مین‌گذاری‌شده وارد «دیپلماسی» شد. به نظر می‌رسد بازی بازیگران در این مناقشه، به شدت متأثر از آینده مناقشه و سناریوهای مفروض است. در این راستا دو سناریو درخصوص جنگ غزه می‌توان ارائه کرد.

سناریوی اول، سناریوی جنگ کم‌شدت و کم‌دامنه

این سناریو محدود به رویارویی اسرائیل و حماس خواهد بود. زمین نبرد ابتدا شمال غزه و در صورت ادامه جنوب غزه خواهد بود. حضور حزب‌الله و محور مقاومت در این سناریو بیشتر نمادین و ایذایی است. هدف اسرائیل از سناریوی اول، خروج اجباری حماس از غزه، انتقال مدیریت غزه به ترکیبی از مصر، اردن و دولت خودگردان و انتقال امنیت غزه به نیروهای حافظ صلح سازمان ملل یا نیروهای حافظ صلح عربی است. غیرنظامی‌کردن غزه (demilitarization) و ایجاد سازوکارهای سیاسی و امنیتی برای ممانعت از بازگشت فیزیکی حماس به غزه در اولویت اسرائیل و شاید دولت خودگردان و مصر باشد. به نظر می‌رسد پس از پایان جنگ، با کمک مالی کشورهای متمول عربی و نهادهای بین‌المللی، بازسازی غزه به شکل تبدیل آن به یک منطقه غیرنظامی در دستور کار قرار گیرد. احتمالا پس از حذف فیزیکی حماس از غزه، رهبران حماس نیز توسط اسرائیل حذف فیزیکی شوند تا تنها خاطره‌ای از حماس در غزه باقی بماند.

سناریوی دوم، جنگ پرشدت و پردامنه

زمین نبرد در سناریوی دوم، کل خاورمیانه خواهد بود. به نظر می‌رسد سناریوی دوم دارای دو فاز باشد. در فاز اول ما شاهد جنگ در غزه سپس رویارویی محدود حزب‌الله و محور مقاومت با اسرائیل و در ادامه مواجهه تمام‌عیار حزب‌الله و محور مقاومت با اسرائیل خواهیم بود. در فاز دوم سناریوی دوم که مطلوب اسرائیل و رادیکال‌های آمریکایی است، به بهانه جنگ غزه و قتل نیروهای آمریکایی، با تشدید نردبانی بحران، کشورهایی مانند ایران ناخواسته به جنگ کشیده می‌شوند و شعله‌های جنگ با حضور آمریکا و ناتو به کل خاورمیانه سرایت می‌کند.

ادامه در صفحه ۴

«شرق» از مصوبه مجلس برای تغییر سن بازنشستگی گزارش می‌دهد

تصمیمی برای آیندگان

معصومه معظمی: اگرچه در برخی کشورها با مقوله افزایش سن بازنشستگی با احتیاط رفتار می‌شود و کمتر کشوری پیدا می‌شود که ریسک افزایش سن بازنشستگی و مشکلات حاشیه‌ای آن را به جان بخرد و همان‌طور که شاهدیم در برخی کشورها ازجمله فرانسه این تصمیم اعتراضاتی را به همراه داشت، اما در هفته جاری، نمایندگان مجلس احتمالا به منظور کاهش ناترازی صندوق‌های بازنشستگی، سن بازنشستگی را برای گروه‌های مختلف افزایش دادند. این مصوبه در صورت تأیید شورای نگهبان، قابلیت اجرا پیدا می‌کند. تصمیمی که از همان دقایق اولیه تصویب در صحن مجلس با واکنش‌های منفی گسترده‌ای از سوی افکار عمومی و در فضای مجازی مواجه شد. مخالفان افزایش سن بازنشستگی این مصوبه را برخلاف قانون اساسی دانستند که تبعات اجتماعی به همراه دارد و موافقان این بند از لایحه برنامه، با طرح موضوع افزایش امید به زندگی در مردان و زنان، این مصوبه را عادلانه قلمداد کردند. در نهایت هم نمایندگان بر اساس بند الحاقی بند خ ماده ۲۹ لایحه، به منظور کاهش ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تقویت توان صندوق‌ها در انجام تکالیف محوله، سن بازنشستگی را برای مردان ۶۲ سال و برای زنان ۵۵ سال در نظر گرفتند.

البته این مصوبه از همان دقایق اولیه نه‌تنها برای جامعه، بلکه برای خود نمایندگان هم با ابهامات زیادی مواجه شد و خبرهای متناقضی درباره این مصوبه انتشار یافت. به نحوی که دو بار محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس، مجبور به شفاف‌سازی و توضیح درباره این مصوبه شد و توضیحات محسن زنگنه، سخنگوی کمیسیون تلفیق، مبنی بر ۱۲ سال افزایش سن بازنشستگی را که موجب نگرانی‌هایی در جامعه شده بود، اصلاح کرد. پس از آن هم زنگنه در جلسه عصر همان روز، توضیحات پیشین خود را در گفت‌وگویی تصویری اصلاح کرد. بنابراین به موجب این مصوبه «تعیین شرط سن ۶۲ سال برای مردان و ۵۵ سال برای زنان و سابقه بازنشستگی ۳۵ سال برای مردان و ۳۰ سال برای زنان» لحاظ شد؛ موضوعی که به گفته جبار کوچکی‌نژاد اشکال دارد و باعث اخطار او دراین‌باره در صحن علنی شد. این عضو کمیسیون تلفیق در گفت‌وگو با «شرق» در اعتراض به این موضوع گفت میان آنچه در کمیسیون تلفیق تصویب کرده‌اند، با آنچه در صحن آمده و آن چیزی که به تصویب رسیده است، تناقضاتی وجود دارد و آنچه مطرح است، چیزی نیست که در کمیسیون تلفیق به تصویب رسیده است. او حتی اظهار کرد که در صورت بررسی نوار ضبط‌شده مذاکرات تلفیق و صحن و بررسی آنچه تصویب شده است، درصورتی‌که مشخص شود کسی در این موضوع تغییراتی ایجاد کرده است، به هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان و کمیسیون اصل ۹۰ شکایت خواهند کرد.

گفتنی است با توجه به نگرانی‌ای که مصوبه فوق در افکار عمومی ایجاد کرده و ابهاماتی که به وجود آمده است و نارضایتی بخشی از بازنشستگان و جامعه، کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور در بیانیه‌ای از مصوبه مجلس درباره افزایش سن بازنشستگی انتقاد کرده و این تصمیم را ضربه‌ای ترمیم‌ناپذیر به جامعه کارگری توصیف کرده است. در بخشی از این بیانیه آمده است: «از شورای محترم نگهبان انتظار داریم با رد این مصوبه غیرشرعی، التیامی بر نگرانی‌های عمیق واردشده بر پیکر کارگران باشند».

بنابراین با توجه به ابهات و تناقضات مطرح‌شده درباره این مصوبه مجلس، نظر برخی نمایندگان درباره دلیل این ابهامات را جویا شدیم.

اگر تغییری در مذاکرات ایجاد شده باشد، به هیئت نظارت و اصل ۹۰ شکایت می‌کنیم

جبار کوچکی‌نژاد، عضو کمیسیون تلفیق برنامه هفتم، درباره دلایل تناقض در سخنان رئیس مجلس و سخنگوی کمیسیون تلفیق درباره افزایش سن بازنشستگی به «شرق» گفت: «موضوعی که درباره افزایش سن بازنشستگی در کمیسیون تلفیق مصوب کردیم، با آن چیزی که گفته می‌شود و مصوبه‌ای که در صحن به رأی گذاشته شد، متفاوت است و باید آن را بررسی کنیم». او افزود: «آنچه در کمیسیون تلفیق تصویب کردیم، سن بازنشستگی برای خانم‌ها ۵۵ سال بود و برای آقایان ۶۵ سال. برای فرهنگیان ۳۰ سال بازنشستگی بود و پنج سال پایه خدمت و پاداش را دریافت می‌کنند و ادامه خدمت می‌دهند و تا ۳۵ سال حقوق می‌گیرند تا بازنشسته شوند. برای دیگران هم ۳۰ سال بازنشستگی بود. اما آنچه به صحن آمده، ۳۰ سال بازنشستگی است و سن خانم‌ها ۵۵ سال است و ضریب‌هایی داده شده است که نمی‌دانیم این ضریب‌ها از کجا آمده است.»

کوچکی‌نژاد در ادامه ادعای خود بیان کرد: «ما اعضای کمیسیون تلفیق دراین‌باره اعتراض کردیم و به آقای قالیباف تذکر دادم آنچه در کمیسیون تلفیق تصویب کردیم، بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ اصلا در کمیسیون نبوده است و توضیح دهید این موارد از کجا اضافه شده است؟ که او این بندها را دلیل ابهامات مطرح‌شده دانست».

عضو کمیسیون تلفیق برنامه هفتم در پاسخ به اینکه به اعتقاد شما آیا مجلس دنبال اجرای سیاست ابهام نیست؟ اظهار کرد: «بعید می‌دانم چنین امری در حال تحقق باشد. طبق قانون، قانون‌گذار باید شفاف قانون‌گذاری کند. قانون باید همه‌فهم و عامی باشد تا هرکسی که قانون را مطالعه می‌کند، درک صحیحی از آن داشته باشد. اینکه نمایندگان بخواهند در قانون‌گذاری سیاسی ابهام را اجرا کنند، امکان ندارد».

کوچکی‌نژاد همچنین ادامه داد: «این مصوبه مهم در حال بررسی است و در کمیسیون تلفیق این موضوع را بررسی کردیم. یک‌سری ابهامات وجود دارد که مجلس باید به هوش باشد و نمایندگان دقت کنند؛ چراکه در قانون برنامه برخی احکام هماهنگ نیستند و ممکن است این ابهامات در آینده برای اجرا مشکل‌ساز شوند».

گفتنی است بابایی‌کارنامی، عضو هیئت‌رئیسه کمیسیون اجتماعی مجلس، در اخطار روز گذشته خود درباره افزایش سن بازنشستگی بیان کرد: این‌طور که به نظر می‌رسد، مجلس به ۴۰ سال خدمت رأی داده، اما خودش هم نمی‌داند به چه چیزی رأی داده است. بنابراین سؤال فوق را از کوچکی‌نژاد مطرح کردیم و او در پاسخ به اینکه گفته می‌شود مجلس به مصوبه افزایش سن بازنشستگی رأی داده است اما هنوز خودش هم نمی‌داند به چه چیزی رأی داده است، گفت: «همین ابهام است که باعث اعتراض مدام نمایندگان در صحن شده است. ما باید به مذاکرات کمیسیون تلفیق و مذاکرات صحن مراجعه کنیم و اگر خدای ناکرده این وسط اتفاقی افتاده باشد، قطعا به هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان و کمیسیون اصل ۹۰ شکایت خواهیم کرد».

این عضو کمیسیون تلفیق برنامه هفتم ادامه داد: «اگر اتفاقی دور از چشم کمیسیون تلفیق در هیئت‌رئیسه یا هر جای دیگر افتاده باشد، به نوار ضبط‌شده کمیسیون تلفیق مراجعه می‌کنیم که بدانیم این موضوع آنجا تصویب شده یا خیر. اگر تصویب نشده باشد، در این صورت هیئت‌رئیسه تخلف کرده و باید پاسخ‌گو باشد. در صحن هم همین‌طور است و آنچه مذاکره شده، با آن چیزی که خروجی کار است، باید بررسی شود. برای ما آن چیزی که چاپ شده، مهم است». او توضیح داد: «آن چیزی که در صحن است، ۶۵ سال برای مردان و ۶۰ سال برای خانم‌هاست؛ اما آنچه به تصویب رسیده، ۶۲ سال و ۵۵ سال است؛ یعنی معلوم است تفاوت‌هایی اینجا وجود دارد که باید روشن شود از کجا آمده است». کوچکی‌نژاد درباره سرنوشت این مصوبه در شورای نگهبان پیش‌بینی کرد: «این مصوبه دارای ابهاماتی است و تصور می‌کنم شورای محترم نگهبان ایرادات زیادی به این مصوبه خواهد گرفت تا دوباره در کمیسیون تلفیق برنامه درباره آن بحث و آنها را رفع کنیم».

افزایش سن بازنشستگی غیرکارشناسی بود

سیدسلمان ذاکر، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس نیز در گفت‌وگو با «شرق» درباره تناقضاتی که در سخن برخی نمایندگان درباره افزایش سن بازنشستگی وجود دارد، گفت: «از مخالفان افزایش سن بازنشستگی بودم و هستم؛ چراکه هم اشتغال بازنشستگان را درست نمی‌دانم، هم اینکه در شرایطی که جوانان بی‌کار زیادی داریم، ادامه کار بازنشستگان به ضرر جوانان است. حتی برخی بازنشستگان تمایل دارند زودتر بازنشسته شوند تا فرزندان‌شان به جای آنها مشغول به کار شوند». عضو کمیسیون اجتماعی مجلس ادامه داد: «آقای قالیباف توضیح داد که سن بازنشستگی از ۶۰ سال به ۶۲ سال افزایش یافته و زنان از ۵۰ سال به ۵۵ سال افزایش سن داشته‌اند که مبنای آن میزان امید به زندگی در نظر گرفته شده است. بنابراین رویکرد فوق اگرچه برای جوانان ما مشکل ایجاد می‌کند، به این دلیل که آمار بی‌کاری ما زیاد است، اما بازنشستگی در ۶۲ سال را تکلیف نکرده‌ایم و شخص می‌تواند قبل از موعد هم خودش را بازنشسته کند». او در پاسخ به اینکه تناقضاتی دراین‌باره در بین نمایندگان وجود دارد، دلیل این اعتراضات چیست؟ گفت: «نباید دراین‌باره ساختار را به هم می‌زدیم. ساختارشکنی همیشه موجب ترمیم و جبران نمی‌شود. بهتر بود سن بازنشستگی را برای خانم‌ها به دلیل مسئولیت‌های فراوان خانوادگی آنها کاهش می‌دادیم؛ اما سن بازنشستگی هر دو جنس را افزایش دادیم که غیرکارشناسی بود».

افزایش سن بازنشستگی عطف به ماسبق نیست و شامل بیمه‌شدگان از ۱۴۰۳ می‌شود

احمد امیرآبادی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس یازدهم نیز دراین‌باره به «شرق» گفت: «تصمیمات این‌چنینی مقدمات و زیرساخت‌هایی را نیاز دارد. من بشخصه معتقدم اکنون زمان مناسبی برای این امر نبود؛ اما موافقان معتقد بودند کسانی که از اول سال ۱۴۰۳ مشغول به کار می‌شوند، مشمول این قانون می‌شوند و این قانون عطف به ماسبق نمی‌شود».

نماینده مردم قم در مجلس اظهار کرد: «افزایش سن بازنشستگی می‌تواند تبعاتی داشته باشد. اگر دقت کنید در همه دنیا دولت‌ها با این موضوع مشکل دارند و حتی برخی کشورها که قصد داشتند دو تا پنج سال سن بازنشستگی را افزایش دهند، با مشکلات و اعتراضاتی مواجه شدند».

امیرآبادی ادامه داد: «اما اعضای کمیسیون تلفیق برنامه هفتم این افزایش سن بازنشستگی را برای آینده در نظر گرفتند و گفتند کسانی که تا امروز بیمه شده‌اند، طبق قانون قبل، با ۳۰ سال خدمت بازنشسته شوند و کسانی که از ۱۴۰۳ و بر اساس برنامه هفتم بیمه می‌شوند، مشمول سقف ۳۵ سال خدمت می‌شوند و این اتفاق برای تراز صندوق‌های بازنشستگی لازم است».

افزایش سن بازنشستگی تبعات دارد اما باید کشور را هم اداره کرد

اما محمدعلی محسنی‌بندپی، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، در تأیید این مصوبه و تصمیم به «شرق» گفت: «موضوع افزایش سن بازنشستگی با موافقت و مخالفت زیادی مواجه شد؛ به همین دلیل این مصوبه در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت. بااین‌حال، آنچه به‌عنوان مصوبه از نظر نمایندگان گذشت، این بود که سن بازنشستگی آقایان از ۶۰ سال به ۶۲ سال و سن بازنشستگی برای خانم‌ها به ۵۵ سال افزایش یافت. همچنین سنوات خدمت برای آقایان ۳۰ سال بود که به ۳۵ و برای خانم‌ها از ۲۵ به ۳۰ سال رسید». این نماینده مردم چالوس و نوشهر در مجلس یازدهم با تأکید بر اینکه این مصوبه هیچ ابهامی ندارد و شفاف است، بیان کرد: «این موضوع کاملا شفاف است و کسی که از تاریخ یکم فروردین ۱۴۰۳ استخدام دولت می‌شود، موظف است ۳۵ سال برای دولت کار کند و کسانی که تاکنون کار کرده‌اند، بسته به میزان باقی‌مانده سنوات خدمت‌شان ضرب در دو ماه به خدمت‌شان افزوده می‌شود». او افزود: «به عبارتی کسی که ۲۰ سال سابقه دارد و بر اساس الگوی قبلی قرار بود ۳۰ سال خدمت کند، اکنون ۱۰ سال دیگر دارد. برای این ۱۰ سال به ازای هر سال دو ماه اضافه می‌شود. عملا این فرد برای ۱۰ سال باقی‌مانده باید ۱۱ سال‌و هشت ماه خدمت کند». این نماینده مجلس در پاسخ به اینکه به اعتقاد شما این افزایش سن مسائل و مخالفت‌هایی به دنبال دارد یا ندارد؟ بیان کرد: «ممکن است این اتفاق تبعات اجتماعی داشته باشد، اما باید کشور را هم اداره کرد».

محسنی‌بندپی ادامه داد: «ما باید امتیازات غیرمنطقی و اضافی را که به برخی دستگاه‌ها ارائه می‌دادیم، اصلاح می‌کردیم. مثلا برای معلمان از سال شروع تحصیل را جزء سنوات آنها حساب می‌کردیم و می‌توانستیم امتیازات خاصی برای دوره تحصیل آنها قائل شویم، اما نه به‌عنوان سنوات خدمت».

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس اضافه کرد: «برخی معلمان هستند که زیر ۵۰ سال بازنشسته شده‌اند؛ یعنی دولت موظف است تا ۹۰ سالگی و به مدت ۴۰ سال به آنها حقوق بازنشستگی بپردازد که برای دولت هزینه‌بر است».

نماینده چالوس و نوشهر اضافه کرد: «دراین‌باره مجلس بررسی کرده و تا ۶۲سالگی سن بازنشستگی را افزایش داده است؛ درحالی‌که در برخی کشورها سن بازنشستگی به ۶۵ سال تا ۶۷ سال افزایش یافته است».

محسنی‌بندپی در توضیح دلیل این تصمیم مجلس بیان کرد: «تعادل آمار بازنشستگان در مقابل نیروی کار فعال، کاملا به هم ریخته است و مجلس باید جایی مقابل این موضوع بایستد. بنابراین به اعتقاد من افزایش سن بازنشستگی از ۶۰ سال به ۶۲ سال موضوع درخور توجهی نیست و هم برای دولت تحمل‌کردنی است و هم برای بازنشستگان».

او همچنین اظهار کرد: «بعید به نظر می‌رسد که این امر منجر به اعتراض بازنشستگان شود؛ چراکه حتی کسانی هستند که مدارک متعددی ارائه می‌دهند تا بازنشسته نشوند، چون حقوق بازنشستگی رقم پایینی است و مجلس سعی دارد این میزان را با همسان‌سازی افزایش دهد؛ پس این اتفاق به نفع بازنشستگان است، نه به ضرر آنها».

آیا حمله ۷ اکتبر حماس به اسرائیل به سقوط نتانیاهو منجر می‌شود؟

سوءاستفاده از جنگ غزه و تسویه حساب نتانیاهو با مخالفان

شبکه شرق: اپوزیسیون اسرائیل آلترناتیوی برای جایگزینی نتانیاهو ندارد و جریان مخالف را نیز یارای رویارویی با او نیست؛ اما وضعیت آنچنان که باید و شاید در راستای اهداف «بی‌بی» هم نیست. رحمان قهرمانپور، کارشناس حوزه روابط بین‌الملل، با بیان این جمله تأکید می‌کند: «سرنوشت نتانیاهو تا حد زیادی به جنگ غزه وابسته است و این فرد تلاش می‌کند تا از وضعیت فوق برای تقویت جایگاه و تثبیت قدرت خود استفاده کند. بر همین اساس هم روند یک جنگ طولانی‌مدتی را طراحی کرده است». به گفته این کارشناس حوزه روابط بین‌الملل، نتانیاهو به دنبال آن است که از طریق مسئله غزه به مقابله با مخالفان خود در داخل اسرائیل بپردازد، آنها را تحت فشار قرار دهد، آزادی‌های سیاسی را محدود و فضای امنیتی را حاکم کند و قدرت خود را حفظ کند؛ با توجه به اینکه با «بنی گانتس» در اسرائیل دولت جنگی تشکیل داده است، بنابراین توانسته شکافی را در اپوزیسیون اسرائیل نیز ایجاد کند. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

◆◆◆

◆ به نظر می‌رسد جنگ غزه علاوه بر تمام آثاری که بر زندگی مردم غزه و به صورت کلی مردم منطقه و جهان باقی گذاشته، در داخل خاک اسرائیل نیز موجبات افول بیش از پیش اقبال عمومی به «بنیامین نتانیاهو» را رقم زده است. حملات حماس نشان‌دهنده رسوخ فلسطینیان به دستگاه امنیتی اسرائیل بود که در بیشتر تحلیل‌ها، آن را ناشی از ضعف دولت «بی‌بی» تلقی می‌کردند. دیدگاه شما در این زمینه چیست؟

موقعیت نتانیاهو شکننده است اما واقعیت این است که مخالفان آلترناتیوی برای جایگزینی با او ندارند. یعنی مهم‌ترین دلایلی که نتانیاهو پس از چهار انتخابات زودهنگام هنوز بر سر کار است، توجه به این موضوع است که اپوزیسیون اسرائیل یک فرد کاریزماتیک و قَدری مانند او را در چنته ندارد. فراموش نکنیم که نتانیاهو از نظر کمپین انتخاباتی قدرت زیادی دارد و در هر انتخاباتی فاصله او به مراتب بیشتر از سایر رقبایش بوده است. از سوی دیگر، اپوزیسیونی که در مقابل نتانیاهو قرار دارد، اپوزیسیون متحدی نیست. برای مثال، می‌توانیم به «نفتالی بنت» اشاره کنیم؛ یکی از دلایل شکست اپوزیسیون در انتخابات اخیر این بود که نفتالی بنت از انتخابات مذکور کناره‌گیری کرد و در شهری مانند تل‌آویو و برخی از شهرهای دیگر اسرائیل، آرای حزب او مستقیما به سمت سبد حزب لیکود و شخص نتانیاهو سرازیر شد. بنابراین عدم اتحاد و وحدت جریان‌های اپوزیسیون و نداشتن آلترناتیو، مهم‌ترین مسئله در موضوع در قدرت بودن نتانیاهو است.

◆ بنابراین امکان سقوط دولت نتانیاهو چندان محتمل نیست؟

با این شرایط خیر. البته پس از طرح موضوع اصلاحات لایحه قضائی، شکاف در جامعه اسرائیل به مراتب شدیدتر از گذشته شد. پیش از حمله حماس چندین ماه تظاهراتی در رابطه با این موضوع صورت گرفته بود که در نهایت دیوان عالی اسرائیل لایحه اصلاحات قضائی را رد کرد. یعنی در حال حاضر وضعیت حقوقی مبهمی در اسرائیل برقرار است. از یک طرف بخشی از لایحه اصلاحات قضائی از سوی پارلمان تصویب شده و از طرف دیگر دادگاه عالی اسرائیل آن را لغو کرده است. علاوه بر این، به دلیل اینکه اسرائیل قانون اساسی مدون و مکتوبی ندارد وضعیت بلاتکلیفی حاکم است. بنابراین به اعتقاد بنده سرنوشت نتانیاهو تا حد زیادی به جنگ غزه وابسته است و این فرد تلاش می‌کند تا از این وضعیت برای تقویت جایگاه و تثبیت قدرت خود استفاده کند. بر همین اساس هم یک جنگ طولانی‌مدت را طراحی کرده است. او در آخرین مصاحبه‌ای که با شبکه ABS داشت، فاش کرد که پس از پایان جنگ کنترل امنیتی غزه برای مدت نامحدودی در اختیار اسرائیل خواهد بود. این موضوع به آن معناست که نتانیاهو می‌خواهد از طریق مسئله غزه، در داخل اسرائیل به مقابله با مخالفان خود بپردازد، آنها را تحت فشار قرار دهد، آزادی‌های سیاسی را محدود و فضای امنیتی را حاکم کند تا بتواند قدرت خود را حفظ کند و با توجه به اینکه با «بنی گانتس» در اسرائیل دولت جنگی تشکیل داده است، بنابراین توانسته شکافی را در اپوزیسیون اسرائیل ایجاد کند.

◆ با این اوصاف نتانیاهو همچنان در قدرت باقی می‌ماند؟ این تحلیل وجود داشت که با فروکش‌کردن تحولات غزه، نتانیاهو باید از قدرت کناره گیری کند.

نتانیاهو بازی‌کردن با فرمول انتخابات را خوب بلد است. درست است که مخالفان بسیار زیادی دارد و نظرسنجی‌ها هم از تعدد تعداد مخالفان او حکایت می‌کند و حتی برخی از نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که از محبوبیت او نیز کاسته شده است، اما مسئله این است که این فرد قدرت بسیار زیادی در تشکیل کمپین انتخاباتی، برگزاری انتخابات و جذب آرای عمومی دارد. علاوه بر این، همان‌طور که گفتم، اپوزیسیونی که در مقابل نتانیاهو قرار دارد، اپوزیسیون متحدی نیست. مهم‌ترین مسئله این است که این افراد تنها می‌گویند نتانیاهو در قدرت نباشد، اما فردی را هم برای جانشینی او معرفی نمی‌کنند. شما عملکرد دولت ائتلافی «نفتالی بنت» و «یائیر لاپید» را هم دیدید که در نهایت نتوانست به کار خود ادامه دهد و فروپاشید. قانون انتخابات اسرائیل فضا را برای احزاب کوچک باز گذاشته است. یعنی بر اساس این قانون، توازن قدرت در اسرائیل به شکلی است که وقتی در دولت یک نفر استعفا می‌دهد، کل دولت فرومی‌پاشد. نظام انتخابات اسرائیل یک نظام اکثریت تناسبی است که در آن کل اسرائیل یک حوزه انتخابیه است. کسانی که با علم انتخابات آشنا هستند، می‌دانند که تأثیر این موضوع بر انتخابات تا چه اندازه زیاد است. بنابراین از نظر سیاسی، نتانیاهو در وضعیت دشواری قرار دارد، اما قانون انتخابات اسرائیل به‌گونه‌ای است که نتانیاهو می‌تواند از آن به نفع خود و حزب لیکود استفاده کند. از سوی دیگر فراموش نکنیم که نتانیاهو در چند سال اخیر مخالفان خود در حزب لیکود را هم کنترل کرده و اجازه نداده است از داخل حزبش چالشی جدی برای او ایجاد شود. بنابراین فکر می‌کنم نخست‌وزیر اسرائیل همچنان در قدرت است و در قدرت باقی خواهد ماند و البته تلاش می‌کند تا از جنگ غزه برای تقویت جایگاهش استفاده کند. هرچند اشاره کردم که در احزاب مخالف او، شخصیت کاریزماتیک و قدرتمندی هم وجود ندارد.

◆ آیا اسرائیل می‌تواند غزه را همان‌طورکه می‌خواهد اداره کند؟

الان طرح‌های مختلفی در حال ارائه است. آمریکایی‌ها به دنبال آن هستند تا اداره غزه از کنترل حماس خارج شده و به دولت خودگران سپرده شود. دلیل حرفشان هم این است که در این صورت پیشنهاد دو دولتی‌شدن که مبنای قطع‌نامه ۲۴۲ سازمان ملل است، اجرایی شده و اوضاع باثبات می‌شود.

◆ به رسمیت شناخته‌شدن فلسطین و استقرار دولت خودگران بر غزه و کرانه باختری نمی‌تواند پیشنهاد خوبی باشد؟

مشکل دولت خودگران این است که محبوبیتی ندارد.

◆ در مقابل اسرائیل نیز نمی‌تواند عرض اندام کند و کاری از پیش برد.

بله درست است. بعد از توافق اسلو عملا فلسطین در اختیار دولت خودگران بود اما با فسادی که در بدنه جنبش فتح وجود داشت اوضاع چندان باب میل فلسطینیان نبود. اینکه مقامات این حزب به قدرت چسبیده‌اند و «محمود عباس» اجازه نمی‌دهد جوانان وارد تشکیلات آن شوند. رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین اوضاع را با حضور افرادی در رده سنی خود پیش می‌برد و افراد خارج از دایره موردنظر او عملا نقشی در فرایند تصمیم‌گیری فلسطین ندارند. آنها گرفتار فساد شده‌اند و تأکیدی که بر ناسیونالیسم دارند برای جمعیت جوان فلسطین جذاب نیست. مقامات جنبش فتح برای وضعیت فلسطین راهکار ابتکاری جدیدی ندارند. برهمین اساس نسل جوان چه در غزه و چه در کرانه باختری طرفدار دولت خودگران نیست. دلیل مخالفت حماس و جنبش اسلامی با مقامات دولت خودگردان نیز این است که از توان لازم برای پیشبرد اهداف فلسطینیان برخودار نیستند و نمی‌توانند در جهت ایجاد آرامش در غزه کاری انجام دهند. از سوی دیگر طرح دیگری هم وجود دارد که برخی از کشورهای عربی آن را دنبال می‌کنند که تشکیل یک ائتلاف منطقه‌ای برای اداره غزه است که این مورد هم هنوز روی کاغذ بوده و عملیاتی نشده است. اسرائیل فعلا به دنبال آن است که حماس را از غزه بیرون کرده و خطر حماس را از این منطقه دفع کند اما اینکه می‌خواهد غزه را مانند سال ۲۰۰۵ به اشغال خود دربیاورد یا چه کاری انجام دهد، هنوز معلوم و مشخص نیست.

◆ پیشنهادی هم بود که عربستان اداره امور غزه را عهده‌دار شود.

این همان طرحی است که بلینکن در سفر به امارات و عربستان درمورد آن صحبت کرده است. بحث تنها عربستان نیست. قرار است ائتلافی از کشورهای عربی با حضور کشورهای عربستان، اردن، مصر و امارات شکل بگیرد و غزه توسط این کشورها اداره شود که این طرح نیز سختی‌های خود را دارد، چرا که بن سلمان نمی‌خواهد خود را درگیر مسئله فلسطین کند. از سوی دیگر باید با حماس کنار بیاید اما حماس اخوانی و به قطر نزدیک است و چندان میانه خوبی با امارات و عربستان ندارد.

◆ وضعیت غزه به کجا می‌رسد؟ اسرائیل با حضور در این قسمت از فلسطین تقریبا تمامی زیرساخت‌های آن را نابود کرده است؟

از قبل هم در این قسمت حضور داشته است.

◆ منظورم نابودی تمامی آنهاست. بیشتر نقاط غزه با طرح موضوع «حضور نیروهای حماس» از سوی اسرائیل تخریب شده است. آیا در کوتاه‌مدت جنگ غزه تمام می‌شود؟

من چشم‌انداز کوتاه‌مدتی برای پایان جنگ در غزه مشاهده نمی‌کنم. مسئله این است که طی یک هفته نخست که اسرائیل به غزه حمله نکرد برخی می‌گفتند که از این اقدام منصرف شده است اما این‌طور نبود. تحلیل‌هایی که در اسرائیل نوشته می‌شود ناظر بر این است که اسرائیل باید هزینه جنگ در غزه را بپردازد. افکار عمومی اسرائیل به جهت افرادی که کشته و توسط حماس به گروگان گرفته شده‌اند آماده پرداخت هزینه برای جنگ غزه است. نتانیاهو نیز انگیزه شخصی برای این کار دارد و در ساختار سیاسی و امنیتی اسرائیل هم این جمع‌بندی وجود دارد که اسرائیل نباید اجازه دهد سناریوی حزب‌الله در مورد حماس اجرا شود؛ بنابراین اسرائیل در این زمینه به دنبال طولانی‌ترکردن بحران است تا حساسیت افکار عمومی نسبت به این جنگ کم شود و پس از آن، به بعد از پایان جنگ بیندیشد. قاعدتا اگر اسرائیل بخواهد غزه را اشغال کند یک داستان وجود دارد و اگر بخواهد اداره آن را به دولت خودگران واگذار کند، سناریو دیگری مطرح است. اگر به ائتلاف واگذار کند یک بحث است. اگر بخواهد آن را ضمیمه خاک خود کند امر دیگری در جریان است. اما آنچه اسرائیلی‌ها در این مرحله به دنبال آن هستند این است که در این مرحله خطر حماس را از بین ببرند و بعد برای ادامه ماجرا فکر کنند.

◆ با این اوصاف این احتمال نیز وجود دارد که اسرائیل بخواهد غزه را ضمیمه خاک خود کند. پس از شروع جنگ غزه این موضوع مطرح شد که بهانه لازم برای اسرائیل نسبت به اینکه بخواهد این منطقه را خالی از سکنه فلسطینی کند، ایجاد شده است.

سناریوی دور از ذهنی نیست، چراکه اسرائیل در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۲ تقریبا بخش‌هایی از سرزمین فلسطین را اشغال کرد و شهرک‌های یهودی‌نشین نیز پس از آن ایجاد شدند. الان بحث الحاق کرانه باختری به اسرائیل مطرح است که نشان‌دهنده آن است یکی از سناریوهای محتمل همین موضوع است که اسرائیل در واقع با خالی‌کردن غزه از سکنه، آن را جزء سرزمین خود لحاظ کند که البته این کار نیازمند همراهی آمریکاست. سیاست آمریکا در این مورد بسیار مهم است، اینکه در شورای امنیت از اسرائیل حمایت کند. می‌خواهم بگویم سناریوی محتملی است و اسرائیل نیز آن را می‌خواهد اما باید ببینیم آمریکا از آن حمایت می‌کند یا خیر؟ بعد هم دفع خطر حماس به تعبیر اسرائیلی‌ها تا چه اندازه زمان می‌برد.

خبر برگزیده

رئیسی در نشست فوق‌العاده بریکس ارائه داد

۷ پیشنهاد برای ایفای نقش در توقف جنگ غزه

رئیس‌جمهوری در نشست فوق‌العاده بریکس هفت پیشنهاد مهم برای ایفای نقش در توقف جنایات صهیونیست‌ها و کمک به مردم غزه ارائه کرد. سیدابراهیم رئیسی در ارتباط تصویری با نشست فوق‌العاده بریکس برای بحران غزه اظهار کرد: مسئله غزه مسئله انسانیت و عدالت است. رژیم صهیونیستی و حامینش نه‌تنها انسانیت، اخلاق و حقوق را زیر پا گذاشتند بلکه با سرکوب اطلاعات معتبر و اشاعه اطلاعات نامعتبر سعی در فریب افکار عمومی جهان دارند. او افزود: تأکید بر هفتم اکتبر به‌عنوان آغاز جنگ، تحریف واقعیت و روایت موضوع از پله چندم است. به‌جز تاریخ ۷۵ساله اشغالگری و ترور و تجاوز، در یک سال اخیر درگیری‌های متعددی در کرانه باختری جریان داشته است. رئیسی یادآور شد: در این یک سال مقاومت فلسطین ۲۰۰ شهید داده است. آنجا کسی مگر موشک داشت؟ هدف رژیم صهیونیستی پاکسازی و اشغال کرانه باختری و انتقال جمعیت آن به مصر و اردن بود. حماس فقط در دفاع از قدس شریف و کرانه باختری و هتک حرمت مسجدالاقصی عملیات کرد. ریشه جنگ در تداوم اشغال است. آمریکا و کشورهای غربی که مخالف آتش‌بس در غزه هستند، دیگر اعتباری نزد مردم جهان ندارند. امروز کشورهای عضو بریکس مسئولیت تاریخی دارند تا اثبات‌کنند ارزش‌های انسانی را نمی‌توان قربانی منافع سیاسی کرد. بر این اساس تمایل دارم برای توقف جنایت و کمک به مردم غزه بر این پیشنهادها تأکید کنم.

۱- با توجه به ناتوانی شورای امنیت سازمان ملل در اجرای مأموریت خود برای ایجاد صلح و امنیت و کارشکنی آمریکا برای صدور قطع‌نامه الزام‌آور جهت آتش‌بس، لازم است کشورهای عضو بریکس، در چارچوب مکانیسم «اتحاد برای صلح» بانی قطع‌نامه الزام‌آور در مجمع عمومی سازمان ملل علیه رژیم صهیونیستی و با هدف توقف جنایات علیه مردم غزه شوند.

۲- حملات مستمر رژیم صهیونیستی به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، اماکن مذهبی، کشتار زنان و کودکان، پزشکان، پرستاران و خبرنگاران در غزه، همه اقدام تروریستی هستند. لازم است آن رژیم جعلی به‌عنوان رژیم تروریستی و ارتش آن به‌عنوان یک سازمان تروریستی شناسایی شوند.

۳- جمهوری اسلامی ایران از اقدام برخی دولت‌ها از اجرای جنایات اسرائیل غاصب در غزه به دیوان کیفری بین‌المللی حمایت می‌کند و اعتقاد دارد که علاوه بر اسرائیل، آمریکا نیز باید در دادگاه‌های بین‌المللی به جرم جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی و کودک‌کشی محاکمه و به‌سرعت مجازات شود.

۴- لزوم اقدام جمعی اعضای بریکس برای شکستن محاصره غزه و ایجاد مسیر دائمی و امن برای ارسال کمک‌های بشردوستانه به غزه؛ در این راستا بازگشایی دائمی گذرگاه رفح مورد تأکید جدی است.

۵- با توجه به جنایات بی‌سابقه و بمباران‌های چندین هزار تن تسلیحات به‌خصوص تسلیحات ممنوعه مثل فسفر سفید در غزه، لازم است اعضای بریکس با ایجاد یک مأموریت ویژه بین‌المللی این جنایت را سریعا بررسی و گزارش آن را به‌صورت عمومی منتشر کنند تا زمینه کیفر آمران و مباشران این رژیم فراهم شود.

۶- با توجه به جنایت‌های مستمر و ماهیت نژادپرستانه رژیم جعلی اسرائیل انتظار ملت‌های آزاده از تمام دولت‌ها به‌ویژه اعضای بریکس آن است که قطع کامل روابط سیاسی و اقتصادی و نظامی خود را با رژیم صهیونیستی سریعا در دستور کار قرار دهند. تداوم تعاملات با رژیم جعلی اسرائیل، به‌خصوص در حوزه نظامی و اقتصادی به معنی کمک به تداوم جنایات و کشتار زنان و کودکان است که مورد مذمت و سرزنش همه ملت‌هاست.

۷- شناسایی حق ملت فلسطین در دفاع از خود و مجاهدت آنها برای آزادسازی مناطق اشغالی مورد حمایت همه دولت‌ها و ملت‌های آزاده است. حمایت قاطعانه بریکس از این حق نشان می‌دهد ما به وظیفه انسانی و اخلاقی خود عمل کردیم و دشمنان فلسطین در برابر وجدان بشری و تاریخ سرافکنده خواهند شد. جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که راه‌حل نهایی که منجر به صلح و ثبات پایدار در غرب آسیا و جهان خواهد شد، تشکیل دولت واحد فلسطینی پس از برگزاری یک همه‌پرسی مبتنی بر اصل دموکراتیک «هر فلسطینی یک رأی» است. قرارگرفتن در مسیر طرح‌های شکست‌خورده سابق برای صلح نتیجه‌ای جز تکرار جنگ و ناامنی نخواهد داشت.

Pishkhan.com

چهارشنبه
۱آذر۱۴۰۲
سال بیست‌ویکم • شماره۴۷۰۴
روزنامه شرق | www.sharghdaily.com

پیشخوان
Pishkhan.com

ادامه از صفحه اول

فاصله‌گیری از نقش

نه کسی که در نقش دانشجوبودن ابهام دارد و نه کسی که نسبت به رشته خود بی‌علاقه است، فعالیتی برای کاهش این فاصله انجام نمی‌دهد. نه ابهام‌داشتن را با دانشگاه در میان می‌گذارد و نه حرکتی برای عوض‌کردن رشته خود و... انجام می‌دهند. در چنین وضعیتی زمان، منابع و استعدادهای زیادی هدر می‌رود. علاوه‌براین حضور زیاد دانشجویانی که از نقش دانشجوبودن فاصله گرفته‌اند، در محیط دانشگاه و کلاس درس، دیگر دانشجویانی را که با عشق و علاقه وارد میدان آکادمی شده‌اند نیز متأثر می‌کند. به قول معروف «افسرده‌دلی افسرده کند انجمنی را». در کلاس درس گروهی از دانشجویان که نقش دانشجویی را خوب می‌شناسند و در کلاس علاقه و توجه نشان می‌دهند، کنار دانشجویانی نشسته‌اند که هیچ‌کدام از این ویژگی‌ها را ندارند. چنین دانشجویانی فضای دانشگاه را درگیر فعالیت‌های دیگری می‌کنند که سنخیتی با محیط دانشگاهی ندارد. استاد متبحر می‌تواند با توجه‌کردن به این مباحث و شیوه تدریس تعداد بیشتر ی را به جمع علاقه‌مندان به نقش دانشجویی اضافه کند اما کافی نیست. اصلاح سازوکارهای دیگر مانند شیوه جذب دانشجو برای کاهش فاصله‌گیری از نقش لازم است. نکته مهم این است که آنچه برای تصمیم‌گیران و مدیران اهمیت بیشتری دارد، نه چاره‌اندیشی برای مسئله فاصله‌گیری از نقش بلکه چالش فاصله‌گیری افراد از قواعد نمود و شیوه بودن است. به‌عبارتی مسئله مهم‌تر برای برخی مدیران فاصله‌گیری افراد از قواعد بروز و نمایش خود است؛ یعنی چگونگی رؤیت‌پذیری و آشکارشدگی افراد چالش‌برانگیزتر است تا فاصله‌گیری از نقش.

جنگ غزه، سناریوهای مفروض و نقش ایران

حال با توجه به دو سناریوی مفروض، بازی ایران چگونه باید باشد؟ ایران باید سعی کند سطح جنگ در سطح سناریوی اول باقی مانده و از وقوع سناریوی دوم جلوگیری کند. در این راستا ایران باید ضمن مذاکره با قدرت‌های منطقه‌ای شامل عربستان، ترکیه، عراق و مصر به مدیریت هوشمندانه محور مقاومت بپردازد. هم‌زمان ایران باید با قدرت‌های فرامنطقه‌ای شامل روسیه، چین و آمریکا نیز مذاکره کند. از سوی دیگر شکل و ماهیت بازی ایران در این مناقشه تهدیدبرانگیز، متأثر از چند سطح تحلیل است که باید با دقت توسط نخبگان، مورد تحلیل دقیق قرار گیرد. این سطوح تحلیل دارای اهمیت راهبردی‌اند. پیچیدگی جنگ غزه موجب شده است ایران رفتار عقلایی از خود بروز دهد و در مواجهه عریان با واقعیت‌ها و الزامات روابط بین‌الملل متوجه شود که ارزش «انتخاب سخت» از «انتقام سخت» بیشتر است. مطمئنا مقامات کشور، پس از جنگ غزه با سؤالات چالش‌برانگیزی روبه‌رو شده‌اند. سؤالاتی که پاسخ‌های عقلانی و نه احساسی می‌طلبند. سؤالاتی که پاسخ‌هایی با تمرکز و هوشمندی بالا می‌طلبد. شاید، پس از پایان جنگ غزه، برخی از سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای، دچار تغییرات و تحولاتی خواهند شد و احتمالا سیاست‌های جدیدی جای آنها را بگیرند.

سیاست‌گذاری از منظر ذی‌نفعان

سیاستی که با هدف حمایت از اقشار ضعیف اتخاذ شد به ضد خود تبدیل شد. دولت اعلام می‌کند که در راستای حمایت از تولیدات داخلی لوازم خانگی، واردات آن ممنوع و در دامنه‌ای محدود خواهد شد. اما با ازبین‌رفتن رقابت، کیفیت محصولات بهتر نشده درحالی‌که قیمت‌ها افزایش یافته است. قاچاق لوازم خانگی افزایش یافته و در نتیجه گروه‌هایی از این سیاست نفع می‌برند که البته قابل پیش‌بینی بود. در اینجا تولیدکننده داخلی و گروه‌های درگیر قاچاق لوازم خانگی خارجی از این سیاست نفع برده‌اند. دولت نیز از این سیاست متضرر می‌شود؛ زیرا در دوران پیش از اتخاذ چنین سیاستی، لوازم خانگی خارجی از مجاری قانونی وارد شده و تعرفه‌های قانونی و مالیات پرداخته و درآمد دولت افزایش می‌یافت اما اکنون چنین نیست. مثال بعد را می‌توان ممنوعیت واردات گوشی‌ها در برخی ادوار ذکر کرد. بنابراین بررسی سیاست‌ها یا تداوم آنها از زاویه ذی‌نفعان امری ضروری است. محرابی‌نژاد در مقاله‌ای در سال ۲۰۰۷ به تأثیر رانت در طولانی‌شدن جنگ عراق علیه ایران پرداخت. همین سخن را نیز می‌توان در مورد تحریم بیان کرد. تحریم ظالمانه آمریکا علیه ایران موجب شد تا مقامات برای دورزدن تحریم به افراد و گروه‌هایی اعتماد کنند. این گروه‌ها پس از مدتی صاحب درآمدهای سرشار شدند. طبیعی است که اتمام تحریم به زیان آنان خواهد بود. از این‌رو اینان تلاش می‌کنند با دادن شعارهای تند و آرمان‌گرایانه و به دور از واقع‌گرایی، فضا را برای هرگونه حرکتی که به تحریم پایان دهد، سنگین کنند. بنابراین به نظر می‌رسد که پیش از هر اقدام سیاسی یا سیاست‌گذاری، از منظر ذی‌نفعان و متضرران بررسی صورت گیرد؛ زیرا این دو از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند.

نگاهی به تغییرات لایحه بودجه سال ۱۴۰۳؛ آیا ارقام درآمدی واقع‌بینانه شده است؟

سال سخت بودجه

عکس: ناصر جعفری، تسنیم

شرق: کسری سنگین بودجه در نیمه اول امسال دولت را بر آن داشته است که اعداد لایحه بودجه سال آینده را با احتیاط بیشتری به نگارش درآورد. بر اساس اعلام سازمان برنامه‌وبودجه در هفت ماه ابتدای امسال کشور چیزی حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه را تجربه کرده و برآوردها حاکی از آن است که نزدیک به نیمی از درآمدهای نفتی امسال، تاکنون محقق نشده است. سال گذشته عددهای بلندپروازانه بودجه ۱۴۰۲ و همچنین رشد خیره‌کننده بودجه برخی نهادها مانند صداوسیما در رسانه‌ها منعکس شد و حالا دولت لایحه بودجه سال آینده را با اعداد اندکی محافظه‌کارانه‌تر بسته است؛ هرچند به نظر می‌رسد فشار کسری بودجه خود را روی دوش مالیات گذاشته است؛ مالیات‌هایی که در روزهای اخیر نوک پیکان انتقاد کارشناسان و رسانه‌ها بود. لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ قرار بود دیروز به دست ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری به بهارستان برسد اما علی بهادری‌جهرمی، سخنگوی دولت خبر داد به دلیل آنکه لایحه برنامه هفتم توسعه همچنان در مجلس در حال بررسی است، هیئت‌رئیسه مجلس خواسته که دولت لایحه بودجه را جلسه بعد از اتمام بررسی برنامه هفتم توسعه تحویل دهد. بااین‌حال جزئیاتی از بودجه سال ۱۴۰۳ منتشر شده است. بر این اساس رقم بودجه ۱۴۰۳ نسبت به مبلغ بودجه سال گذشته ۱۸ درصد افزایش داشته و تراز عملیاتی بودجه به ۳۰۸ هزار میلیارد تومان کاهش یافته است. همچنین منابع عمومی بودجه سال آینده بیش از دوهزارو ۴۲۹ هزار میلیارد تومان تعیین شده است. رشد ۱۸درصدی رقم بودجه ۱۴۰۳ نسبت به عدد بودجه امسال در شرایطی رخ داده است که بودجه امسال نسبت به سال ۱۴۰۱ حدود ۴۰ درصد رشد داشت. بااین‌حال سازمان برنامه‌وبودجه کشور اعلام کرده بود در هفت ماه ابتدای امسال کشور نزدیک به ۴۰۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه داشته است و به نظر می‌رسد که دولت با درنظرگرفتن این مسئله، در پیش‌بینی ارقام بودجه سال آینده، احتیاط بیشتری به خرج داده است. بر اساس اعلام احسان خاندوزی، وزیر اقتصاد، دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۳ صادرات روزانه یک‌میلیون‌و ۳۵۰ هزار بشکه نفت به قیمت ۶۵ یورو را در نظر گرفته است. این در حالی است که در بودجه امسال دولت صادرات روزانه یک‌میلیون‌و ۴۰۰ هزار بشکه نفت و با نرخ ۸۵ دلار را در نظر گرفته بود که البته گزارش‌های سازمان امور مالیاتی و سازمان برنامه‌وبودجه نشان می‌دهد که در نیمه اول امسال حدود نیمی از درآمدهای پیش‌بینی‌شده نفتی، محقق نشده است. به‌این‌ترتیب به نظر می‌رسد دولت در بودجه سال آینده کمی از بلندپروازی درآمدهای نفتی خود هم از نظر حجم و هم از نظر قیمت نفت تحریمی کاسته است. بااین‌حال با توجه به محقق‌نشدن حدود نیمی از درآمدهای نفتی در نیمه اول امسال، به نظر می‌رسد که دولت همچنان چشم‌انداز غیرواقع‌بینانه‌ای برای درآمدهای نفتی خود در نظر گرفته است.

همچنین کابینه سیزدهم در شرایطی که درآمد نفتی را هشت درصد کمتر از بودجه امسال پیش‌بینی کرده و رقم آن را به ۵۵۴ هزار میلیارد تومان رسانده است، میزان درآمد مالیاتی را هزارو ۱۲۲ هزار میلیارد تومان پیشنهاد داده است که این عدد دو برابر میزان درآمدهای نفتی است.

تشدید فشارهای مالیاتی در روزهای گذشته خبرساز بوده و اعتراض‌هایی را به دنبال داشته است. به‌جز این در لایحه بودجه ۱۴۰۳ واگذاری شرکت‌های دولتی تا ۴۳.۴ درصد کاهش یافته است. میزان واگذاری شرکت‌های دولتی در بودجه امسال ۱۰۶ هزار میلیارد تومان بود که در لایحه بودجه سال آینده میزان واگذاری‌ها ۶۰ هزار میلیارد تومان پیشنهاد شده است.

همچنین دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۳ میزان واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای را در بودجه سال آینده کاهش و میزان واگذاری دارایی‌های مالی را افزایش داد.

بر این اساس میزان واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای با ۱۶ درصد کاهش به ۶۱۴ هزار میلیارد تومان رسید و همچنین واگذاری دارایی‌های مالی با رشد حدود هشت‌درصدی ۳۱۹ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده است.

همچنین میزان فروش اوراق مالی که در بودجه امسال ۱۸۷ هزار میلیارد تومان بود، در بودجه سال آینده به ۲۵۴ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کرده و با رشد ۳۶درصدی مواجه شده است. به علاوه اینکه دولت در لایحه بودجه سال آینده برای واردات کالاهای اساسی ۱۳.۶ میلیارد یورو یا ۱۵ میلیارد دلار منابع تعیین کرده است. میزان افزایش حقوق کارمندان در سال آینده هم ۱۸ درصد و بازنشستگان ۲۰ درصد خواهد بود. این در شرایطی است که دولت میزان افزایش حقوق کارمندان و بازنشستگان را در بودجه امسال بیشتر از ۲۰ درصد پیشنهاد داده بود.

خبر

«سمگا» ۶۴ درصد از سهام شرکت گروه هتل‌های بین‌المللی رکسان را می‌خرد

هیئت‌مدیره گروه سرمایه‌گذاری میراث فرهنگی (سمگا) در راستای بهبود کیفی زنجیره هتلداری این شرکت، خرید ۶۴ درصد از سهام شرکت گروه هتل‌های بین‌المللی رکسان را تصویب کرد.

به گزارش گروه مالی گردشگری، یکی از اهم مأموریت‌ها و اهداف اصلی گروه سرمایه‌گذاری میراث فرهنگی (سمگا)، فعالیت در صنعت هتلداری و به طور ویژه برخورداری از تعداد اتاق بیشتر در راستای تکمیل و بهبود کیفی زنجیره هتلداری این شرکت است.

هیئت‌مدیره شرکت سمگا در این راستا، به بررسی گزارش کارشناسان رسمی دادگستری مختوم به گزارش ارزیابی سهام از طرف جناب آقای سیدمحمد حجازی به شماره الف.م.۰۷۳۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۳۰ به ارزش هر سهم ۵،۷۵۱ ریال و جمع کل ۱۰،۹۹۰،۱۶۱ میلیون ریال به انضمام مطالبات فروشندگان (۱،۰۷۹،۰۶۵ میلیون ریال) پرداخت و پیشنهاد خرید ۶۴ درصد سهام شرکت گروه هتل‌های بین‌المللی رکسان را تصویب کرد.

«سمگا» این حجم از سهام گروه هتل‌های بین‌المللی رکسان را از شرکت‌های تجارت اندیشه‌فروزان، نوین تجارت تندیس زاگرس و سینا تجارت بامداد البرز، بر اساس ارزیابی سهام به صورت نقد و اقساط و با پرداخت حداکثر ۱۰ درصد هم‌زمان با امضای قرارداد، می‌خرد.

براساس‌این ورود سمگا به مقوله سهامداری شرکت گروه هتل‌های بین‌المللی رکسان، علاوه بر تولید ثروت برای سهامداران سمگا و متنوع‌سازی سبد سرمایه‌گذاری، هتل چهار ستاره رمیس واقع در شهر فرودگاهی امام خمینی(ره) مالک ۱۹۶ تخت، هتل پنج ستاره رکسان واقع در شهر فرودگاهی امام خمینی(ره) مالک ۲۹۶ تخت و هتل پنج ستاره رکسان کربلا واقع در شهر کربلا مالک ۸۵۳ تخت را به سبد دارایی‌های هتلی این شرکت اضافه خواهد کرد.

Pishkhan.com

اتوبوس‌های یورو ۵ گروه بهمن پیش از وارونگی هوا به پایتخت رسید

مدیرعامل شرکت خودروسازی اسنا گفت: مشخصات قابل قبول شرکت خودروسازی اسنا (زیرمجموعه خودروسازی بهمن) نظر مدیران شهری کشور را به این محصولات جلب کرده است. او همچنین از آزمایش اولین اتوبوس برقی اسنا تا پایان سال خبر داد.

جلیل هاشمی افزود: با شهرداری تهران نیز قراردادی مبنی بر ۵۰۰ دستگاه اتوبوس درون‌شهری را منعقد کردیم که طبق توافق اتوبوس‌ها را تحویل می‌دهیم و شاهد تحویل مرحله مرحله دوم از اتوبوس‌های این شرکت به شهرداری تهران هستیم.

هاشمی با اشاره به اینکه روز گذشته مرحله دوم از قرارداد منعقدشده با شهرداری تهران به تعداد ۲۵ دستگاه اتوبوس درون‌شهری به شهرداری تهران تحویل داده شد، خاطرنشان کرد: هر ماه تعدادی از این اتوبوس‌ها را مطابق قرارداد تحویل می‌دهیم. مدیرعامل شرکت خودروسازی اسنا به قرارداد این شرکت با شهر اصفهان نیز اشاره و تصریح کرد: برای تحویل ۵۰ دستگاه اتوبوس‌های دوکابین یا همان بی‌آرتی به کلان‌شهر اصفهان نیز قراردادی منعقد شده و اکنون در حال برنامه‌ریزی برای تحویل این اتوبوس‌ها هستیم.

او از مذاکرات انجام‌شده با مدیران کلان‌شهر مشهد نیز خبر داد و اظهار کرد: مذاکره‌ای برای تحویل تعدادی از اتوبوس‌های دوکابین و تک‌کابین انجام شده و قرار است به‌زودی اتوبوس برقی شهری ۱۲متری را وارد خط تولید خودروسازی اسنا کنیم. مهم‌ترین دلیل علاقه‌مندی مدیران شهری به استفاده از این خودروها، مشخصات فنی قابل قبول و کیفیت آنها است.

گفتنی است در حالی روز گذشته ۲۵ دستگاه اتوبوس درون‌شهری از سوی شرکت اسنا تحویل شهرداری تهران شد که پیش‌تر ۲۳ دستگاه اتوبوس ۱۲متری اسنا (شرکت اتوبوس‌سازی گروه بهمن) در مراسمی تحویل شهرداری تهران شده بود. گفتنی است اتوبوس‌های تولیدی شرکت اسنا ۱۲ و ۱۸متری بوده و در زمره اتوبوس‌های مدرن و پیشرفته محسوب می‌شوند. اتوبوس‌های یادشده از امکاناتی نظیر سیستم تهویه، امکانات ویژه افراد کم‌توان و سالمند و فناوری‌های پیشرفته حفاظت از مسافران برخوردار بوده و با اتکا به توان مهندسان و کارگران ایرانی ساخته شده‌اند.

درعین‌حال در داخل این اتوبوس‌ها و تمام صندلی‌ها پورت اختصاصی شارژ USB تعبیه شده و مسافران تا رسیدن به مقصد می‌توانند باتری تلفن خود را نیز شارژ کنند. همچنین در اتوبوس‌ها از سیستم شبیه‌ساز سه‌بعدی همه‌جانبه برای حفظ ایمنی در مسیرهای پرتردد استفاده شده است.

با حضور استاندار در پتروپالایش اصفهان رقم خورد

کاشت نهال در هزار هکتار از اراضی هلدینگ پتروپالایش اصفهان

- **تا پایان سال ۳۰۰ هکتار از اراضی پتروپالایش اصفهان درخت‌کاری می‌شود**
- **آغاز اجرای طرح جهادی کاشت ۲۰ میلیون اصله نهال در استان اصفهان**

در بیست‌وسومین روز از آبان‌ماه با حضور استاندار اصفهان در هلدینگ پتروپالایش اصفهان کاشت بذر درختچه‌های بادام کوهی اسکوپاریا به صورت رسمی در استان اصفهان آغاز شد تا کاشت ۲۰ میلیون نهال طی چهار سال در استان اصفهان با همکاری دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی اجرائی شود. اولین گام‌ها برای کاشت ۲۰ میلیون نهال در استان اصفهان با حضور مدیرعامل پتروپالایش اصفهان، استاندار، مدیرکل منابع طبیعی و حفاظت محیط زیست استان، فرماندار شاهین‌شهر و دیگر مسئولان استانی در هلدینگ پتروپالایش اصفهان در قالب کاشت هزار هکتار نهال و بذر بادام اسکوپاریا از سوی پتروپالایش اصفهان آغاز شد. در این آیین مدیرعامل هلدینگ پتروپالایش با اشاره به تعهد کاشت نهال در قالب هزار هکتار توسط این شرکت افزود: در مجموعه شهرک انرژی و پتروشیمی اصفهان دو هزار هکتار کاشت بذر و نهال تعهد شده است. دکتر محسن قدیری گفت: با توجه به تعهدات زیست‌محیطی شرکت پتروپالایش اصفهان مقرر شد در قالب هزار هکتار کاشت نهال توسط این شرکت انجام شود و در این رابطه تا پایان امسال نزدیک به ۳۰۰ هکتار کشت درخت بادام اسکوپاریا را به پایان خواهیم رساند. وی با اشاره به اینکه اعتبار در نظر گرفته‌شده برای این طرح ۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان است افزود: هلدینگ پتروپالایش اصفهان آمادگی دارد که در این زمینه بیشتر از این میزان هم هزینه کرده و اقدام به کاشت نهال کند. دکتر قدیری افزود: در مدت دو سالی که در استان اصفهان حضور یافته‌ام، کلیه دستورالعمل‌های محیط زیست در این شرکت رعایت شده و آنالایزرهای آنلاین پتروپالایش اصفهان به سامانه‌های محیط زیست وصل هستند. وی تأکید کرد: همچنین تمامی کوره‌ها و گازهای BTE این شرکت از طریق سامانه‌های سازمان محیط زیست پایش می‌شوند، ما پنج آنالایزر در پتروپالایش اصفهان داریم که توسط محیط زیست کنترل می‌شود. دکتر قدیری افزود: تمامی مباحث مرتبط با محیط زیست پتروپالایش اصفهان توسط سازمان محیط زیست رصد می‌شود، مشعل‌های پالایشگاه به طورکلی خاموش است و در حال نصب دو کمپرسور به مشعل‌های این شرکت هستیم تا در شرایط اضطرار بتوانیم مشعل‌ها را خاموش نگه داریم و وظیفه خودمان را نسبت به محیط زیست استان ادا کنیم.

توسعه درخت‌کاری در استان اصفهان برای جلوگیری از آلودگی هوا مؤثر است

در ادامه استاندار اصفهان نیز با بیان اینکه مباحث مربوط به کاشت۲۰ میلیون نهال در استان اصفهان بایستی با هماهنگی‌های لازم در جلسه فرمانداران استان به سرانجام برسد افزود: در شهرستان‌های مختلف با کمک مجموعه‌های مردمی، واحدهای صنعتی، دانشگاه‌ها، NGOهای محیط زیست، پادگان‌ها و... باید در طرح درخت‌کاری وارد شده و کمک کنند. لذا تأکید ما این است تا درخت بادام اسکوپاریا که به آبیاری نیاز ندارد در استان اصفهان کشت شود. سیدرضا مرتضوی، با اشاره به اینکه درخت بادام اسکوپاریا مطابق با اقلیم منطقه استان اصفهان انتخاب شده و توسط بارندگی نیاز آبی‌اش برطرف می‌شود افزود: هدف‌گذاری ما کاشت بیش از ۲۰ میلیون نهال در استان اصفهان است؛ چراکه به دلیل شرایط اقلیمی اصفهان کاشت درخت در این استان برای رفع آلودگی هوا مناسب است و باید به عددی بالاتر از ۲۰ میلیون نهال فکر کنیم. وی با اشاره به آلودگی هوای یک هفته‌ای که گریبان‌گیر اصفهان شده است، افزود: اکنون در روزهای آلوده مدارس و دانشگاه‌ها تعطیل شده‌اند و عمده مباحث آموزشی از طریق مجازی دنبال می‌شود، لذا با توجه به مشکلات موجود باید ظرفیت‌های کاهش‌دهنده در آلودگی هوای استان اصفهان را افزایش دهیم. قطعا درخت‌کاری از نوع گونه‌هایی که آب‌بر نیست از کمک‌های بزرگی است که می‌شود برای جلوگیری از آلودگی هوا استفاده کرد.

۲ هزار هکتار از شهرک انرژی اصفهان تا ۴ سال آینده نهال‌کاری می‌شود

وی ضمن قدردانی از ورود واحدهای صنعتی ازجمله فولاد مبارکه، پالایشگاه اصفهان، پتروشیمی، نیروگاه اصفهان، سپاه، ارتش، آموزش و پرورش و دیگر مجموعه‌ها که در طرح کاشت ۲۰ میلیون درخت در استان اصفهان همکاری دارند، افزود: این مجموعه‌ها تقبل کردند که دو هزار هکتار از شهرک انرژی اصفهان را تا چهار سال آینده کاشت نهال انجام دهند. وی افزود: برای کاهش آلودگی در اصفهان باید ضریب کاشت نهال از عدد در نظر گرفته‌شده بالاتر باشد تا برنامه‌ریزی وسیع‌تری در این رابطه انجام شود و شاهد هوای مناسب‌تری برای تنفس مردم اصفهان باشیم. استاندار اصفهان تأکید کرد: قرار است در طرح درخت‌کاری محدوده شهرستان شاهین‌شهر و میمه با محوریت فرمانداری شاهین‌شهر سه هزار هکتار جنگل‌کاری و کاشت درخت انجام شود که شامل یک میلیون نهال می‌شود. اگر این برنامه‌ها در دیگر شهرستان‌ها هم با جدیت پیگیری شود خیلی زود شاهد عمل به تعهد کاشت ۲۰ میلیون نهال در استان اصفهان خواهیم بود. مرتضوی تأکید کرد: از سازمان منابع طبیعی می‌خواهیم که خود را محدود به کاشت یک میلیارد درخت در کشور نکند. همچنین استان اصفهان تنها به سهم ۲۰میلیونی اکتفا نکند؛ چراکه ما باید برای ایجاد هوای پاک در کشور و بالطبع در استان صنعتی اصفهان برنامه‌ریزی داشته باشیم تا شرایط بهتری را در راستای سلامت شهروندان در استان فراهم کنیم.

کاشت درخت بادام اسکوپاریا در پتروپالایش اصفهان متناسب با اقلیم این منطقه است

معاون منابع انسانی و مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل هلدینگ پتروپالایش اصفهان، نیز در این آیین افزود: قبلا مطالعات کاشت گونه‌های درخت متناسب با اقلیم اصفهان توسط سازمان منابع طبیعی انجام شده است و گونه‌های مناسب شناسایی شد؛ لذا درخت بادام اسکوپاریا متناسب با اقلیم، بارندگی، عمق خاک و... برای کاشت در پتروپالایش اصفهان در نظر گرفته شد. محمد ده‌بیدیان افزود: شرایط ویژه استان اصفهان که در منطقه خشک و نیمه‌خشک قرار دارد و در برخی از قسمت‌های استان که حتی با تانکر آب حمل می‌شود به ما نشان می‌دهد که چگونه این نهال و بذرها را تولید، کاشت و نگهداری کنیم که خشک نشوند و از بین نروند. وی تأکید کرد: در پالایشگاه اصفهان بادام اسکوپاریا به صورت حفاری و کاشت بذر انجام می‌شود. وی با اشاره به اینکه باید در چهار سال آینده یک میلیارد درخت در کشور کشت شود، افزود: این اقدام در شرایطی که دنیا برای کاهش آلودگی هوا و جذب کربن هوا تلاش می‌کند و کنوانسیون‌های بین‌المللی برای مقابله با تغییرات آب‌وهوایی پیمان‌هایی برای ترسیب کربن منعقد کرده‌اند، بسیار مهم است.

برگزاری پویش کشوری فرمانداران برای اجرای طرح کاشت یک میلیارد درخت در کشور

در ادامه نیز مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان اصفهان با اشاره به اینکه تمام کشورهای دنیا از سال ۲۰۱۵ میلادی متعهد شدند که تا سال ۲۰۳۰ میزان تولید کربن خودشان را کاهش دهند، ابراز کرد: کشورمان عضو کنوانسیون بین‌المللی تغییر اقلیم، کنوانسیون تنوع زیستی و معاهدات بین‌المللی ترسیب کربن و کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی است و تمام این الزامات و تعهدات بین‌المللی، کشورهای عضو را متعهد کرده که تا سال ۲۰۳۰ میزان کربن خودشان را با کاشت یک تریلیون درخت در دنیا کاهش دهند و ۴۵ کشور جهان در اجلاس گلاسکو متعهد شدند که تولید دی‌اکسیدکربن را تا سال ۲۰۵۰ به صفر برسانند. ابوطالب امینی با بیان اینکه قانون افزایش بهره‌وری، قانون هوای پاک، قوانین منابع طبیعی، ماده ۵۰ قانون اساسی ما را ملزم کرده که در مقابل تخریب طبیعت، احیا صورت گیرد، اضافه کرد: با توافقات صورت‌گرفته با تمامی ارگان‌ها و صنوف، همه دستگاه‌ها ملزم به اجرای همکاری برای کاشت ۲۰ میلیون نهال در استان شده‌اند. در استان اصفهان یک پویش سراسری با همکاری تمامی فرمانداران در حال برگزاری است که پویش کشوری در روز ۱۶ آذرماه انجام می‌شود. وی افزود: با توافق مدیرعامل فولاد مبارکه قرار است هزار هکتار توسط فولاد و ۳۰۰ هکتار توسط منابع طبیعی در طالخونچه کاشت درخت انجام شود؛ تاکنون ما در جهت تولید نهال موفق بودیم و از پنج میلیون درخت سه میلیون توسط منابع طبیعی و دو میلیون توسط بخش خصوصی انجام شده است. وی با اشاره به اینکه بذر بادام کوهی اسکوپاریا هشت‌ماهه به نهال تبدیل می‌شود، افزود: کاشت این نوع درخت هم در شرق اصفهان و هم در حاشیه کویر بسیار مناسب است. امینی افزود: در استان اصفهان در منطقه جنوبی سمیرم، شمال غرب گلپایگان، فریدن و چادگان گونه بادام اسکوپاریا و ارژن را می‌توان کشت کرد، در دو دهه گذشته ۴۴ هزار هکتار از این نهال در ارتفاعات توسعه یافته است. وی گفت: کاشت بادام اسکوپاریا اگر به صورت بذر و به صورت گودال انجام شود هیچ‌گونه نیاز آبی ندارد، بنابراین بادام اسکوپاریا در کشور ما به صورت دیم کاشت می‌شود و هرچقدر بارندگی بیشتر باشد شاداب‌تر است اما در مناطق کویری گونه‌های تاغ، قره‌داغ و... کشت می‌شود، چراکه با حرکت شن‌های روان کشت این گونه‌ها در آن مناطق بهتر است. وی با اشاره اینکه اگر به مقدار کافی پساب در اختیار منابع طبیعی قرار گیرد بعد از سه سال آبیاری ۳۱۰ هزار هکتار درخت کشت‌شده خواهیم داشت، افزود: ما برای تحقق ۲۰ میلیون درخت باید هر سال پنج میلیون کاشت درخت انجام دهیم. مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان اصفهان ادامه داد: این در حالی است که ایران هفتمین کشور تولیدکننده کربن و چهل‌ودومین کشور ترسیب‌کننده کربن در دنیاست.

گزارش

تعیین تکلیف توافق اسرائیل و حماس

روزهای اخیر گزارش‌ها و اظهارات متعددی درباره احتمال توافق اسرائیل و حماس بر سر آزادی تعدادی از گروگان‌هایی که در دست حماس اسیر هستند، منتشر شده است. جو بایدن رئیس‌جمهوری ایالات متحده با تأیید این گزارش‌ها گفت که معتقد است توافق برای آزادی برخی از گروگان‌هایی که حماس در غزه نگهداری می‌کند، نزدیک است. کاخ سفید همچنین اعلام کرده که «بایدن بار دیگر بر حق اسرائیل برای دفاع از خود» تأکید کرده است. رویترز هفته گذشته به نقل از یک مقام آگاه در غزه گزارش داد که میانجی‌های قطری به دنبال توافقی بین اسرائیل و حماس برای تبادل ۵۰ گروگان در ازای آتش‌بس سه روزه‌اند که به افزایش ارسال کمک‌های اضطراری به غیرنظامیان غزه کمک می‌کند. به گزارش رویترز، جان کربی، سخنگوی امنیت ملی کاخ سفید نیز گفت که ایالات متحده معتقد است به توافق برای آزادی گروگان‌هایی که حماس در جریان حمله به اسرائیل اسیر کرده است، نزدیک‌تر شده‌ایم. با این حال کربی گفت که «هنوز کارهایی برای انجام وجود دارد و تا زمانی که همه چیز کامل نشود ما به کار روی این موضوع ادامه خواهیم داد». کربی همچنین گفت که دولت جو بایدن، خواستار رعایت قوانین بین‌المللی در غزه و افزایش کمک‌های بشردوستانه به غزه از جمله «وقفه‌های بشردوستانه» در جنگ است». پیش از این مایکل هرتزوگ، سفیر اسرائیل در ایالات متحده به ای‌بی‌سی نیوز گفت اسرائیل امیدوار است که حماس تعداد قابل توجهی از گروگان‌ها را «در روزهای آینده» آزاد کند.

حماس حدود ۲۴۰ گروگان را در جریان حمله به اسرائیل در ۷ اکتبر، به غزه منتقل کرده است که تاکنون تنها چهار نفر از آنها آزاد شده‌اند. کانال ۱۲ اسرائیل هم گزارش داده که کابینه جنگ اسرائیل درخصوص تمایل خود برای پیشبرد مذاکرات بر سر آزادی گروگان‌هایی که در غزه در اسارت هستند، به گفت‌وگو نشسته است و می‌خواهد به قطر که بین اسرائیل و حماس میانجیگری کرده، این پیام را ارسال کند که اسرائیل برای دستیابی به یک توافق آماده است.

در همین حال، عزت الرشق عضو دفتر سیاسی حماس در گفت‌وگو با الجزیره اظهار داشت که آتش‌بس با اسرائیل به زودی از سوی قطر اعلام خواهد شد. به گفته او بر اساس این توافق، موضوعات ورود کمک‌ها به غزه و آزادی زنان و کودکان در هر دو طرف مطرح است.

از ابتدای این بحران اعداد متفاوتی درباره گروگان‌ها ذکر شده و هر بار تعداد اعلام‌شده گروگان‌ها متفاوت بوده است. اسرائیل در ابتدا تلاش می‌کرد تعداد این افراد را بسیار پایین اعلام کند تا احتمالا از فشار افکار عمومی خود در امان باشد اما بر اساس آخرین اعلام مقام‌های ارتش اسرائیل به نظر می‌رسد ۲۴۰ گروگان از ملیت‌های مختلف در دست حماس حبس هستند. ابوعبیده سخنگوی گردان قسام، شاخه نظامی حماس پیش‌تر گفته بود که حدود ۲۵۰ گروگان در دست گروه‌های فلسطینی است که از این تعداد ۲۰۰ نفر در اختیار حماس است. پیش‌تر گروه جهاد اسلامی هم مدعی شده بود که تعدادی گروگان در اختیار دارد. با این حال ابوعبیده گفته است که در این مدت ۵۰ گروگان در پی حملات هوایی اسرائیل به نوار غزه کشته شده‌اند. برآورد مقام‌های اسرائیلی این است که حدود ۲۴۰ نفر در نوار غزه اسیر هستند. از طرف دیگر، هرچند به صورت دقیق مشخص نیست شهروندان کدام کشورها در گروگان حماس و دیگر گروه‌های فلسطینی در نوار غزه هستند اما بر اساس اطلاعات منتشرشده به نظر می‌رسد به جز اسرائیلی‌ها، دست‌کم شهروندان کشورهایی چون آمریکا، تایلند، ایتالیا، روسیه، فرانسه، اسپانیا، آلمان، آرژانتین و هلند در اسارت این گروه‌ها هستند. پیش از این موسی ابومرزوق، از اعضای دفتر سیاسی حماس گفته بود: «همه کسانی که اسیر شده‌اند، برای ما اسرائیلی هستند. هرچند درخواست‌هایی وجود دارد که به ملیت اصلی آنها نگاه کنیم به این امید که آنها نجات یابند اما از نظر ما همه آنها اسرائیلی هستند». او همچنین اضافه کرده بود که کشورهایی چون روسیه، آمریکا، فرانسه، اسپانیا، ایتالیا و بسیاری دیگر از کشورها خواستار آزادی شهروندان خود شده‌اند. ضمن اینکه گزارش‌هایی درخصوص مذاکرات تایلند با ایران برای آزادی ۲۳ شهروند زندانی این کشور در نوار غزه منتشر شده بود.

مفاد توافق احتمالی

اکسیوس به تازگی به نقل از منابع خود که به کابینه نتانیاهو نزدیک هستند، جزئیات جدیدی از گفت‌وگوهایی که برای آزادی گروگان‌ها صورت می‌گیرد منتشر کرده است. بر اساس این گزارش دو طرف نزدیک به توافقی هستند که در صورت نهایی‌شدن به آزادی ۵۰ گروگان زن و کودک منجر خواهد شد. حماس هم از طرف اسرائیلی خواسته که در مقابل پنج روز آتش‌بس اعلام کند.

در مرحله دوم این توافق و در صورت ادامه وقفه پنج‌روزه در جنگ، حماس زنان و کودکان بیشتری را که می‌گوید در گروگان دیگر گروه‌های فلسطینی هستند، پیدا کرده و آزاد خواهد کرد. بر اساس این گزارش و به نقل از منابع آگاه، یحیی سنوار رئیس دفتر سیاسی حماس در نواز غزه موافقت کرده تعداد زنان و کودکانی را که پیش‌تر پذیرفته بود آزاد کند، به بیش از ۵۰ نفر افزایش دهد. این در حالی است که بر اساس برآورد مقام‌های اسرائیلی ظاهرا تعداد کل زنان و کودکان گروگان گرفته‌شده توسط حماس کمتر از ۸۰ نفر است. در عین حال سنوار خواستار این شده که اسرائیل به مدت شش ساعت در روز نظارت هوایی و پروازهای شناسایی خود بر غزه را متوقف کند تا عوامل این گروه بتوانند گروگان‌ها را بدون جاسوسی اسرائیل پیدا کنند. در مقابل سنوار خواستار آزادی تمام زنان و کودکانی شده که در زندان‌های اسرائیل حبس هستند. تعداد این افراد ۱۵۰ نفر تخمین زده می‌شود. همچنین بر اساس گزارش‌ها این توافق باعث افزایش قابل توجه کمک‌های بشردوستانه از جمله ارسال سوخت از مسیر مصر برای مردم غزه خواهد بود.

آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه‌ای در ایران

برنامه هفتم توسعه چقدر واقع‌بینانه است؟

امیرحسام اسحاقی
استاد دانشگاه

عکس: علیرضا صوت اکبر/ایسنا

نادیده‌گرفتن یا عدم توجه کافی به مقتضیات اجرا در فرایند تدوین و تصویب قوانین، همواره یکی از مهم‌ترین علل ناکامی برنامه‌های توسعه بوده است. اکنون قوانین در بسیاری از اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه، گرچه روی کاغذ (قوانین کاغذی یا کتاب آرزوهای اقتصادی)، بی‌عیب و نقص به‌نظر می‌رسد، اما در عمل یا قابلیت اجرای بایسته ندارد یا ضعیف و نادرست اجرا می‌شود.

ایران با بیش از ۷۰ سال سابقه برنامه‌ریزی توسعه و تدوین ۱۱ برنامه توسعه‌ای، همچنان در تلاش است تا با ترسیم آتیه اقتصاد کشور، برنامه‌ای تحقق‌پذیر و اجرائی در مسیر نیل به اهداف، تهیه و تدوین کند. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، فرایند نظام برنامه‌ریزی رایج در ایران به علت تصمیم‌سازی متمرکز، پایین‌بودن مشارکت ذی‌نفعان در فرایند برنامه‌ریزی، ناکارآمدی نظارت بر اجرا، چالش‌های تصویب برنامه‌های تهیه‌شده و...، نیازمند بازنگری در کیفیت سازوکار قانون‌گذاری و اجرا و مستلزم ارتقای کیفیت نظام حکمرانی و تثبیت نظام برنامه‌ریزی توسعه‌گراست.

آغاز برنامه‌نویسی در ایران به سال ۱۳۲۷ بازمی‌گردد. برنامه‌های اول و دوم در قالب دو برنامه هفت‌ساله از سال‌های ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۴۱ اجرا شد. برنامه سوم که یک برنامه پنج‌ساله بود سال ۱۳۴۶ به پایان رسید. این برنامه پروژه‌محور، یکی از موفق‌ترین برنامه‌های توسعه‌ای کشور محسوب می‌شود. برنامه چهارم و برنامه پنجم هم پنج‌ساله بود و تا ۱۳۵۶ تداوم یافت. کارشناسان، برنامه چهارم را نیز یکی از برنامه‌های موفق ارزیابی می‌کنند. پس از انقلاب و پیش از جنگ، برنامه پنج‌ساله ششم برای سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ تهیه شد که به دلایل مختلف اجرا نشد و پس از آن با آغاز جنگ، هیچ برنامه‌ای در دستور کار قرار نگرفت. گرچه در سال‌های جنگ، برنامه‌ای برای سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۶ تدوین شد اما چون به تصویب مجلس نرسید، تا پایان جنگ اجرائی نشد. با پایان جنگ در ۱۳۶۸، نخستین برنامه توسعه در نظام جمهوری اسلامی ایران تصویب و اجرا شد. برنامه دوم توسعه از ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ و برنامه سوم از ۱۳۷۹ اجرا شد. گفته می‌شود برنامه سوم نسبت به سایر برنامه‌های توسعه‌ای پس از انقلاب، موفق‌تر اجرا شد. این برنامه، رشد اقتصادی کشور را به شش درصد رساند و تورم را کاهش داد. بنا بر ارزیابی کارشناسان، هیچ‌یک از برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه، مطلوب و موفق نبود. برنامه ششم توسعه که شهریور ۱۴۰۰ به پایان رسید تا پایان ۱۴۰۲ تمدید شده است.

لایحه برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه به‌عنوان سیزدهمین برنامه توسعه‌ای ایران، مشتمل بر ۲۴ فصل، ۵۸ زیرفصل، ۱۱۸ماده، ۴۰۸ بند، ۸۶ جزء و ۵۵ تبصره در هفت بخش اقتصادی، زیربنایی، فرهنگی و اجتماعی، علمی، فناوری و آموزشی، سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی و اداری، حقوقی و قضائی است که پس از حدود دو سال تأخیر اواخر خردادماه گذشته تقدیم مجلس شد. حدود ۲۷ کارگروه تخصصی از نمایندگان عضو کمیسیون تلفیق برای بررسی مواد مختلف این لایحه در مجلس تشکیل شده است.

این برنامه با طرح شعار تحقق رشد اقتصادی عدالت‌محور با جهت‌گیری‌های راهبردی از جمله رفع ناترازی‌ها در حوزه‌های اقتصادی شامل اصلاح نظام بانکی و مهار تورم، اصلاح ساختار بودجه و نظام مالیاتی، اصلاح صندوق‌های بازنشستگی، رفع ناترازی‌های حوزه آب و انرژی و تسریع در اجرای طرح‌های کلان پیشران و زنجیره ارزش، تمرکز بر بخش‌های مسکن، گردشگری، افزایش سهم ترانزیت و اقتصاد دریامحور، ارتقای نظام علمی، فناوری و پژوهشی و افزایش اثربخشی سیاست خارجی طراحی و تدوین شده است. فصل اول این برنامه با عنوان «رشد اقتصادی» شامل مواد (۲) تا (۶) است که علاوه بر ارائه جدول اهداف کمّی سنجه‌های عملکردی رشد اقتصادی به موضوعاتی نظیر «تجهیز منابع»، «محیط کسب‌وکار»، «مردمی‌سازی اقتصاد» و «اشتغال»، پرداخته است. در این برنامه مانند دوره قبل، نرخ متوسط رشد سالانه اقتصادی کشور هشت درصد تعیین شده است. سهم بخش صنعت در تحقق این رشد، دستیابی به رشد متوسط سالانه ۸،۵ درصد است. سهم صنعت در برنامه ششم ۹،۳ درصد تعیین شده بود. برای بخش معدن نیز رشد سالانه ۱۳ درصد پیش‌بینی شده است. بهره‌وری کل عوامل تولید با متوسط رشد ۲،۸ درصدی، سهم قابل توجهی (۳۵ درصد) در تحقق این رشد اقتصادی دارد. برای سایر سنجه‌های عملکردی شامل شاغلان ۳،۵ درصد (متوسط سالانه یک میلیون شغل)، صادرات نفتی ۱۲ درصد، صادرات غیرنفتی ۲۳ درصد، نفت ۹ درصد، آب و برق و گاز هشت درصد، حمل‌ونقل و انبارداری ۱۰ درصد، ساختمان ۹ درصد، کشاورزی ۵،۵درصد، ارتباطات ۱۱ درصد و سایر خدمات ۱۱ درصد رشد سالانه در نظر گرفته شده است.

هرچند ارزیابی و آسیب‌شناسی دقیقی از میزان اجرا یا عدم اجرای هریک از این برنامه‌ها، در دسترس نیست اما بنا بر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، درخصوص عدم اجرای کامل یا عدم اجرای مورد انتظارِ مفاد قانونی دست‌کم سه قانون برنامه توسعه اخیر یعنی چهارم، پنجم و ششم، بین صاحب‌نظران اجماع نظر وجود دارد. ارزیابی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران و دیوان محاسبات کشور از عملکرد قانون برنامه ششم نیز نشان می‌دهد اهداف قانون‌گذار تنها در ۳۰ درصد احکام محقق شده، در ۴۸ درصد احکام بخشی از اهداف محقق شده و در ۲۲ درصد احکام، اهداف قانون‌گذار محقق نشده است. در این قانون، با اینکه متوسط رشد سالانه هشت درصد هدف‌گذاری شد اما فقط ۷۶صدم درصد آن محقق شد. کارشناسان در تحلیل ناکامی این برنامه‌ها با اشاره به مسائلی چون نبود اطلاعات آماری متقن و به‌روز، فقدان منابع مالی لازم و متناسب، عدم هماهنگی بین‌بخشی، عدم تصویب آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و سایر مقررات قانونی مرتبط با احکام، فشار تحریم‌های بین‌المللی، عدم توجه به ظرفیت‌های مشارکتی مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد، سوء مدیریت و...، بر این باورند که بیشتر این برنامه‌ها به جای تمرکز بر مواد مسئله‌محور و توسعه‌ای، به مجموعه‌ای از آمال و آرزوهای همه‌پسند می‌پردازند. گزارش‌های سال ۱۴۰۰ سازمان برنامه و بودجه نیز از ناکامی قوانین برنامه چهارم و پنجم توسعه و از این حکایت دارد که به‌رغم کسب ۶۱۰ میلیارد دلار درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز، شاخص‌های مهم توسعه‌ای کشور در این دوره، روند مطلوبی نداشته است. پژوهش دیگر نیز نشان می‌دهد از میان ۱۰ قانون برنامه عمرانی و توسعه‌ای تا ۱۳۹۱، فقط برنامه سوم عمرانی پیش از انقلاب و برنامه سوم توسعه پس از انقلاب، قادر به شتاب‌دهی اقتصاد کشور بوده است. تصویب سندی با عنوان قانون برنامه توسعه، هزینه مالی و البته هزینه سیاسی زیادی دربر داشته و خواهد داشت. اجرانشدن و غیرقابل‌اجرا بودن بسیاری از مفاد این قوانین در سال‌های اخیر که دستاورد قابل توجهی برای حکمرانی نداشته، ضرورت بازنگری محتوایی و شکلی فرایند تدوین و تصویب قانون برنامه و نیز تمرکز بیشتر از طریق ابزارهای نظارتی و تعاملی بر کیفیت نهادها، مقامات و کارمندان اداری برای کارآمدسازی و توانمندسازی نظام بوروکراسی را دوچندان کرده است. به‌نظر می‌رسد نادیده‌گرفتن و عدم اجرای قوانین برنامه‌های اخیر از سوی دستگاه‌های اجرائی، ناشی از نقص یا آرمانی‌بودن برخی از مفاد این قوانین و همچنین عدم نظارت مستمر قوه مقننه بر حُسن اجرای آنها بوده است. فهرست‌کردن حجم عظیمی از تکالیف برای دولت و دستگاه‌های اجرائی در قانون برنامه توسعه، فقط تراکم مفاد قانونی اجرانشده را به دنبال دارد. احکام قانون برنامه باید حداقلی، اثربخش، اجرائی و قابل تفکیک از سیاست‌ها و راهبردها باشد. در این راستا، برخی اقتصاددانان و اندیشمندان سیاسی از تراژدی تفکیک حقوق و اقتصاد و نقش آن در تنزل کیفیت قوانین اقتصادی سخن می‌گویند که چگونه موجب اجرانشدن و خدشه به مشروعیت و اعتبار قانون می‌شود. بسیاری از تحلیلگران اقتصادی و سیاسی، برنامه هفتم را نیز مانند برنامه ششم، غیرواقعی و بلندپروازانه می‌دانند و نسبت به تحقق اهداف آن در شرایطی که کشور با چالش‌های اقتصادی-اجتماعی، سیاسی و ساختاری پُرشماری چون رشد بالای نقدینگی، ناترازی‌های بودجه و نظام بانکی و صندوق‌های بازنشستگی، اُفت شدید سرمایه‌گذاری، بحران مصرف روزافزون انرژی فسیلی و آلودگی‌های زیست‌محیطی، تهدید جمعیت، افزایش اشتغال ناپایدار و غیرمولد، کاهش امنیت غذایی و رفاه عمومی و امید به زندگی، تورم فزاینده، گسترش فقر و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، تحولات سریع نظم منطقه‌ای و جهانی و تحریم‌های بین‌المللی و... مواجه است، تردیدهای جدی دارند.

در ارزیابی مرکز پژوهش‌های مجلس آمده است هرچند احکام لایحه به صورت مسئله‌محور تدوین شده و کلیت آن حاکی از این است که در برخی حوزه‌ها، احکام برنامه گویای یک نگاه منسجم در شناسایی آسیب و نحوه برون‌رفت از آن است و با حل‌وفصل مسئله بانک‌های ناسالم، اصلاح ساختار بودجه، اصلاح رابطه مالی شرکت ملی نفت با دولت، مولدسازی دارایی‌های دولت، ارتقای نظام مالیاتی، اصلاح صندوق‌های بازنشستگی، مدیریت غیرسازه‌ای موضوع آب، اصلاح نظام اداری و ارزیابی عملکرد مدیران، می‌تواند منجر به ارتقای کشور شود اما فاقد جدول برآورد منابع قابل برنامه‌ریزی، اولویت‌بندی اهداف کمّی و نامعلوم‌بودن شیوه نظارت بر اجرای برنامه است، با شرایط و واقعیت‌های امروز اقتصاد ایران مطابقت ندارد، بخش قابل‌توجهی از اهداف کمّی آن واقع‌بینانه نیست و برخی اهداف آن با احکام ارتباطی ندارد. طبق گزارش این مرکز، تنها راه تحقق پیش‌بینی‌های برنامه هفتم توسعه، رسیدن به رشد اقتصادی بالا و پایدار است؛ بنابراین در صورت تداوم وضعیت رشد اقتصادی دهه ۱۳۹۰ در افق برنامه هفتم، حتی با اجرای سیاست‌های رفاهی مبتنی بر بازتوزیع منابع، وضعیت رفاهی خانوارهای طبقه متوسط بدتر خواهد شد و نرخ فقر روندی فزاینده‌تر خواهد داشت. درباره بازار ارز نیز با توجه به اینکه لنگر اسمی ارز، بخش قابل‌توجهی از انتظارات تورمی را پیرامون خود شکل می‌دهد، بدون بازنگری در روابط خارجی، بهبود ذخایر ارزی، افزایش رشد اقتصادی و جذب سرمایه‌های خارجی، مدیریت این بازار دشوار خواهد بود. در سال‌های اخیر، جذب سرمایه‌گذاری حتی کفاف استهلاک سرمایه را نداده است.

برنامه‌ریزی توسعه بخش صنعت در لایحه برنامه هفتم از جایگاه خاصی برخوردار است. تحقق اهدافی مانند تقویت ظرفیت‌های تولید، تسریع رشد اقتصادی، افزایش تنوع‌یابی و عمق‌بخشی به تولید و صادرات، بهبود اشتغال مولد، تقویت بنیه دفاعی و جلوگیری از آسیب‌های ناشی از بی‌کاری و اشتغال ناقص و... بدون توسعه صنعتی نا‌ممکن است. تجربه تاریخی کشورهای با رشد سریع اقتصادی و نرخ بالای رفاه نشان می‌دهد اغلب این کشورها در مرحله جهش اقتصادی، رشد سریع بخش صنعت را تجربه کرده‌اند. دستیابی بخش صنعت به نرخ بیش از ۳۰ درصد ارزش افزوده و اشتغال ملی در دوره جهش اقتصادی، واقعیت تاریخی اقتصادهای پیشرفته است. بخش صنعت در اقتصاد ایران، هیچ‌گاه سهم بیش از ۲۰ درصد نداشته و در طول دو برنامه توسعه گذشته، حدود ۱۳درصد بوده است. این بخش، اکنون و در آستانه شروع برنامه هفتم توسعه با چالش‌های گوناگونی مانند ضعف توان رقابتی بنگاه‌های صنعتی در نبرد با رقبای منطقه‌ای و ناتوانی در تشکیل پیوندهای درونی بین صنایع تولیدکننده محصولات نهایی با صنایع واسطه‌ای و سرمایه‌ای، انباشت شاغلان مازاد و کمبود نیروی کار ماهر در واحدهای بزرگ صنعتی، عدم تنوع محصولات صادراتی، کاهش مقیاس سرمایه‌گذاری‌های صنعتی، خارج‌شدن سازمان‌های توسعه‌ای از مدار توسعه، ضعف بنیه ساخت و ناتوانی در کسب مزیت‌های فناورانه و... مواجه است. بی‌تردید در چنین شرایط دشواری باید سهم صنعت از اقتصاد ایران (هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به‌بخش صنعت به‌ویژه صنایع ساخت)، رقابت‌پذیری تولیدات داخلی (افزایش توان رقابت محصولات داخلی در بازار داخل و افزایش توان نفوذ در بازارهای خارجی)، عمق ساخت داخل (افزایش پیوندهای درونی و ایجاد حلقه‌های مفقوده زنجیره ارزش) و اشتغال صنعتیِ مولد (توسعه فعالیت‌های صنعتی اشتغال‌زا با ارزش افزوده و بهره‌وری بالا) را افزایش داد. رشد اقتصادی هشت درصد بدون رشد و ارتقای بهره‌وری نا‌ممکن است. رشد بهره‌وری در دولت دوازدهم منفی ۰/۶ درصد و در دولت سیزدهم ۳/۶ درصد بوده است.

دستیابی به این اهداف در طول برنامه هفتم توسعه، مستلزم تنظیم مجموعه‌ای از سیاست‌ها و نهادسازی‌ها است. سیاست‌های کلان اقتصادی (ثبات اقتصاد کلان) و سیاست‌های صنعتی برنامه (خط‌مشی‌های تجاری، اعتباری، مالیاتی، فناوری و آموزشی) باید متناسب با این چارچوب‌ها اصلاح و بازنگری شود. به‌طور مثال، در سطح کلان، بهبود فضای کسب‌وکار و کاهش نوسانات و بی‌ثباتی‌های اقتصادی ازجمله عوامل مؤثر در رونق سرمایه‌گذاری و تولید است که با توجه به نوسانات شدید قیمت‌ها و نرخ ارز در طول برنامه ششم، باید مورد توجه جدی سیاست‌گذار باشد. در سطح بخش نیز اتخاذ سیاست‌های صنعتی فعال و هدایت منابع به‌سمت سرمایه‌گذاری‌های صنعتی از دیگر اقدام‌های مؤثری است که می‌توان اتخاذ کرد. کاهش سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه مالی موجب عدم توسعه ظرفیت‌های زیربنایی و تولیدی و رکود می‌شود. در این چارچوب، اتخاذ سیاست‌های اعتباری مناسب برای تسهیل تأمین مالی صنعتی، اعطای مشوق‌ها به فعالیت‌های ارزش‌افزا و وضع تعرفه بر خام‌فروشی و ...، بسیار حائز اهمیت است.

بر اساس آنچه در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه در حوزه صنعت» آمده، اگرچه توجه به «ساماندهی مجوزهای صنعتی با ملاحظه ظرفیت تولید»، «مقابله با خام‌فروشی»، «کاهش سوداگری زمین در محدوده شهرک‌های صنعتی» و «جلوگیری از توقف تولید در فرایند دادرسی قضائی» از مهم‌ترین نقاط قوت این لایحه شمرده شد اما با وجود تأکید سازمان برنامه و بودجه مبنی بر بهره‌گیری از اسناد فرادستی مانند سند تحول دولت مردمی و اسناد آمایش سرزمین ملی و استانی که دستیابی به اهداف توسعه به‌تفصیل در آن مشخص‌شده، با این ضعف‌ها مواجه است: ۱- فاقد بخش یا زیربخش مستقلی با عنوان صنعت و معدن است. ۲- دارای مدل و مبنای نظری مشخص و قابل استنادی برای تقویت تولید نیست و به استراتژی و نقشه راه توسعه صنعتی به‌عنوان مبنای مواجهه با مسائل تولید و صنعت بی‌اعتناست. ۳- به لحاظ سیاست صنعتی، به‌رغم تأکید بر صنایع استخراجی در بندهای مختلف ماده ۳، برای صنایع ساخت‌محور و راهبردی و سازمان‌های توسعه‌ای نقش چندانی قائل نیست. ۴- برای رفع کمبود منابع مالی بخش صنعت، راهکار خاصی ارائه نداده است. ۵- با اهداف صنعتی کشور ارتباط منسجم ندارد و از فشار تحریم و اثرات مخرب آن بر فرایند جذب سرمایه‌گذاری و چرخه تولید غافل است. به‌ویژه در شرایط کنونی که جذابیت سرمایه‌گذاری در کشور کاهش و روند فرار سرمایه افزایش یافته و تنگناهای دسترسی به ماشین‌آلات، نوسانات ارزی و فضای نامناسب کسب‌وکار، نااطمینانی زیادی در سرمایه‌گذاری ایجاد کرده است. ۶- در ماده ۵، مسئله رشد تولید از طریق خصوصی‌سازی و واگذاری وظایف و اموال بخش عمومی مورد تأکید قرار گرفته است. بنگاه‌های صنعتی کشور، فارغ از نوع مالکیت دچار مشکل هستند و تجربه نشان‌داده تغییر مالکیت، تحولی در عملکرد آنها نداشت. ۷- در ماده ۶ بر کسب‌وکارهای خُرد خانگی و کارگاه‌های کوچک تأکید شده، این در حالی است که امروزه بسیاری از کشورها به‌دنبال احیا و ارتقای صنایع کارخانه‌ای بزرگ‌مقیاس برای ایجاد مشاغل پایدار هستند. ۸- گرایش بیش از حد به صنایع استخراجی و معدنی منبع‌محور، موجب غفلت از صنایع کارخانه‌ای و تولیدی که ظرفیت اشتغال‌زایی بالا دارند، می‌شود. ۹- بدون ثبات اقتصادی و فضای کسب‌وکار مناسب، کاهش ریسک‌های سیاسی و اجتماعی، برقراری روابط خارجی مناسب با اقتصادهای پیشرفته و حل‌وفصل مسائلی مانند تحریم و FATF، چگونه می‌توان مواد ۴۷ و ۴۸ قانون برنامه هفتم برای امکان استفاده از فناوری‌های نسل ۴ صنعت، مانند قطارهای سریع‌السیر برقی، تأسیس شهر دیجیتال، افزایش تولید خودروهای برقی، توسعه سواحل مَکران، ایجاد کمربند اقتصادی-صنعتی با اولویت زنجیره‌های ارزش بین‌المللی مواد پایه و خام و جذب سرمایه خارجی برای توسعه خوشه‌های کسب‌وکار را محقق کرد؟

Pishkhan.com

سند مالکیت (برگ سبز) شناسنامه خودرو و سند کمپانی ایران
خودرو خودروی سواری هاچ بک سیستم پژو تیپ 206TU5
مدل ۱۳۹۷ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک
۹۴۳ ط ۸۶ ایران ۳۴ به شماره شاسی
NAAP13FE4JJ680151 به شماره موتور
174B0041803 سیلندر ۴ مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

«آگهی فقدان اسناد و مدارک خودرو»
سند کمپانی خودرو پژو ۴۰۵ رنگ نقره ای متالیک به
شماره پلاک ۳۷۲ ی ۶۴ ایران ۱۱ به شماره موتور
۱۲۴۸۵۱۵۴۷۷۲ و شماره شاسی ۲۴۲۴۲۹۳۵ مفقود
گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
آگهی نوبتی سه ماهه دوم سال ۱۴۰۲ حوزه ثبتی شهرستان آمل
براساس مواد ۱۱ (اصلاحی ۱۳۱۷/۰۷/۱۰) و ۱۲ (اصلاحی ۱۳۲۲/۳/۱۰) قانون ثبت و ماده ۵۹ آئین نامه اجرائی قانون مذکور املاکی که در سه ماهه دوم پذیرش درخواست ثبت شده و همچنین املاکی که به موجب تبصره یک ماده ۲۵ قانون ثبت و مطابق رای هیأت نظارت نیاز به تجدید آگهی دارد و املاکی که طبق ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و آئین نامه مربوطه در هیأت حل اختلاف منجر به صدور رای میگردد به شرح ذیل آگهی می گردد.
املاک واقع در بخش ۹ دهستان لیتکوه
۴۴- اصلی قریه دورانسر و بربرخیل
۱۷۳۸۰ فرعی آقای عباسعلی همدانیان فرزند احمد در ششدانگ یک قطعه زمین با ساختمان احداثی با کاربری مسکونی به مساحت ۹۹/۶ متر مربع.
لذا اشخاصی که نسبت به رقبات درخواست ثبت شده مندرج در این آگهی اعتراضی داشته باشند می توانند به استناد ماده ۱۶ قانون ثبت از تاریخ اولین انتشار ظرف مدت ۹۰ روز درخواست واخواهی خود را به دبیرخانه این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند و هرگاه بین تقاضا کننده و دیگری قبل از انتشار این آگهی دعوی در مراجع قضائی اقامه شده باشد معترض باید گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید این آگهی در دو نوبت به فاصله ۳۰ روز منتشر خواهد شد آگهی تجدید حدود املاک مذکور مطابق ماده ۱۴ قانون ثبت طی آگهی دیگری به عمل خواهد آمد. مدت اعتراض به آگهی نوبتی تجدیدی از تاریخ انتشار نوبت اول به مدت ۳۰ روز می باشد همچنین املاکی که در اجرای ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی گردید تحدید حدود آن همزمان انجام می شود.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱
شناسه اگهی: ۱۵۸۲۳۱۸
حسن صالحی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آمل ۴۷۲۱

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی نوبت دوم انجمن علمی بهداشت محیط ایران
به شماره ثبت ۱۲۲۲۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۷۵۰۱۲
احتراما به استحضار می رساند با توجه به اینکه مجمع عمومی عادی نوبت اول انجمن در روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۸/۲۸ به علت به حد نصاب نرسیدن حاضرین جلسه رسمیت پیدا نکرد. بدین وسیله از کلیه اعضای محترم پیوسته انجمن دعوت بعمل می آید تا در مجمع عمومی عادی نوبت دوم که در روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۲/۹/۲۸ از ساعت ۸ الی ۹:۳۰ به آدرس: تهران، خیابان قدس، خیابان پورسینا، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران، ساختمان سبز، طبقه اول، سالن اجتماعات بر گزار می گردد شر کت فرمایید. دستور جلسه: ۱- استماع و اتخاذ تصمیم در خصوص گزارش عملکرد هیئت مدیره و ترازنامه مالی مربوط به مهر ۱۳۹۷ لغایت آبان ماه ۱۴۰۲ ۲- استماع و اتخاذ تصمیم در خصوص گزارش بازرس مربوط به مهر ۱۳۹۷ لغایت آبان ماه ۱۴۰۲ ۳- تغییر میزان حق عضویت سالیانه ۴- سایر موارد که در صلاحیت مجمع عمومی عادی‌است.
هیئت مدیره انجمن علمی بهداشت محیط ایران

برگ سبز و کارت خودرو پژو 405GLX-XU7 رنگ نقره‌ای
متالیک مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ایران ۶۸ - ۷۳۹ ج ۱۷
و شماره موتور ۱۲۴۸۸۰۳۴۷۹۱ و شماره شاسی
NAAM01CAX9K944075 به نام غلامعلی
نژادباده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت دانشجویی اینجانب حامد خسروی
به شماره دانشجویی ۹۶۴۱۱۴۱۵
از دانشگاه علم صنعت مفقود گردیده
و از درجه اعتبار فاقد می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب بی تا شقاقی فرزند حسن به شماره
شناسنامه ۰۰۱۱۱۷۴۴۵۵ صادره از تهران در مقطع کارشناسی پیوسته رشته
علوم آزمایشگاهی صادره از واحد دانشگاهی علوم پزشکی تهران با شماره
۱۵۹۰۱۳۶۰۰۸۱۱ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده
تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران پزشکی
به نشانی تهران، خیابان شریعتی، دوراهی قلهک، خیابان امیرپابرجا، بلوار
آیینه نبش خیابان گل یخ ساختمان ستادی علوم پزشکی کد پستی
۱۹۴۹۶۳۵۸۸۱ ارسال نماید.

بوروکراسی اداری و افغانستانی‌ها

مبینا زندیه* . مائده بنی‌عامریان**

بوروکراسی اداری شیوه مدرن سازمان‌دهی فعالیت‌ها و ارائه خدمات به جامعه است که بر پایه قوانینی غیرشخصی و تقسیم کار عقلانی و منطقی سازمان‌دهی شده است؛ اما زمانی بوروکراسی می‌تواند در ارائه خدمات موفق عمل کند که شفاف و پاسخ‌گو باشد و همچنین بین سازمان‌های مختلف اداری پیوند و ارتباط نزدیکی دیده شود.

با توجه به ضعف‌هایی که می‌شود در بوروکراسی مشاهده کرد، می‌توان به ویژگی انعطاف‌ناپذیر بودن این ساختار اشاره کرد که امروزه در کشور ما به دلایل مختلفی بیشتر به چشم می‌خورد؛ مثل: بومی‌سازی‌نکردن نظریه یادشده، فقدان یکپارچگی و اولویت‌بندی در میان عناصر گوناگون بوروکراسی.

ممکن است سیستم‌های بوروکراتیک نیازهای درون خودشان را در مقایسه با نیازهای کسانی که به آنها مراجعه می‌کنند و در قبال‌شان موظف به ارائه خدماتی هستند، در اولویت قرار دهند که همین امر منجر به عدم پاسخ‌گویی و عدم انعطاف‌پذیری لازم می‌شود. این در حالی است که اگر ساختار سلسله‌مراتبی و تقسیم کار به صورت اصولی اجرائی شود و سعی شود نقاط قوت این نظریه را به کار بست، می‌توان کارایی و مسئولیت‌پذیری را در سازمان‌ها ارتقا داد.

به‌تازگی ارائه خدمات به افغانستانی‌های مقیم ایران در قالب بوروکراسی اداری به نام دفاتر کفالت شکل گرفته است. همان‌طورکه مشخص است، مهم‌ترین وجه بوروکراسی اداری، خدمتگزاری و رسیدگی به خواسته‌های گروه هدف خود است که لازمه آن، ارتباط‌گرفتن خدمتگزاران و کارکنان به صورت مؤثر و همدلانه با مراجعان است. پس داشتن مهارت‌ها و توانایی‌هایی برای کارمندان در این زمینه ضروری است؛ مثل داشتن خودآگاهی، ارتباط متقابل، توانایی همدلی و خوب گوش‌دادن، انعطاف‌پذیری و سازگارشدن و احترام به شأن و مقام انسانی مراجع و... .

لازم به ذکر است که تعداد ورود غیرقانونی اتباع افغانستانی به ایران به‌ویژه در سال‌های اخیر رو به افزایش است که از عمده دلایل آن می‌توان به نداشتن اقدامات پیشگیرانه اثربخش و نبود سازمان‌دهی کارآمد آنها، از سوی دولت اشاره کرد که مجال پرداختن به این موضوع در این مجمل نمی‌گنجد.

حال برای جلوگیری از زیان‌های بلندمدت این واقعه نباید از اهمیت تحصیل و آموزش مدارس ایران به کودکان افغان غافل شد. آشکار است که شکل‌پذیری افراد در سنین کودکی، دارای اهمیت بسیاری است؛ به‌همین‌دلیل باید تربیت و جهت‌دهی شخصیت آنها را در مدارس پی‌ریزی کرد، نه در خانواده‌هایی که اغلب دچار تعصبات‌اند و باعث رشد کودک در زمینه فرهنگی فقیری می‌شوند که به دنبال آن سرکوب استعداد و علایق، افزایش احساس سرخوردگی، نداشتن مهارت‌های ارتباطی و... را برای فرد به دنبال دارد و از دیدگاه کلان هم می‌توان به افزایش میزان فقر، انحرافات و آسیب‌های اجتماعی در جامعه اشاره کرد. پس لازم است سازوکاری برای تسهیل فرایند ثبت‌نام در مدارس و جذب آنها در روند آموزش در نظر گرفته شود تا از بروز تبعات مخرب آن، در آینده پیشگیری شود.

همان‌طورکه گفته شد، دفاتر کفالت یکی از سازمان‌های بوروکراتیزه‌شده هستند که امروزه به دلیل تجمع اتباع افغانستانی در کشور به یکی از مهم‌ترین مراکز رابط بین دستگاه حکومتی و پناهندگان تبدیل شده است که عمده وظایف این دفاتر خدماتی، رسیدگی به موارد تحصیلی، شغلی، ازدواج، تردد و اسکان مهاجران است و در شرایطی این‌چنینی که با بحران سازمان‌دهی نکردن اتباع مواجه هستیم، این دفاتر می‌توانند به کاهش این معضل کمک شایانی کنند. پیش‌بینی می‌شود که در نیمه اول سال تراکم مراجعه به این دفاتر، برای دریافت کد یکتا برای ثبت‌نام در مدارس افزایش پیدا می‌کند که به تبع آن حجم کار کارمندان این بخش بیشتر از قبل خواهد شد. به طور مثال به دلیل تفاوت‌های موجود زبانی و گویشی بین ما ایرانیان و افغانستانی‌ها، خدمتگزاران مربوطه مجبور به توضیح یک مسئله واحد، به دفعات متعددی می‌شوند که همین امر علتی بر تندخویی و راندن اتباع با الفاظ و رفتار ناپسند و زننده از آن دفاتر خواهد شد.

بهتر است که در کنار انجام وظایف، همدلی و نوع‌دوستی را نیز امری ضروری برای خود بدانیم و سعی کنیم از دریچه چشم آنها به دنیا بنگریم و همچنین باید به حقوق اولیه آنها به‌عنوان انسان احترام بگذاریم؛ حال چه‌بسا با انسان‌هایی جنگ‌زده سروکار داریم که از شرایطی سخت مانند فقر و حاکمیتی مستبد و متعصب به شیوه‌ای خطرناک و زجرآور عبور کرده و به کشور ما پناه آورده‌اند.

اگر بخواهیم از تجارب زیسته خود از طریق مشاهدات انجام‌شده در دو دفتر کفالت شعبه میدان امام حسین و شعبه میدان خراسان تهران و مصاحبه با پنج نفر از مادرانی که درگیر ثبت‌نام کودکان‌شان در مدارس بوده‌اند و به دیگر شعبات دفاتر کفالت نیز مراجعه کرده بودند، مطالبی را ذکر کنیم، می‌توانیم به نبود برخورد مناسب با مراجعان و اغلب اهانت به آنها (به‌ویژه در دفتر شعبه میدان خراسان)، شلوغی بیش از حد و وجود صف‌های طویل ساماندهی‌نشده اشاره کنیم.

همچنین جای بحث دارد، برگه‌ای که اتباع از سایت دولتی برای ثبت‌نام در مدارس تهیه می‌کنند، برای کارمندان این دفاتر فاقد ارزش است!

فارغ از تمام این قضایا و پیش‌نرفتن کارهای آنان در دفاتر کفالت، مورد توهین قرارگرفتن اتباع پسندیده نیست؛ همچنین طبق مشاهدات خود، بسیاری از مادران با چشم‌هایی گریان، سرخورده از تحقیری که متحمل شده بودند، دفتر را ترک می‌کردند؛ درصورتی‌که باید به این نکته توجه داشته باشیم که ناهماهنگی بین ساختارها و نواقص موجود در بوروکراسی ادارات، تقصیر آنان نیست و به‌راستی مستحق این رفتار نیستند؛ بلکه آنها صرفا طبق دستور کاری که از طرف دولت ما برای آنها تعریف شده است، عمل کرده‌اند.

در اینجا از مسئولان انتظار می‌رود که به شناختن گروه هدف و شناسایی نوع مدیریت و برخورد مناسب با آنها بپردازند و یک‌سری دستورالعمل برای کارمندانی که با آنها در تعامل هستند، مدنظر قرار دهند؛ به‌طوری‌که کارکنان با شرایط مراجعان آسیب‌دیده خود آشنا باشند و افغان‌هایی که از شرایط خشونت‌دیده‌ای گریخته‌اند، دوباره به طرق مختلفی متحمل آن نشوند. در کنار تمام این قضایا و اهمیت حفظ کرامت انسانی آنها، این امر موجب بازتولید خشونت در جامعه می‌شود؛ به‌این‌صورت که این افراد با خشم فروخورده‌ای از مسئولان دفتر، آنجا را ترک می‌کنند و آن خشم در جامعه بر روی ایرانیانی که صاحب قدرت نیستند، تخلیه می‌شود.

با توجه به مباحث گفته‌شده و اهمیت بالای ارتباط‌گیری صحیح کارمندان با مراجعان و لزوم احترام‌گذاشتن به آنها، به نظر می‌رسد یک‌سری از دوره‌های آموزشی برای تقویت مهارت‌های ارتباطی مثمرثمر باشد. یک رویکرد برای کاهش تأثیر منفی بوروکراسی، مشارکت‌دادن شهروندان و ذی‌نفعان حقیقی در طراحی و اجرای سیستم‌های بوروکراتیک است؛ با توجه به این مورد می‌توان پیشنهاد استفاده از افراد بومی را که از افراد داوطلب هم می‌توانند باشند و به گویش‌های افغانستانی مسلط هستند، داد؛ زیرا آنها بسیار راحت‌تر قادرند موضوعی را برای هم‌زبانان خود توضیح دهند و تسهیلگر روابط طرفین باشند که این کار تأثیر زیادی بر اعتمادسازی، ارتقای کیفیت خدمات و صرفه‌جویی در زمان خواهد داشت.

* مددکار اجتماعی
** مددکار اجتماعی

تحلیل و بررسی حکومت طالبان و رابطه با ایران و استفاده از گروه‌های تکفیری و اهرم آب علیه همسایگان برای رسیدن به خواسته‌هایشان

توافق دوحه و حکومت دوم طالبان

احسان الهی‌مقدم
کارشناس پژوهشکده کشاورزی، پژوهشگاه زابل

درحال‌حاضر دو سال از حکومت طالبان می‌گذرد و زوایای پنهان بیشتری از این معامله دولت آمریکا با میانجیگری قطر و پاکستان با طالبان و تحویل حکومت به پشتون‌ها آشکار شده است. و افرادی مثل حامد کرزای و اشرف غنی و زلمی خلیل‌زاد و عباس استانکزای که هر چهار نفر پشتون‌تبار هستند، چه نقش‌هایی در این توافق ایفا کرده‌اند.

در مصاحبه جدید عباس استانکزای، معاون امیرخان متقی، وزیر خارجه طالبان، معلوم شده است که شروع گفت‌وگوی آمریکا با طالبان از سال ۲۰۰۷ بوده است. حامد کرزای در ادامه روند صلح در سال ۲۰۱۸ در آزادسازی ملاغنی برادر از زندان پاکستان برای رفتن به قطر نقش داشته است (حامد کرزی و ملاغنی برادر هر دو از قوم پوپلزی یکی از اقوام پشتون هستند). حامد کرزی درحال‌حاضر اجازه دیدار بدون مجوز با خبرنگاران و هیئت‌های دولت‌های دیگر یا خروج از افغانستان را ندارد و رسما اعلام شده نماینده حکومت طالبان نیست.

اشرف غنی از پشتون‌های شرق افغانستان است که محل فعالیت شبکه حقانی است، برای بار سوم با وجود تأیید حکم اعدام انس حقانی از اختیارات رئیس‌جمهوری استفاده کرده و حکم او را به حبس تبدیل کرده است. به درخواست طالبان پنج هزار زندانی طالب را که برخی در عملیات انتحاری نقش داشتند، آزاد کرد. ژنرال عبدالرازق اچکزی، از مخالفان اصلی طالبان در قندهار که در میان نظامیان افغان معروف به جنرال طالب‌کُش بود و معتقد به اینکه طالبان پنجابی هستند و نباید به کسی که گلوله به طرفت شلیک می‌کند، گل هدیه داد (مخاطبش اشرف غنی بود) در قندهار ترور می‌شود. در ماه‌های آخر دولت خود تمام فرماندهان پشتون را در پست‌های مهم در افغانستان قرار داد تا مقاومتی در برابر طالبان نباشد؛ ولی بزرگ‌ترین بازنده این بازی بود؛ چون دیر فهمیده بود که زلمی خلیل‌زاد درخواست طالبان به‌عنوان حضورنداشتن و ایفای نقش دولت افغانستان در حکومت آینده را قبول کرده بود. اشرف غنی سعی کرده در آخرین ساعت حضور در ارگ ریاست‌جمهوری در تماس با شبکه حقانی محل کامپیوترها و اطلاعات مهم امنیتی را در اختیار آنها قرار دهد تا به دست طالبان قندهاری نیفتد (حسن عباس، کتاب بازگشت طالبان).

زلمی خلیل‌زاد شاید بتوان گفت بیشترین نقش را در این خیانت بزرگ به مردم افغانستان و حتی سربازان کشته‌شده آمریکایی در جنگ با طالبان داشته است.

زلمی خلیل‌زاد هم‌دانشگاهی اشرف غنی در دانشگاه بیروت بوده که بعدا تحصیلات خود را در آمریکا ادامه می‌دهد و در آنجا می‌ماند. خلیل‌زاد اولین بار در دولت رونالد ریگان به‌عنوان یکی از مسئولان ارشد وزارت امور خارجه درباره جنگ شوروی و افغانستان مشاور بوده و بعد به‌عنوان مشاور بوش در سقوط صدام فعالیت داشته و با مخالفان کُرد صدام در شمال عراق دیدار کرده است. سفیر آمریکا در افغانستان پس از سقوط طالبان و سفیر آمریکا در عراق بعد از سقوط صدام و نماینده آمریکا در سازمان ملل و آخرین پست رسمی او نماینده ویژه آمریکا در روند صلح افغانستان در توافق دوحه بوده است.

به نظر می‌رسد که جمله ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، به زلمی خلیل‌زاد درباره اینکه «من را از آنجا (افغانستان) خارج کن» دست آقای زلمی خلیل‌زاد را برای مدل این خروج به سبک خودش باز کرده است. آمریکایی‌ها می‌خواستند بدون اینکه به نیروهای‌شان حمله شود، از افغانستان خارج شوند و تضمین طالبان مبنی بر اینکه با گروه‌های تروریستی مثل القاعده همکاری نکنند. یقینا زلمی خلیل‌زاد به واسطه تجربه‌اش با آگاهی از مواردی مثل نقش و نفوذ پاکستان در افغانستان و اینکه آمریکایی‌ها از چه چیزهایی استقبال می‌کنند، می‌دانسته که مواردی مثل نفوذ ایران در افغانستان نیز برای آمریکایی‌ها مهم است. و طبیعتا توصیه‌های خود را به طالبان و مذاکره‌کنندگان آنها کرده است. همچنین مصاحبه جدید پمپئو، وزیر خارجه وقت آمریکا، نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها از لج‌بازی‌ها و فساد دولت اشرف غنی خسته شده بودند.

شاید این یکی از دلایل مهمی باشد که زلمی خلیل‌زاد خواسته طالبان مبنی بر حضورنداشتن دولت اشرف غنی در حکومت آینده طالبان را قبول کرده است.

در عراق آنچه اتفاق افتاد، حمله آمریکا و در نهایت سقوط صدام و اعدام او بود؛ ولی در افغانستان به لطف آقای خلیل‌زاد حکومت دوباره کامل تحویل طالبان شد. زلمی خلیل‌زاد و قطر و پاکستان به همراه طالبان توانستند طوری نشان دهند که طالبان عوض شده‌اند و دیگر اثری از تعصب، خودخواهی، برتری‌طلبی و قتل و تجاوز نیست و حقوق زنان رعایت می‌شود؛ همچنین در حکومت آینده خبری از گروه‌های تروریستی خطرناک برای آمریکا وجود ندارد و خواسته‌ها و منافع آمریکا تضمین می‌شود.

زلمی خلیل‌زاد و کاظمی‌قمی

این دو نفر هر دو بعد سقوط صدام به‌عنوان سفیر در عراق بوده‌اند. آقای زلمی خلیل‌زاد (۲۰۰۵-۲۰۰۷) به‌عنوان یک پشتون (افغان -آمریکایی) به‌عنوان سفیر آمریکا و آقای کاظمی‌قمی (۲۰۰۶-۲۰۱۰) به‌عنوان سفیر ایران کار خود را شروع کرده‌اند. هر دو در عراق کاملا با هم آشنایی داشتند. زلمی خلیل‌زاد در عراق به گفته خود آمریکایی‌ها روزی نبود که اخباری درباره فعالیت ایران بعد سقوط صدام نشنود و مثل دیگر دولتمردان آمریکایی این را تصور نمی‌کرد که همه چیز در عراق از طریق ایران ممکن است از کنترل آنها خارج شود. زلمی خلیل‌زاد وقتی دوران کاری‌اش در عراق تمام شده بود، از میزان قدرت ایران در عراق و کارهای آقای قمی و نقش سردار سلیمانی به‌عنوان تصمیم‌گیرنده نهایی در عراق آگاه شده بود. زلمی خلیل‌زاد در افغانستان (۲۰۰۴-۲۰۰۵) نیز سفیر آمریکا بوده است و وقتی در سال ۲۰۱۸ دوباره به‌عنوان نماینده ویژه آمریکا برای صلح افغانستان معرفی شد. تقریبا به طور کامل به قدرت سپاه قدس ایران در عراق و افغانستان و توانایی‌های سردار سلیمانی به‌عنوان یک فرمانده نظامی که توانایی پیش‌بینی آینده از تصمیمات آمریکا در منطقه و توانایی برگرداندن صحنه نبرد را دارد، آگاه بود. سردار سلیمانی با احمدشاه مسعود در جنگ با طالبان در دوره اول حکومت طالبان از طرف دولت ایران کمک کرده بود. همچنین طبق گفته مالکی، سفیر اسبق ایران در افغانستان، در جلسه‌ای که با مارشال فهیم داشتند، سردار سلیمانی هم روی حقابه به‌عنوان خط قرمز بحث و تأکید کرده که سد کمال خان ساخته نشود (همشهری آنلاین، زندگی زلمی خلیل‌زاد).

به نظر می‌رسد زلمی خلیل‌زاد از همه تجربیات خود در تحویل حکومت افغانستان به طالبان استفاده کرد و طبیعتا می‌دانست که فردی مثل سردار سلیمانی با طالبان وارد گفت‌وگو می‌شود؛ ولی خطوط قرمزی دارد که ممکن است مانع این شوند که طالبان همه خواسته‌های آمریکا و همچنین امیال خود را در افغانستان اجرا کنند و به ایران زیان وارد کنند؛ اما سردار سلیمانی قبل از تحویل حکومت به طالبان در عراق از سوی دولت آمریکا ترور شده بود.

آقای کاظمی‌قمی به‌عنوان نماینده ویژه رئیس‌جمهور و در افغانستان کار خود را با حکومت طالبان شروع کرده، تبادل تجاری با افغانستان از قبل انجام می‌گرفته است؛ اما آقای قمی در این مدت همکاری‌های زیادی با طالبان داشته است؛ از درخواست سوخت از رئیس‌جمهوری برای زمستان در کشور افغانستان تا افتتاح بیمارستان و مسائل مربوط به راه‌آهن و گفت‌وگو با سازمان‌های بین‌المللی برای کمک به افغانستان، گفت‌وگو برای تشکیل حکومت همه‌شمول، کمک به زلزله‌زدگان افغانستان و... را شامل شده است؛ اما جواب طالبان بیشتر براساس منافع این گروه و ضربه‌زدن و دردسر درست‌کردن برای ایران بوده است.

در دو سال حکومت طالبان در دوره سفیربودن آقای کاظمی‌قمی:

۱. زبان ادبیات فارسی، جشن نوروز، تدریس مکتب جعفری ممنوع شده است.

۲. دفاتر هلال‌احمر و کمیته امداد بسته شده‌اند.

۳. در مراسم عاشورا در غزنی چند نفر کشته شده‌اند.

۴. نظامی‌های افغان که از ایران به افغانستان برگشته‌اند، به طریقی از سوی استخبارات طالبان کشته یا دستگیر شده‌اند (لعل محمدغریب، یما خالدی، حاجی پاینده).

۵. درگیری‌های مرزی با طالبان و فعالیت تروریستی داعش در ایران اتفاق افتاده است.

۶. اجازه ملاقات با حامد کرزای به هیئت ایرانی داده نشده است؛ ولی یک هفته بعد هیئت پاکستانی می‌تواند با او دیدار کند.

۷. خبرنگار خبرگزاری تسنیم بازداشت می‌شود و در نهایت با دخالت مقامات بلندپایه آزاد می‌شود.

۸. هجوم میلیون‌ها مهاجر افغان به نگرانی امنیتی و اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است.

۹. حقابه ایران داده نشده است و درنتیجه مردم مهاجرت کرده‌اند و خیلی از کارمندان تقاضای انتقال از سیستان را دارند.

۱۰. سخنان رئیس‌جمهور درباره حقابه با واکنش به حمله انتحاری پاسخ داده می‌شود و ملاغنی برادر چند روز بعد کانال‌های انحرافی بند بخش آباد مربوط به فراه‌رود را افتتاح می‌کند.

۱۱. اجازه بازدید هیئت ایرانی از سد کجکی داده نمی‌شود و بهانه کمبود آب و گل‌ولای سد کجکی مطرح می‌شود (این در حالی است که به گزارش آریانیوز کشت گندم ۳۰ درصد در قندهار افزایش داشته است).

منابع: خبرگزاری شفقنا، پامیرنیوز، کابل اینترنشنال

۲ سال پس از حکومت طالبان

اولین ساعات سقوط و تصرف کابل توسط طالبان با فرار و رفتن به فرودگاه کابل شروع شد و صحنه‌هایی به وجود آورد که در تاریخ ثبت شد. الگوی حکومت اسلامی طالبان مشخص بود. هر خانواده افغانی شبیه یک خانواده طالب باشد.

عکس: AP

آنچه طالبان در این دوسال انجام دادند:

-اولین مشخصه وجود حکومت طالبان گروه امر به معروف و نهی از منکر آنها بود.

-زن‌ها اجازه فعالیت بیرون خانه و رفتن سر کار را ندارند.

-بستن آرایشگاه‌های زنانه و بی‌کارشدن زنانی که نان‌آور خانواده بودند. بیش از ۶۰ هزار زن شغل خود را از دست داده‌اند.

-راننده تاکسی اجازه جابه‌جایی زن را بدون محارم ندارد.

-ممنوعیت فعالیت احزاب سیاسی که اعتراض گلبدین حکمتیار را به دنبال داشت.

-جابه‌جایی پشتون‌های خط دیورند به شمال افغانستان.

-حذف ادبیات فارسی از افغانستان و همه باید پشتون صحبت کنند.

-حذف رسمی مذهب شیعه از دانشگاه‌های افغانستان.

-حذف علمای شیعه از شورای علما.

-سنی‌کردن افراد فرقه اسماعیلیه در بدخشان افغانستان.

-شبکه خبری مرصاد طالبان اعلام داشته گوشت حیوان کشته‌شده توسط شیعه حلال نیست.

-آتش‌زدن خانه‌ها و بریدن درختان میوه شیعیان به‌خصوص در ارزگان.

-جهت استخدام در ادارات فرد فرصت دارد طی شش ماه بتواند پشتون صحبت کند

-مرکز اصلی هدایت و رهبری در قندهار قرار گرفت و دفتر سخنگوی طالبان نیز در قندهار مستقر شد.

-دستگیری و شکنجه مردم شمال افغانستان به‌خصوص پنجشیر و اندراب و... .

-افزایش کشف و تولید متامفتامین در افغانستان که ماده اصلی آن را از گیاه افدرا در افغانستان می‌گیرند.

-کشتن و حذف فرماندهان نظامی باقی‌مانده از دولت قبل به‌وسیله استخبارات طالبان که به‌وسیله عبدللحق وثیق (زندانی سابق گوانتانامو) اداره می‌شود.

-روش کشتن فرماندهان جبهه مقاومت مثل قمرالدین اندرابی از طریق طالبانی نفوذی که اظهار جدایی از طالبان می‌کنند و درنهایت بعد از چندین ماه فرمانده موردنظر را ترور می‌کنند.

-به گزارش سازمان‌های بین‌المللی بیش از ۲۰ گروه تروریستی در افغانستان فعالیت دارند.

-دستور ملاغنی برادر در توزیع زمین در آینده در اطراف بند کمال خان و کانال قوش‌تپه.

-افراد مخالف طالبان کوچ داده می‌شوند.

-دختران به زور به عقد مردان طالب درمی‌آیند و آمار خودکشی زنان بالا رفته است.

-به گفته سخنگوی طالبان در این دوسال بیش از ۵۰ درگیری مرزی با همسایگان اتفاق افتاده است.

-درگیری مرزی گروه انصارالله با مأموران مرزی تاجیکستان، درگیری مرزی گروه حرکت اسلامی ازبکستان با مأموران مرزی ازبکستان، درگیری مرزی گروه طالبان و جیش العدل در مرز ایران، درگیری مرزی طالبان و گروه تحریک طالبان پاکستان با نیروهای مرزی پاکستان.

-نداشتن افراد متخصص در امور اداری که خود سران طالبان هم به آن اعتراف کرده‌اند که طالبان به درد کار اداری نمی‌خورند

-گذاشتن افراد غیرمتخصص در پست‌های مدیریتی از جمله رئیس تلویزیون هرات که خودش در خانه تلویزیون ندارد

منابع: خبرگزاری دویچه‌وله آلمان، آریانیوز، طلوع‌نیوز، پامیرنیوز، شفقنا (خبرگزاری شیعیان افغانستان)، باخترنیوز

اختلافات طالبان

در اوایل تصرف کابل خبر دعوا و درگیری در جلسه طالبان در ارگ ریاست‌جمهوری گزارش شد؛ آنجا سعی شد جزئیات این موضوع پنهان شود ولی گذر زمان این اختلاف را بهتر آشکار کرد.

طالبان پشتون‌تبار به دو گروه تقسیم می‌شوند:

-طالبان جنوب یا درانی‌ها که شامل ولایت‌های قندهار، هلمند، ارزگان، فرا، هرات است.

-طالبان شرق یا غلزایی‌ها که شامل ولایت‌های زابل، خوست، ننگرهار، لوگر است.

از جمله چهره‌های برجسته طالبان درانی می‌توان حامد کرزی، ملاغنی برادر، ملاهیبت‌الله، ملا اختر منصور (کشته‌شده) را نام برد.

چهره‌های برجسته طالبان غلزایی می‌توان به ملا محمد عمر (رهبر اول طالبان)، جلال‌الدین حقانی مؤسس شبکه حقانی، سراج‌الدین حقانی پسرجلال‌الدین (وزیر داخله)، ملایعقوب مجاهد پسر ملا محمد عمر (وزیر دفاع)، مولوی عبدالحق وثیق (استخبارات، شبکه حقانی)، عبدالطیف منصور (وزیر انرژی و آب، شبکه حقانی) اشاره کرد.

ملاهیبت‌الله که امیرالمؤمنین فعلی طالبان است، بیشتر به خاطر جلوگیری از اختلاف میان طالبان انتخاب شده است و برخلاف ملا محمد عمر و ملا اختر منصور نقش مهمی در فعالیت‌های نظامی نداشته و بیشتر به شیخ حدیث و قاضی‌القضات طالبان معروف بوده است و از این لحاظ در میان طالبان که همیشه به دنبال جنگ بوده‌اند، مورد انتقاد فرماندهان نظامی طالبان بوده است ولی ملاهیبت‌الله با فرستادن پسر خود حافظ عبدالرحمان به عنوان عامل انتحاری و شرکت در عملیات استشهادی کاری که هیچ‌یک از افرادی قبلی انجام نداده بود، محبوبیت خود را در میان طالبان بالا برده است.

ملایعقوب مجاهد (وزیر دفاع) و سراج‌الدین حقانی (وزیر امور داخله) در سخنرانی‌های خود از انتقادپذیرنبودن رهبر این گروه، ملاهیبت‌الله، ابراز ناراحتی کرده‌اند و ملاغنی برادر ابراز نگرانی کرده که ممکن است ملاهیبت‌الله آنها را به دهه ۹۰ برگرداند.

درباره بازگشایی مدارس دخترانه، شبکه حقانی در برخی ولایات تحت کنترل خود در فکر بازکردن مدارس بوده‌اند ولی نماینده هیبت‌الله به آنها گفته است می‌توانید مدارس را باز کنید ولی قبلش باید با هم بجنگیم.

به گفته حسن عباس سراج‌الدین حقانی ۱۶ ساعت در قندهار بوده و بدون ملاقات با ملاهیبت‌الله از قندهار رفته است.

براساس گزارشات موجود تمام عواید و مالیات گمرگات افغانستان به حساب دفتر ملاهیبت‌الله در قندهار واریز می‌شود و این باعث شده است تا ملاهیبت‌الله ۲۰ تا ۵۰۰ هزار افغانی حقوق ولسوال‌ها و رئیس‌ها را افزایش دهد و محبوبیت خود را بیشتر کند.

قطعات بدری ۳۱۳ طالبان، کندک‌های انتحاری منصوری، صدها تروریست خارجی چندملیتی با شبکه حقانی در ارتباط نزدیک هستند. همچنین ایمن الظواهری در کابل توسط آمریکایی‌ها در خانه متعلق به سراج‌الدین حقانی کشته شد (گزارش عبدالناصر نورزاد).

منابع: دویچه‌وله، کابل اینترنشنال، کتاب بازگشت طالبان حسن عباس، عبدالحی مطمئن

تحلیل و بررسی نهایی

پس از سقوط دولت اشرف غنی و روی‌کارآمدن طالبان در افغانستان، در ایران ما تحلیل سیاسی درست از رفتار و صحبت‌های طالبان نداشتیم که بتوان پیش‌بینی کرد که سیاست طالبان در مقابل ایران به کدام طرف خواهد رفت و خطوط قرمزی تعیین کنیم که وقتی طالبان از آنها رد شدند، تصمیمات لازم برای تأمین منافع ایران گرفته شود. متأسفانه به گزارش‌ها و صحبت‌های دیپلمات‌های پیشین ایران در افغانستان هم توجه نشد. وقتی موضوع حقابه هیرمند پیش آمد، از نگاه برخی مرکزنشینان آن‌قدر اهمیت نداشت و برای تذکر رئیس‌جمهور هم درباره حقابه دیگر دیر شده بود. نهایت موضوع، تنگه احدی شد که رهبری درباره سیستان به کار برده بودند و همه چیز از سیستان شروع شد و نتیجه‌اش این شد که درحال‌حاضر در تهران با مهاجران افغان و زیان‌های حکومت طالبان برای ایران درگیر شده‌ایم. متأسفانه در این دو سال حضور آقای کاظمی‌قمی، حقابه ایران داده نشده است و نزدیک به شش میلیون مهاجر افغان روی دست ایران مانده‌اند که باید خرج و هزینه آنها را بدهد. مردم سیستان هم در حال مهاجرت هستند. زبان و ادبیات فارسی ممنوع است و کسی حق تبلیغ مذهب شیعه را در افغانستان ندارد. عملیات تروریستی در ایران اتفاق افتاده است و موارد دیگر که قبلا اشاره شد. بیشتر درمورد طالبان آنچه انجام شده، معاملات تجاری و دلاری بوده است.

طالبان هیچ‌گونه همکاری مفیدی طی دو سال در مورد حقابه ایران نداشته‌اند و تا توانسته‌اند باعث تنش در رابطه با ایران شده‌اند و بیشتر در مورد حقابه بازی درآورده‌اند.

صحبت این شده است که طالبان برای آبان به ایران حقابه می‌دهند اگر حقابه داده نشد ایران چه اهرمی برای فشار به طالبان دارد.

صحبت‌های جدید ترامپ درمورد اینکه شب قبل از ترور سردار سلیمانی نتانیاهو گفت که ما در این عملیات شرکت نمی‌کنیم نشان می‌دهد که اگر درخواست‌کننده اصلی ترور سردار سلیمانی نتانیاهو می‌بود پس به دلیل عدم شرکت اسرائیل این عملیات باید متوقف می‌شد ولی ترور سردار سلیمانی مربوط به خود دولتمردان آمریکا و اطمینان از پیشبرد برنامه‌هایی که در منطقه داشته، از جمله واگذاری افغانستان به طالبان و اجرای اهداف آمریکا بوده است. زلمی خلیل‌زاد به عنوان نماینده ویژه آمریکا با توجه به تجربه‌ای که در عراق داشت و شناخت از سردار سلیمانی قطعا با همکاران خود در آمریکا در مورد کسانی که ممکن است باعث شوند مسیر توافق دوحه عوض شود و دوباره ایران در افغانستان مثل عراق نقش ایفا کند مشورت داده است تا مطمئن شوند برای توافق دوحه اتفاقی نیفتد. برای سردار سلیمانی قطعا موضوعاتی مثل حقابه ایران از هیرمند (که درگفت‌وگو با افغان‌ها به آن اشاره کرده بود)، وضعیت شیعیان افغانستان و حتی پسر احمد شاه مسعود باعث می‌شد که طالبان نتوانند خلف وعده کنند و با وعده‌های پوچ بتوانند برنامه‌های خود را پیش ببرند. شاید بتوان گفت احتیاج به جنگ نبود چون اگر یک هفته مرزهای ایران بسته می‌شد و هیچ مبادله کالایی انجام نمی‌شد مردم گرسنه افغانستان طالبان را به ستوه می‌آوردند و هم مردم افغانستان و هم طالبان بهتر می‌فهمیدند که بدون همکاری کشور ایران نمی‌توانند زندگی آسانی داشته باشند و راحت حکومت کنند و به ایران آب ندهند. و بدانند که اگر ایران طولانی‌مدت مرز را ببندد می‌تواند باعث قحطی در افغانستان شود. نمونه‌اش بستن مرز تورخم پاکستان است که متیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا خواسته که مرز تورخم را پاکستان باز کند. پاکستانی که خودش پدرخوانده طالبان است و در هر دو دوره حکومت طالبان و روی کار آوردن آنها نقش داشته است، این‌چنین با طالبان رفتار می‌کند.

فقدان سردار سلیمانی تأثیرات مختلفی بر ایران داشته و یکی از مهم‌ترین آنها موضوع افغانستان و مدل واگذاری حکومت به طالبان بوده است که اگر ایران برنامه برای آن نداشته باشد تأثیرات منفی بیشتری در آینده از حکومت طالبان خواهد دید.

به قول سعدی: بوریاباف گرچه بافنده است / نبرندش به کارگاه حریر

زلمی خلیل‌زاد و تام وست (نماینده دولت آمریکا) و امیر قطر همه تلاششان این است که بتوانند طالبان را متحد نگه دارند و راهی پیدا کنند تا ملاهیبت‌الله حق تحصیل زنان و قوانین جهانی را به رسمیت بشناسد و با تعصب باعث نشود که تمام زحمت‌های آنها در افغانستان نابود شود اما ملاهیبت‌الله در جدیدترین اظهارنظر خود گفته است که اگر ما را با بمب اتم هم بزنند به حرف خارجی گوش نمی‌کنیم. به نظر می‌رسد طالبان بین تجدد و سنت‌گرایی بیشتر به طرف سنت‌گرایی خواهند رفت.

به نظر می‌رسد پاکستان مهم‌ترین مشکلی که تصور آن را نمی‌کرد به وجود آید این بود که تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) با دیدن اینکه طالبان چطور حکومت افغانستان را با جنگیدن و مذاکره با آمریکا به دست آورده‌اند به این نتیجه برسند که می‌شود با آمریکا وارد مذاکره شد و منافع آمریکا را تأمین کرد و صاحب قدرت شد. به همین دلیل دولت پاکستان با اینکه خودش رابطه نزدیکی با طالبان دارد مجبور است تصمیمات سختی در آینده بگیرد تا منافع خود را تأمین کند. و از طرفی موضوع خط دیورند توسط طالبان مطرح نشود.

ملاهیبت‌الله و ملامجاهد یعقوب هر دو جنگ در پاکستان را حرام اعلام کرده‌اند (به گفته حسن عنایت خانواده خیلی از مقامات طالبان از جمله ملامجاهد یعقوب که در کراچی پاکستان زندگی می‌کنند) مهم‌ترین مشکل این شده است که افراد طالب در تمام مدت در مدارس دینی یاد گرفته‌اند که رستگاری در جهاد است به همین دلایل مقامات طالبان اعلام کرده‌اند که افراد طالب برای کار اداری خوب نیستند و اینها مشکلات طالبان را بیشتر می‌کند

راهکارها

۱.مأموریت آقای کاظمی‌قمی در افغانستان زودتر پایان داده شود و فردی با تجربه و با درایت و تدبیر بهتر معرفی شود زیرا با این روند، موضوع حکومت طالبان و مهاجران افغان و خطرات گروه‌های انتحاری و تکفیری به زودی تبدیل به بزرگ‌ترین مسئله امنیتی کشور خواهد شد.

۲.گروهی از کارشناسان خبره و باتجربه ایران از وزارت امور خارجه در کابل و قندهار حضور پیدا کنند تا بهتر بتوان با طالبان در موضوعات مختلف به توافق رسید.

۳. اگر طالبان برای فصل زمستان نفت می‌خواهند باید این را به طور رسمی در تلویزیون و رادیو افغانستان از دفتر سخنگوی طالبان در قندهار اعلام کنند تا مردم افغانستان و طالبان هم در جریان قرار بگیرند.

۴. حقابه‌ای که قرار است بیاید مربوط به باران‌های پاییز است از طرفی طالبان احتیاج به سوخت و نفت دارند. در این مورد به طور جدی بررسی صورت گیرد و به صورت مرحله‌ای سوخت در اختیار آنها قرار داده شود.

۵. از ظرفیت پایگاه‌های بسیج و محلات جهت کمک به وزارت کشور در سرشماری و بررسی هویت افراد افغان استفاده شود.

۶ . افراد افغان متهم به تجاوز و قتل و اقدام‌های مسلحانه و شرارت که به اعدام محکوم می‌شوند در ایران حتما احکامشان اجرا شود و تحویل طالبان نشوند. چون عواقب تحویل‌دادن این افراد به طالبان برای مردم و دولت ایران جبران‌ناپذیر خواهد بود و این جمعیت مهاجر افغان دیگر قابل کنترل نخواهند بود.

۷. دولت پاکستان با استفاده از بستن مرز تورخم و اخراج مهاجران افغان فشار اقتصادی زیادی به طالبان وارد کرده است، در حدی که سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا متیو میلر از کشورهای همسایه افغانستان از جمله پاکستان خواسته مهاجران را بیرون نکنند. از طرفی پاکستان می‌خواهد درگیرهای مرزی را کنترل کند و طالبان باعث درگیری در پاکستان نشوند. ایران این مسائل را در مورد اخراج مهاجران غیرقانونی مد نظر قرار دهد.

۸.مسیر جابه‌جایی کالا به افغانستان بیشتر به خود سیستان ختم شود. توسعه و رشد تبادل کالا از مرز میلک با جدیت تمام دنبال شود.

۹. در زلزله هرات ریاست هلال احمر ایران به هرات رفته و با مسئولان طالبان دیدار کرده است تا کمک‌های لازم به مردم آسیب‌دیده را فراهم کند. در ماه آبان که صحبت دادن حقابه توسط طالبان مطرح شده ریاست هلال احمر ایران در صورت امکان در جلسات گفت‌وگو در مورد حقابه حضور داشته باشد.

۱۰. استاندار خراسان رضوی که به تازگی با هئیت تجاری برای تبادلات کالا به افغانستان رفته، بهتر است در جلسات حقابه و سفر به افغانستان نیز حضور داشته باشد تا درباره همه موضوعات رودخانه‌های مرزی و حقابه از افغانستان بحث شود و خود را برای آینده و موضوعات سد باشدان و سلما و مدل همکاری با طالبان آماده کنند.

۱۱. در آینده قدرت در میان طالبان به طرف یکدست‌شدن می‌رود و گروهی تلاش خواهند کرد قدرت را قبضه و بقیه را حذف کنند. منافع ملی ایران در این زمینه پیش‌بینی و زیر نظر گرفته شود.

۱۲. آقای سردار کرمی به عنوان استاندار از اختیارات ویژه خود استفاده کند و نامی از خود در سرعت توسعه شرق ایران به یادگار بگذارد و مشکلات شرکت‌هایی که در پروژه‌های بنیادی استان مثل انتقال آب از دریای عمان، توسعه اسکله شهید بهشتی چابهار، ساختن بند و سد برای استفاده بیشتر از باران‌های موسمی مانسون، معادن، راه‌آهن استان، توربین‌های بادی میل نادر، بزرگراه چابهار به میلک را با حضور همه مدیران این شرکت‌ها بررسی و شرایط افزایش سرعت انجام این پروژه‌ها را فراهم کند تا بتوانند دو شیفت و سه شیفت کار کنند. چون روزها می‌گذرد و فرصت‌ها از دست می‌رود.

۱۳. وضعیت پدافند غیرعامل در سیستان در شرایط قطع برق و مخابرات و استفاده از مخازن نفت و گاز در شرایط بحرانی و قطع آب بررسی شود.

۱۴. ملاغنی برادر سرپرست معاون‌الوزرا و مسئول بخش اقتصادی طالبان بیشترین سخنرانی و فعالیت را در مورد موضوع حقابه ایران با بازدید از سد کمال‌خان و بخش‌آباد و تخصیص بودجه در جهت تکمیل آنها داشته است. بهتر است در موارد درخواست‌های کمک طالبان از ایران از آنها خواسته شود تا این موضوع از طریق ملاغنی برادر انجام شود.

۱۵. در جنوب استان سیستان و بلوچستان امکان ساخت دریاچه مصنوعی، سد و بندهای بیشتر در جهت استفاده بهتر از باران‌های موسمی مانسون توسط کارشناسان این حوزه بررسی شود.

۱۶. احمد مسعود رهبری جبهه مقاومت ملی افغانستان طی دو سال گذشته با وجود فشار زیاد طالبان توانسته جبهه خود را توسعه دهد و عملیات ضد طالبان در داخل خاک افغانستان انجام دهد. این گروه مورد حمایت قرار گیرد چون طالبان وقتی شکست بخورند و در حال فرار از کابل باشند، به فکر حکومت همه‌شمول خواهند بود.

یادداشت

ضرورت آشنایی با فلسفه تقنینی برخی مجازات‌ها

قاعده درأ و اصل برائت در اعمال مجازات

محمدهادی جعفرپور
وکیل دادگستری

شناسایی قوانین و بایسته‌های حاکم بر نظام‌های قضائی، ارتباطی مستقیم با سیاست جنایی تعریف‌شده برای ساختار حقوقی-قضائی آن کشور داشته؛ دراین‌بین آنچه لازم است به نحو مطلوب مورد امعان نظر واقع شود، ضرورت و لزوم اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به جامعه با هدف رفع ابهام و اقناع وجدان عمومی در مواجهه با چالش‌های حاصل از اعمال کیفر علیه مرتکب یا مرتکبان برخی جرائم است.

ازجمله چالش‌های تأمل‌برانگیز واکنش جامعه و فعالان حقوق مدنی در مواجهه با جرائمی است که مجازات قانونی آن سبب سلب حیات مرتکب رفتار مجرمانه می‌شود.

در همین راستا اولین نکته اصلی و تأمل‌برانگیز، تفکیک و شناساندن مبنای شکل‌گیری پرونده‌هایی است که مجازات آن سبب سلب حیات محکوم‌علیه می‌شود. تحلیل این نوع از مجازات مستلزم شناخت تفاوت مبنای اعمال کیفرِ قصاص نفس و اعدام است که با وجود شباهتی که در نتیجه اجرای هر دو کیفر شاهد هستیم، مبنای تأسیس و اجرای این دو کیفر متفاوت است.

در مجموع قوانین کیفری ایران اعمال مجازات قصاص و اعدام منجر به سلب حیات محکوم‌علیه می‌شود، با این تفاوت اساسی که از قصاص به‌عنوان یک حق خصوصی یاد کرده، اعمال یا گذشت از آن در اختیار اولیای دم بوده، برخلاف اعدام که از آن به حق حاکمیتی یاد می‌کنند، اعمال مجازات قصاص در اختیار حاکم شرع نبوده، حکومت در اجرای این مجازات هیچ نقشی ندارد؛ مگر تشریفات اجرای کیفر ازجمله اذن به اجرا. اگرچه قوه قضائیه با تأسی از قواعد شرعی که به گذشت اولیای دم توصیه مکرر دارد، ایشان را دعوت به گذشت می‌کند و در همین راستا کمسیون عفو و بخشودگی در دستگاه قضائی یا سفیران صلح در مجموعه سازمان زندان‌ها چنین اقداماتی را انجام می‌دهند. با وجود چنین تفاوتی، نکته‌ای که لازم به تذکر است، توجه به واکنش‌های جامعه در مواجهه با چنین مجازات‌هایی است: به‌عنوان مثال زمانی که پدری فرزندش را به قتل می‌رساند، برخی مخالفان مجازات قصاص یا اعدام از عدم مجازات پدر در قالب قصاص گلایه می‌کنند و معترض می‌شوند که این چه قانونی است که ما داریم و چرا چنین پدری نباید قصاص شود! تئوریسین‌های جامعه‌شناسی جنایی و دیگر اندیشمندان حوزه جزا و جرم‌شناسی در تحلیل این نوع واکنش‌ها به شناخت‌نداشتن جامعه از قوانین و فلسفه تقنینی مقررات اشاره کرده، بر ضرورت توجیه اجتماعی قوانین بیش از هر چیزی تأکید می‌کنند.

ابتدایی‌ترین خروجی ناشی از تحلیل واکنش جامعه به اعمال چنین قوانینی، احراز ضرورت بازنگری در قوانین کیفری بنا به مقتضیات روز جامعه است؛ اما تا زمانی که این قوانین اصلاح و به‌روزرسانی نشده‌اند، طریقی جز تبعیت از این قواعد با وجود نقدهای اجتماعی برای تأمین زمینه مناسب با هدف اصلاح قوانین وجود ندارد. با این وصف لازم به توضیح است که در حقوق جزای اسلام، مجازات‌ها، ذیل عناوینی مانند حدود، قصاص، دیات و تعزیر تعریف می‌شوند.

حدود از جمله کیفرهایی است که کیفیت (نوع مجازات: شلاق، اعدام و...) و کمّیت (تعداد ضربات شلاق و...) آن در منابع شرعی تصریح شده است؛ مثلا مجازات شلاق به‌عنوان یک مجازات حدی در جرائمی مانند شرب خمر یا زنا انشا، حتی تعداد ضربات شلاق به طور دقیق در فقه قید و قانون مجازات عینا آن را انشا کرده است.

یا در مقام حرمت رابطه جنسی افراد دو عنوان کلی لواط و زنا در کنار عناوینی مانند تقبیل (بوسیدن همراه با شهوت) مضاجعه (خوابیدن دو نامحرم کنار هم) و... در زیرمجموعه عنوان کلی رابطه نامشروع غیر از زنا تعریف می‌شود که بنا به نوع رفتار اشخاص مجازات هریک از اعمال مجرمانه متفاوت است؛ اما شدیدترین برخورد کیفری یعنی اعدام شامل رابطه‌ای است که در قالب زنای به‌عنف و زنای محصنه یا لواط تعریف می‌شود.

لواط در ماده ۲۳۳ قانون مجازات اسلامی به رابطه جنسی دو انسان مذکر تعریف شده است؛ اما زنا رابطه جنسی مرد و زنی است که بین آنها رابطه زوجیت وجود ندارد، در ماده ۲۲۱ به بعد قانون مجازات اسلامی تعریف و اشکال مختلف آن با مجازات‌های شلاق یا اعدام تعیین شده، چنانچه چنین رابطه‌ای بدون رضایت و به‌اصطلاح به‌عنف انجام شود، مجازات آن بنا به حکم شرع اعدام است.

نکته درخورتوجه آنجاست که به همان میزان که قوانین شرعی کیفر و مجازات سنگینی برای چنین جرائمی تعریف کرده، قواعد فقهی و احکام شرعی برای اثبات و احراز وقوع چنین جرمی در قالب حدود الهی سختگیرانه است که بارزترین و مهم‌ترین قاعده‌ای که در مواجهه با این موضوع ظهور و بروز دارد، قاعده درء است که در ماده ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.۲.۱ در راستای اصاله البرائه یا همان اصل ۳۷ قانون اساسی انشا شده. همین تصریح مبیّن این موضوع است که چنانچه نسبت به وقوع چنین جرمی شک و تردید حادث شود، فرض و اصل بر آن است که چنین رفتاری رخ نداده؛ بنابراین اجرای مجازات منتفی است.

قاعده درء از نشانه‌های توجه نظام کیفری اسلام به اصل برائت و احترام به کرامت انسانی در فرض و اصل بی‌گناهی اشخاص است. نظام کیفری ایران برگرفته از فقه امامیه در مقررات متنوعی ازجمله قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری به این اصل توجه داشته که سرآمد و مهم‌ترین مبحث در این فرض حاکمیت قاعده پیشرفته و پرکاربرد درء (تدرو الحدود بالشبهات= حدود به شبهه و شک ساقط و رفع می‌شود) از اهمیت ویژه‌ای؛ به‌ویژه در بحث اجرای حدود الهی مانند سنگسار (رجم) اعدام برای جرائمی مانند زنای به‌عنف (زمانی که زانیه {زن یا دختری که مورد تعرض قرار گرفته} به ارتکاب رفتار زنا راضی نبوده) زنای محصنه (زمانی که مرد یا زن متأهل مرتکب زنا شود {ماده ۲۲۶ تا ۲۳۰ قانون مجازات} مجازات ایشان رجم= سنگسار است).

ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی برای چهار مورد مجازات اعدام در نظر گرفته: زنا با محارم، زنا با زن پدر (اعدام زانی)، زنای مرد غیرمسلمان با زن مسلمان (اعدام زانی) و زنای به‌عنف.

نکته درخورتوجه اینکه مقنن در ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی در بحث تعزیرات قاعده‌ای را بر مبنای قاعده درء که در حدود جاری است، وضع کرده به این مضمون که:

صرف احراز شک و تردید در وقوع جرم، اصل بر تحقق‌نیافتن جرم بوده، اثبات این امر نیازی به دلیل ندارد. این اصل مانند دیگر اصول دارای استثنائاتی است: سرقت، محاربه، افساد فی‌الارض و قذف (نسبت‌دادن زنا و لواط به دیگری).

امروز برخی قضات کیفری با تأسی از این قاعده پیشرفته دامنه شمول قاعده درء را گسترش داده، چنانچه در برخی جرائم غیرحدی مستند به دلایل مضبوط در پرونده وقوع جرم محل شک و تردید باشد، ضمن توجه به اصل برائت، به این قاعده استناد کرده، حکم بر برائت متهم می‌دهند. با بررسی مبنای شکل‌گیری جرائم اشاره‌شده محرز است که مدعی اصلی اعمال کیفرهای تعریف‌شده برای این دسته از جرائم حاکم شرع یا به عبارتی حکومت است که برخلاف مجازات قصاص که بنا به ماده ۳۸۱ به بعد قانون مجازات حقی است خصوصی؛ بنابراین حاکم شرع یا حکومت حق دخالت در اعمال یا عدول از آن ندارد. بنا بر همین تفاوت است که در مواجهه با برخی پرونده‌ها، فعالان مدنی اقدام به واکنش کرده و در مخالفت با اعمال مجازات اعدام خطاب به حاکمیت و در نقد اعمال چنین کیفری مطالبی انشا می‌کنند؛ هرچند گاهی در برخی پرونده‌های منجر به قصاص نیز این شکل فعالیت‌ها و نقادی‌ها بروز و ظهور دارد؛ اما عمده نقدی که تا به امروز در فضای رسانه و پلتفرم‌های مجازی شاهد بوده‌ایم، مخالفت با مجازات اعدام به‌ویژه زمانی که اعمال این کیفر در راستای اعمال حاکمیتی مانند مفسد فی‌الارض، محاربه و... است، حتی در همین موضوعات نیز گاهی شاهد هستیم که بین شخصی که علیه امنیت ملی یا مصالح عمومی کشور اقدام کرده و رفتار مجرمانه او به دور از مسائل سیاسی و حاکمیتی برای قاطبه جامعه مسلم شده، متفاوت است.

نکته تأمل‌برانگیز در بحث مخالفت با مجازات‌های منجر به سلب حیات اعم از قصاص و اعدام و... برگشت‌ناپذیر بودن این کیفر بر فرض بروز اشتباه در تصمیم قضائی است که همین علت از دیرباز مهم‌ترین و اصلی‌ترین دلیل مخالفان چنین مجازاتی است؛ علاوه‌براین سبب دیگر مخالفت با چنین مجازاتی فلسفه حیات انسان و ضرورت حفظ کرامت انسانی است که با یک تحلیل ساده این‌گونه بیان می‌شود که حیات و جان آدمی موهبتی است الهی؛ پس هیچ مرجع و مقام دنیوی حق ندارد راجع به آن تصمیم بگیرد و تنها استثنای این قاعده را همان بحث قصاص می‌دانند.

Pishkhan.com

بوروکراسی اداری و افغانستانی‌ها

مبینا زندیه* . مائده بنی‌عامریان**

بوروکراسی اداری شیوه مدرن سازمان‌دهی فعالیت‌ها و ارائه خدمات به جامعه است که بر پایه قوانینی غیرشخصی و تقسیم کار عقلانی و منطقی سازمان‌دهی شده است؛ اما زمانی بوروکراسی می‌تواند در ارائه خدمات موفق عمل کند که شفاف و پاسخ‌گو باشد و همچنین بین سازمان‌های مختلف اداری پیوند و ارتباط نزدیکی دیده شود.

با توجه به ضعف‌هایی که می‌شود در بوروکراسی مشاهده کرد، می‌توان به ویژگی انعطاف‌ناپذیر بودن این ساختار اشاره کرد که امروزه در کشور ما به دلایل مختلفی بیشتر به چشم می‌خورد؛ مثل: بومی‌سازی‌نکردن نظریه یادشده، فقدان یکپارچگی و اولویت‌بندی در میان عناصر گوناگون بوروکراسی.

ممکن است سیستم‌های بوروکراتیک نیازهای درون خودشان را در مقایسه با نیازهای کسانی که به آنها مراجعه می‌کنند و در قبال‌شان موظف به ارائه خدماتی هستند، در اولویت قرار دهند که همین امر منجر به عدم پاسخ‌گویی و عدم انعطاف‌پذیری لازم می‌شود. این در حالی است که اگر ساختار سلسله‌مراتبی و تقسیم کار به صورت اصولی اجرائی شود و سعی شود نقاط قوت این نظریه را به کار بست، می‌توان کارایی و مسئولیت‌پذیری را در سازمان‌ها ارتقا داد.

به‌تازگی ارائه خدمات به افغانستانی‌های مقیم ایران در قالب بوروکراسی اداری به نام دفاتر کفالت شکل گرفته است. همان‌طورکه مشخص است، مهم‌ترین وجه بوروکراسی اداری، خدمتگزاری و رسیدگی به خواسته‌های گروه هدف خود است که لازمه آن، ارتباط‌گرفتن خدمتگزاران و کارکنان به صورت مؤثر و همدلانه با مراجعان است. پس داشتن مهارت‌ها و توانایی‌هایی برای کارمندان در این زمینه ضروری است؛ مثل داشتن خودآگاهی، ارتباط متقابل، توانایی همدلی و خوب گوش‌دادن، انعطاف‌پذیری و سازگارشدن و احترام به شأن و مقام انسانی مراجع و... .

لازم به ذکر است که تعداد ورود غیرقانونی اتباع افغانستانی به ایران به‌ویژه در سال‌های اخیر رو به افزایش است که از عمده دلایل آن می‌توان به نداشتن اقدامات پیشگیرانه اثربخش و نبود سازمان‌دهی کارآمد آنها، از سوی دولت اشاره کرد که مجال پرداختن به این موضوع در این مجمل نمی‌گنجد.

حال برای جلوگیری از زیان‌های بلندمدت این واقعه نباید از اهمیت تحصیل و آموزش مدارس ایران به کودکان افغان غافل شد. آشکار است که شکل‌پذیری افراد در سنین کودکی، دارای اهمیت بسیاری است؛ به‌همین‌دلیل باید تربیت و جهت‌دهی شخصیت آنها را در مدارس پی‌ریزی کرد، نه در خانواده‌هایی که اغلب دچار تعصبات‌اند و باعث رشد کودک در زمینه فرهنگی فقیری می‌شوند که به دنبال آن سرکوب استعداد و علایق، افزایش احساس سرخوردگی، نداشتن مهارت‌های ارتباطی و... را برای فرد به دنبال دارد و از دیدگاه کلان هم می‌توان به افزایش میزان فقر، انحرافات و آسیب‌های اجتماعی در جامعه اشاره کرد. پس لازم است سازوکاری برای تسهیل فرایند ثبت‌نام در مدارس و جذب آنها در روند آموزش در نظر گرفته شود تا از بروز تبعات مخرب آن، در آینده پیشگیری شود.

همان‌طورکه گفته شد، دفاتر کفالت یکی از سازمان‌های بوروکراتیزه‌شده هستند که امروزه به دلیل تجمع اتباع افغانستانی در کشور به یکی از مهم‌ترین مراکز رابط بین دستگاه حکومتی و پناهندگان تبدیل شده است که عمده وظایف این دفاتر خدماتی، رسیدگی به موارد تحصیلی، شغلی، ازدواج، تردد و اسکان مهاجران است و در شرایطی این‌چنینی که با بحران سازمان‌دهی نکردن اتباع مواجه هستیم، این دفاتر می‌توانند به کاهش این معضل کمک شایانی کنند. پیش‌بینی می‌شود که در نیمه اول سال تراکم مراجعه به این دفاتر، برای دریافت کد یکتا برای ثبت‌نام در مدارس افزایش پیدا می‌کند که به تبع آن حجم کار کارمندان این بخش بیشتر از قبل خواهد شد. به طور مثال به دلیل تفاوت‌های موجود زبانی و گویشی بین ما ایرانیان و افغانستانی‌ها، خدمتگزاران مربوطه مجبور به توضیح یک مسئله واحد، به دفعات متعددی می‌شوند که همین امر علتی بر تندخویی و راندن اتباع با الفاظ و رفتار ناپسند و زننده از آن دفاتر خواهد شد.

بهتر است که در کنار انجام وظایف، همدلی و نوع‌دوستی را نیز امری ضروری برای خود بدانیم و سعی کنیم از دریچه چشم آنها به دنیا بنگریم و همچنین باید به حقوق اولیه آنها به‌عنوان انسان احترام بگذاریم؛ حال چه‌بسا با انسان‌هایی جنگ‌زده سروکار داریم که از شرایطی سخت مانند فقر و حاکمیتی مستبد و متعصب به شیوه‌ای خطرناک و زجرآور عبور کرده و به کشور ما پناه آورده‌اند.

اگر بخواهیم از تجارب زیسته خود از طریق مشاهدات انجام‌شده در دو دفتر کفالت شعبه میدان امام حسین و شعبه میدان خراسان تهران و مصاحبه با پنج نفر از مادرانی که درگیر ثبت‌نام کودکان‌شان در مدارس بوده‌اند و به دیگر شعبات دفاتر کفالت نیز مراجعه کرده بودند، مطالبی را ذکر کنیم، می‌توانیم به نبود برخورد مناسب با مراجعان و اغلب اهانت به آنها (به‌ویژه در دفتر شعبه میدان خراسان)، شلوغی بیش از حد و وجود صف‌های طویل ساماندهی‌نشده اشاره کنیم.

همچنین جای بحث دارد، برگه‌ای که اتباع از سایت دولتی برای ثبت‌نام در مدارس تهیه می‌کنند، برای کارمندان این دفاتر فاقد ارزش است!

فارغ از تمام این قضایا و پیش‌نرفتن کارهای آنان در دفاتر کفالت، مورد توهین قرارگرفتن اتباع پسندیده نیست؛ همچنین طبق مشاهدات خود، بسیاری از مادران با چشم‌هایی گریان، سرخورده از تحقیری که متحمل شده بودند، دفتر را ترک می‌کردند؛ درصورتی‌که باید به این نکته توجه داشته باشیم که ناهماهنگی بین ساختارها و نواقص موجود در بوروکراسی ادارات، تقصیر آنان نیست و به‌راستی مستحق این رفتار نیستند؛ بلکه آنها صرفا طبق دستور کاری که از طرف دولت ما برای آنها تعریف شده است، عمل کرده‌اند.

در اینجا از مسئولان انتظار می‌رود که به شناختن گروه هدف و شناسایی نوع مدیریت و برخورد مناسب با آنها بپردازند و یک‌سری دستورالعمل برای کارمندانی که با آنها در تعامل هستند، مدنظر قرار دهند؛ به‌طوری‌که کارکنان با شرایط مراجعان آسیب‌دیده خود آشنا باشند و افغان‌هایی که از شرایط خشونت‌دیده‌ای گریخته‌اند، دوباره به طرق مختلفی متحمل آن نشوند. در کنار تمام این قضایا و اهمیت حفظ کرامت انسانی آنها، این امر موجب بازتولید خشونت در جامعه می‌شود؛ به‌این‌صورت که این افراد با خشم فروخورده‌ای از مسئولان دفتر، آنجا را ترک می‌کنند و آن خشم در جامعه بر روی ایرانیانی که صاحب قدرت نیستند، تخلیه می‌شود.

با توجه به مباحث گفته‌شده و اهمیت بالای ارتباط‌گیری صحیح کارمندان با مراجعان و لزوم احترام‌گذاشتن به آنها، به نظر می‌رسد یک‌سری از دوره‌های آموزشی برای تقویت مهارت‌های ارتباطی مثمرثمر باشد. یک رویکرد برای کاهش تأثیر منفی بوروکراسی، مشارکت‌دادن شهروندان و ذی‌نفعان حقیقی در طراحی و اجرای سیستم‌های بوروکراتیک است؛ با توجه به این مورد می‌توان پیشنهاد استفاده از افراد بومی را که از افراد داوطلب هم می‌توانند باشند و به گویش‌های افغانستانی مسلط هستند، داد؛ زیرا آنها بسیار راحت‌تر قادرند موضوعی را برای هم‌زبانان خود توضیح دهند و تسهیلگر روابط طرفین باشند که این کار تأثیر زیادی بر اعتمادسازی، ارتقای کیفیت خدمات و صرفه‌جویی در زمان خواهد داشت.

* مددکار اجتماعی
** مددکار اجتماعی

تحلیل و بررسی حکومت طالبان و رابطه با ایران و استفاده از گروه‌های تکفیری و اهرم آب علیه همسایگان برای رسیدن به خواسته‌هایشان

توافق دوحه و حکومت دوم طالبان

احسان الهی‌مقدم
کارشناس پژوهشکده کشاورزی، پژوهشگاه زابل

عکس: AP

درحال‌حاضر دو سال از حکومت طالبان می‌گذرد و زوایای پنهان بیشتری از این معامله دولت آمریکا با میانجیگری قطر و پاکستان با طالبان و تحویل حکومت به پشتون‌ها آشکار شده است. و افرادی مثل حامد کرزای و اشرف غنی و زلمی خلیل‌زاد و عباس استانکزای که هر چهار نفر پشتون‌تبار هستند، چه نقش‌هایی در این توافق ایفا کرده‌اند.

در مصاحبه جدید عباس استانکزای، معاون امیرخان متقی، وزیر خارجه طالبان، معلوم شده است که شروع گفت‌وگوی آمریکا با طالبان از سال ۲۰۰۷ بوده است. حامد کرزای در ادامه روند صلح در سال ۲۰۱۸ در آزادسازی ملاغنی برادر از زندان پاکستان برای رفتن به قطر نقش داشته است (حامد کرزی و ملاغنی برادر هر دو از قوم پوپلزی یکی از اقوام پشتون هستند). حامد کرزی درحال‌حاضر اجازه دیدار بدون مجوز با خبرنگاران و هیئت‌های دولت‌های دیگر یا خروج از افغانستان را ندارد و رسما اعلام شده نماینده حکومت طالبان نیست.

اشرف غنی از پشتون‌های شرق افغانستان است که محل فعالیت شبکه حقانی است، برای بار سوم با وجود تأیید حکم اعدام انس حقانی از اختیارات رئیس‌جمهوری استفاده کرده و حکم او را به حبس تبدیل کرده است. به درخواست طالبان پنج هزار زندانی طالب را که برخی در عملیات انتحاری نقش داشتند، آزاد کرد. ژنرال عبدالرازق اچکزی، از مخالفان اصلی طالبان در قندهار که در میان نظامیان افغان معروف به جنرال طالب‌کُش بود و معتقد به اینکه طالبان پنجابی هستند و نباید به کسی که گلوله به طرفت شلیک می‌کند، گل هدیه داد (مخاطبش اشرف غنی بود) در قندهار ترور می‌شود. در ماه‌های آخر دولت خود تمام فرماندهان پشتون را در پست‌های مهم در افغانستان قرار داد تا مقاومتی در برابر طالبان نباشد؛ ولی بزرگ‌ترین بازنده این بازی بود؛ چون دیر فهمیده بود که زلمی خلیل‌زاد درخواست طالبان به‌عنوان حضورنداشتن و ایفای نقش دولت افغانستان در حکومت آینده را قبول کرده بود. اشرف غنی سعی کرده در آخرین ساعت حضور در ارگ ریاست‌جمهوری در تماس با شبکه حقانی محل کامپیوترها و اطلاعات مهم امنیتی را در اختیار آنها قرار دهد تا به دست طالبان قندهاری نیفتد (حسن عباس، کتاب بازگشت طالبان).

زلمی خلیل‌زاد شاید بتوان گفت بیشترین نقش را در این خیانت بزرگ به مردم افغانستان و حتی سربازان کشته‌شده آمریکایی در جنگ با طالبان داشته است.

زلمی خلیل‌زاد هم‌دانشگاهی اشرف غنی در دانشگاه بیروت بوده که بعدا تحصیلات خود را در آمریکا ادامه می‌دهد و در آنجا می‌ماند. خلیل‌زاد اولین بار در دولت رونالد ریگان به‌عنوان یکی از مسئولان ارشد وزارت امور خارجه درباره جنگ شوروی و افغانستان مشاور بوده و بعد به‌عنوان مشاور بوش در سقوط صدام فعالیت داشته و با مخالفان کُرد صدام در شمال عراق دیدار کرده است. سفیر آمریکا در افغانستان پس از سقوط طالبان و سفیر آمریکا در عراق بعد از سقوط صدام و نماینده آمریکا در سازمان ملل و آخرین پست رسمی او نماینده ویژه آمریکا در روند صلح افغانستان در توافق دوحه بوده است.

به نظر می‌رسد که جمله ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، به زلمی خلیل‌زاد درباره اینکه «من را از آنجا (افغانستان) خارج کن» دست آقای زلمی خلیل‌زاد را برای مدل این خروج به سبک خودش باز کرده است. آمریکایی‌ها می‌خواستند بدون اینکه به نیروهای‌شان حمله شود، از افغانستان خارج شوند و تضمین طالبان مبنی بر اینکه با گروه‌های تروریستی مثل القاعده همکاری نکنند. یقینا زلمی خلیل‌زاد به واسطه تجربه‌اش با آگاهی از مواردی مثل نقش و نفوذ پاکستان در افغانستان و اینکه آمریکایی‌ها از چه چیزهایی استقبال می‌کنند، می‌دانسته که مواردی مثل نفوذ ایران در افغانستان نیز برای آمریکایی‌ها مهم است. و طبیعتا توصیه‌های خود را به طالبان و مذاکره‌کنندگان آنها کرده است. همچنین مصاحبه جدید پمپئو، وزیر خارجه وقت آمریکا، نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها از لج‌بازی‌ها و فساد دولت اشرف غنی خسته شده بودند.

شاید این یکی از دلایل مهمی باشد که زلمی خلیل‌زاد خواسته طالبان مبنی بر حضورنداشتن دولت اشرف غنی در حکومت آینده طالبان را قبول کرده است.

در عراق آنچه اتفاق افتاد، حمله آمریکا و در نهایت سقوط صدام و اعدام او بود؛ ولی در افغانستان به لطف آقای خلیل‌زاد حکومت دوباره کامل تحویل طالبان شد. زلمی خلیل‌زاد و قطر و پاکستان به همراه طالبان توانستند طوری نشان دهند که طالبان عوض شده‌اند و دیگر اثری از تعصب، خودخواهی، برتری‌طلبی و قتل و تجاوز نیست و حقوق زنان رعایت می‌شود؛ همچنین در حکومت آینده خبری از گروه‌های تروریستی خطرناک برای آمریکا وجود ندارد و خواسته‌ها و منافع آمریکا تضمین می‌شود.

زلمی خلیل‌زاد و کاظمی‌قمی

این دو نفر هر دو بعد سقوط صدام به‌عنوان سفیر در عراق بوده‌اند. آقای زلمی خلیل‌زاد (۲۰۰۵-۲۰۰۷) به‌عنوان یک پشتون (افغان -آمریکایی) به‌عنوان سفیر آمریکا و آقای کاظمی‌قمی (۲۰۰۶-۲۰۱۰) به‌عنوان سفیر ایران کار خود را شروع کرده‌اند. هر دو در عراق کاملا با هم آشنایی داشتند. زلمی خلیل‌زاد در عراق به گفته خود آمریکایی‌ها روزی نبود که اخباری درباره فعالیت ایران بعد سقوط صدام نشنود و مثل دیگر دولتمردان آمریکایی این را تصور نمی‌کرد که همه چیز در عراق از طریق ایران ممکن است از کنترل آنها خارج شود. زلمی خلیل‌زاد وقتی دوران کاری‌اش در عراق تمام شده بود، از میزان قدرت ایران در عراق و کارهای آقای قمی و نقش سردار سلیمانی به‌عنوان تصمیم‌گیرنده نهایی در عراق آگاه شده بود. زلمی خلیل‌زاد در افغانستان (۲۰۰۴-۲۰۰۵) نیز سفیر آمریکا بوده است و وقتی در سال ۲۰۱۸ دوباره به‌عنوان نماینده ویژه آمریکا برای صلح افغانستان معرفی شد. تقریبا به طور کامل به قدرت سپاه قدس ایران در عراق و افغانستان و توانایی‌های سردار سلیمانی به‌عنوان یک فرمانده نظامی که توانایی پیش‌بینی آینده از تصمیمات آمریکا در منطقه و توانایی برگرداندن صحنه نبرد را دارد، آگاه بود. سردار سلیمانی با احمدشاه مسعود در جنگ با طالبان در دوره اول حکومت طالبان از طرف دولت ایران کمک کرده بود. همچنین طبق گفته مالکی، سفیر اسبق ایران در افغانستان، در جلسه‌ای که با مارشال فهیم داشتند، سردار سلیمانی هم روی حقابه به‌عنوان خط قرمز بحث و تأکید کرده که سد کمال خان ساخته نشود (همشهری آنلاین، زندگی زلمی خلیل‌زاد).

به نظر می‌رسد زلمی خلیل‌زاد از همه تجربیات خود در تحویل حکومت افغانستان به طالبان استفاده کرد و طبیعتا می‌دانست که فردی مثل سردار سلیمانی با طالبان وارد گفت‌وگو می‌شود؛ ولی خطوط قرمزی دارد که ممکن است مانع این شوند که طالبان همه خواسته‌های آمریکا و همچنین امیال خود را در افغانستان اجرا کنند و به ایران زیان وارد کنند؛ اما سردار سلیمانی قبل از تحویل حکومت به طالبان در عراق از سوی دولت آمریکا ترور شده بود.

آقای کاظمی‌قمی به‌عنوان نماینده ویژه رئیس‌جمهور و در افغانستان کار خود را با حکومت طالبان شروع کرده، تبادل تجاری با افغانستان از قبل انجام می‌گرفته است؛ اما آقای قمی در این مدت همکاری‌های زیادی با طالبان داشته است؛ از درخواست سوخت از رئیس‌جمهوری برای زمستان در کشور افغانستان تا افتتاح بیمارستان و مسائل مربوط به راه‌آهن و گفت‌وگو با سازمان‌های بین‌المللی برای کمک به افغانستان، گفت‌وگو برای تشکیل حکومت همه‌شمول، کمک به زلزله‌زدگان افغانستان و... را شامل شده است؛ اما جواب طالبان بیشتر براساس منافع این گروه و ضربه‌زدن و دردسر درست‌کردن برای ایران بوده است.

در دو سال حکومت طالبان در دوره سفیربودن آقای کاظمی‌قمی:

۱. زبان ادبیات فارسی، جشن نوروز، تدریس مکتب جعفری ممنوع شده است.

۲. دفاتر هلال‌احمر و کمیته امداد بسته شده‌اند.

۳. در مراسم عاشورا در غزنی چند نفر کشته شده‌اند.

۴. نظامی‌های افغان که از ایران به افغانستان برگشته‌اند، به طریقی از سوی استخبارات طالبان کشته یا دستگیر شده‌اند (لعل محمدغریب، یما خالدی، حاجی پاینده).

۵. درگیری‌های مرزی با طالبان و فعالیت تروریستی داعش در ایران اتفاق افتاده است.

۶. اجازه ملاقات با حامد کرزای به هیئت ایرانی داده نشده است؛ ولی یک هفته بعد هیئت پاکستانی می‌تواند با او دیدار کند.

۷. خبرنگار خبرگزاری تسنیم بازداشت می‌شود و در نهایت با دخالت مقامات بلندپایه آزاد می‌شود.

۸. هجوم میلیون‌ها مهاجر افغان به نگرانی امنیتی و اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است.

۹. حقابه ایران داده نشده است و درنتیجه مردم مهاجرت کرده‌اند و خیلی از کارمندان تقاضای انتقال از سیستان را دارند.

۱۰. سخنان رئیس‌جمهور درباره حقابه با واکنش به حمله انتحاری پاسخ داده می‌شود و ملاغنی برادر چند روز بعد کانال‌های انحرافی بند بخش آباد مربوط به فراه‌رود را افتتاح می‌کند.

۱۱. اجازه بازدید هیئت ایرانی از سد کجکی داده نمی‌شود و بهانه کمبود آب و گل‌ولای سد کجکی مطرح می‌شود (این در حالی است که به گزارش آریانیوز کشت گندم ۳۰ درصد در قندهار افزایش داشته است).

منابع: خبرگزاری شفقنا، پامیرنیوز، کابل اینترنشنال

۲ سال پس از حکومت طالبان

اولین ساعات سقوط و تصرف کابل توسط طالبان با فرار و رفتن به فرودگاه کابل شروع شد و صحنه‌هایی به وجود آورد که در تاریخ ثبت شد. الگوی حکومت اسلامی طالبان مشخص بود. هر خانواده افغانی شبیه یک خانواده طالب باشد.

آنچه طالبان در این دوسال انجام دادند:

-اولین مشخصه وجود حکومت طالبان گروه امر به معروف و نهی از منکر آنها بود.

-زن‌ها اجازه فعالیت بیرون خانه و رفتن سر کار را ندارند.

-بستن آرایشگاه‌های زنانه و بی‌کارشدن زنانی که نان‌آور خانواده بودند. بیش از ۶۰ هزار زن شغل خود را از دست داده‌اند.

-راننده تاکسی اجازه جابه‌جایی زن را بدون محارم ندارد.

-ممنوعیت فعالیت احزاب سیاسی که اعتراض گلبدین حکمتیار را به دنبال داشت.

-جابه‌جایی پشتون‌های خط دیورند به شمال افغانستان.

-حذف ادبیات فارسی از افغانستان و همه باید پشتون صحبت کنند.

-حذف رسمی مذهب شیعه از دانشگاه‌های افغانستان.

-حذف علمای شیعه از شورای علما.

-سنی‌کردن افراد فرقه اسماعیلیه در بدخشان افغانستان.

-شبکه خبری مرصاد طالبان اعلام داشته گوشت حیوان کشته‌شده توسط شیعه حلال نیست.

-آتش‌زدن خانه‌ها و بریدن درختان میوه شیعیان به‌خصوص در ارزگان.

-جهت استخدام در ادارات فرد فرصت دارد طی شش ماه بتواند پشتون صحبت کند

-مرکز اصلی هدایت و رهبری در قندهار قرار گرفت و دفتر سخنگوی طالبان نیز در قندهار مستقر شد.

-دستگیری و شکنجه مردم شمال افغانستان به‌خصوص پنجشیر و اندراب و... .

-افزایش کشف و تولید متامفتامین در افغانستان که ماده اصلی آن را از گیاه افدرا در افغانستان می‌گیرند.

-کشتن و حذف فرماندهان نظامی باقی‌مانده از دولت قبل به‌وسیله استخبارات طالبان که به‌وسیله عبدللحق وثیق (زندانی سابق گوانتانامو) اداره می‌شود.

-روش کشتن فرماندهان جبهه مقاومت مثل قمرالدین اندرابی از طریق طالبانی نفوذی که اظهار جدایی از طالبان می‌کنند و درنهایت بعد از چندین ماه فرمانده موردنظر را ترور می‌کنند.

-به گزارش سازمان‌های بین‌المللی بیش از ۲۰ گروه تروریستی در افغانستان فعالیت دارند.

-دستور ملاغنی برادر در توزیع زمین در آینده در اطراف بند کمال خان و کانال قوش‌تپه.

-افراد مخالف طالبان کوچ داده می‌شوند.

-دختران به زور به عقد مردان طالب درمی‌آیند و آمار خودکشی زنان بالا رفته است.

-به گفته سخنگوی طالبان در این دوسال بیش از ۵۰ درگیری مرزی با همسایگان اتفاق افتاده است.

-درگیری مرزی گروه انصارالله با مأموران مرزی تاجیکستان، درگیری مرزی گروه حرکت اسلامی ازبکستان با مأموران مرزی ازبکستان، درگیری مرزی گروه طالبان و جیش العدل در مرز ایران، درگیری مرزی طالبان و گروه تحریک طالبان پاکستان با نیروهای مرزی پاکستان.

-نداشتن افراد متخصص در امور اداری که خود سران طالبان هم به آن اعتراف کرده‌اند که طالبان به درد کار اداری نمی‌خورند

-گذاشتن افراد غیرمتخصص در پست‌های مدیریتی از جمله رئیس تلویزیون هرات که خودش در خانه تلویزیون ندارد

منابع: خبرگزاری دویچه‌وله آلمان، آریانیوز، طلوع‌نیوز، پامیرنیوز، شفقنا (خبرگزاری شیعیان افغانستان)، باخترنیوز

اختلافات طالبان

در اوایل تصرف کابل خبر دعوا و درگیری در جلسه طالبان در ارگ ریاست‌جمهوری گزارش شد؛ آنجا سعی شد جزئیات این موضوع پنهان شود ولی گذر زمان این اختلاف را بهتر آشکار کرد.

طالبان پشتون‌تبار به دو گروه تقسیم می‌شوند:

-طالبان جنوب یا درانی‌ها که شامل ولایت‌های قندهار، هلمند، ارزگان، فرا، هرات است.

-طالبان شرق یا غلزایی‌ها که شامل ولایت‌های زابل، خوست، ننگرهار، لوگر است.

از جمله چهره‌های برجسته طالبان درانی می‌توان حامد کرزی، ملاغنی برادر، ملاهیبت‌الله، ملا اختر منصور (کشته‌شده) را نام برد.

چهره‌های برجسته طالبان غلزایی می‌توان به ملا محمد عمر (رهبر اول طالبان)، جلال‌الدین حقانی مؤسس شبکه حقانی، سراج‌الدین حقانی پسر جلال‌الدین (وزیر داخله)، ملایعقوب مجاهد پسر ملا محمد عمر (وزیر دفاع)، مولوی عبدالحق وثیق (استخبارات، شبکه حقانی)، عبداللطیف منصور (وزیر انرژی و آب، شبکه حقانی) اشاره کرد.

ملاهیبت‌الله که امیرالمؤمنین فعلی طالبان است، بیشتر به خاطر جلوگیری از اختلاف میان طالبان انتخاب شده است و برخلاف ملا محمد عمر و ملا اختر منصور نقش مهمی در فعالیت‌های نظامی نداشته و بیشتر به شیخ حدیث و قاضی‌القضات طالبان معروف بوده است و از این لحاظ در میان طالبان که همیشه به دنبال جنگ بوده‌اند، مورد انتقاد فرماندهان نظامی طالبان بوده است ولی ملاهیبت‌الله با فرستادن پسر خود حافظ عبدالرحمان به عنوان عامل انتحاری و شرکت در عملیات استشهادی کاری که هیچ‌یک از افرادی قبلی انجام نداده بود، محبوبیت خود را در میان طالبان بالا برده است.

ملایعقوب مجاهد (وزیر دفاع) و سراج‌الدین حقانی (وزیر امور داخله) در سخنرانی‌های خود از انتقادپذیرنبودن رهبر این گروه، ملاهیبت‌الله، ابراز ناراحتی کرده‌اند و ملاغنی برادر ابراز نگرانی کرده که ممکن است ملاهیبت‌الله آنها را به دهه ۹۰ برگرداند.

درباره بازگشایی مدارس دخترانه، شبکه حقانی در برخی ولایات تحت کنترل خود در فکر بازکردن مدارس بوده‌اند ولی نماینده هیبت‌الله به آنها گفته است می‌توانید مدارس را باز کنید ولی قبلش باید با هم بجنگیم.

به گفته حسن عباس سراج‌الدین حقانی ۱۶ ساعت در قندهار بوده و بدون ملاقات با ملاهیبت‌الله از قندهار رفته است.

براساس گزارشات موجود تمام عواید و مالیات گمرگات افغانستان به حساب دفتر ملاهیبت‌الله در قندهار واریز می‌شود و این باعث شده است تا ملاهیبت‌الله ۲۰ تا ۵۰۰ هزار افغانی حقوق ولسوال‌ها و رئیس‌ها را افزایش دهد و محبوبیت خود را بیشتر کند.

قطعات بدری ۳۱۳ طالبان، کندک‌های انتحاری منصوری، صدها تروریست خارجی چندملیتی با شبکه حقانی در ارتباط نزدیک هستند. همچنین ایمن الظواهری در کابل توسط آمریکایی‌ها در خانه متعلق به سراج‌الدین حقانی کشته شد (گزارش عبدالناصر نورزاد).

منابع: دویچه‌وله، کابل اینترنشنال، کتاب بازگشت طالبان حسن عباس، عبدالحی مطمئن

تحلیل و بررسی نهایی

پس از سقوط دولت اشرف غنی و روی‌کارآمدن طالبان در افغانستان، در ایران ما تحلیل سیاسی درست از رفتار و صحبت‌های طالبان نداشتیم که بتوان پیش‌بینی کرد که سیاست طالبان در مقابل ایران به کدام طرف خواهد رفت و خطوط قرمزی تعیین کنیم که وقتی طالبان از آنها رد شدند، تصمیمات لازم برای تأمین منافع ایران گرفته شود. متأسفانه به گزارش‌ها و صحبت‌های دیپلمات‌های پیشین ایران در افغانستان هم توجه نشد. وقتی موضوع حقابه هیرمند پیش آمد، از نگاه برخی مرکزنشینان آن‌قدر اهمیت نداشت و برای تذکر رئیس‌جمهور هم درباره حقابه دیگر دیر شده بود. نهایت موضوع، تنگه احدی شد که رهبری درباره سیستان به کار برده بودند و همه چیز از سیستان شروع شد و نتیجه‌اش این شد که درحال‌حاضر در تهران با مهاجران افغان و زیان‌های حکومت طالبان برای ایران درگیر شده‌ایم. متأسفانه در این دو سال حضور آقای کاظمی‌قمی، حقابه ایران داده نشده است و نزدیک به شش میلیون مهاجر افغان روی دست ایران مانده‌اند که باید خرج و هزینه آنها را بدهد. مردم سیستان هم در حال مهاجرت هستند. زبان و ادبیات فارسی ممنوع است و کسی حق تبلیغ مذهب شیعه را در افغانستان ندارد. عملیات تروریستی در ایران اتفاق افتاده است و موارد دیگر که قبلا اشاره شد. بیشتر درمورد طالبان آنچه انجام شده، معاملات تجاری و دلاری بوده است.

طالبان هیچ‌گونه همکاری مفیدی طی دو سال در مورد حقابه ایران نداشته‌اند و تا توانسته‌اند باعث تنش در رابطه با ایران شده‌اند و بیشتر در مورد حقابه بازی درآورده‌اند.

صحبت این شده است که طالبان برای آبان به ایران حقابه می‌دهند اگر حقابه داده نشد ایران چه اهرمی برای فشار به طالبان دارد.

صحبت‌های جدید ترامپ درمورد اینکه شب قبل از ترور سردار سلیمانی نتانیاهو گفت که ما در این عملیات شرکت نمی‌کنیم نشان می‌دهد که اگر درخواست‌کننده اصلی ترور سردار سلیمانی نتانیاهو می‌بود پس به دلیل عدم شرکت اسرائیل این عملیات باید متوقف می‌شد ولی ترور سردار سلیمانی مربوط به خود دولتمردان آمریکا و اطمینان از پیشبرد برنامه‌هایی که در منطقه داشته، از جمله واگذاری افغانستان به طالبان و اجرای اهداف آمریکا بوده است. زلمی خلیل‌زاد به عنوان نماینده ویژه آمریکا با توجه به تجربه‌ای که در عراق داشت و شناخت از سردار سلیمانی قطعا با همکاران خود در آمریکا در مورد کسانی که ممکن است باعث شوند مسیر توافق دوحه عوض شود و دوباره ایران در افغانستان مثل عراق نقش ایفا کند مشورت داده است تا مطمئن شوند برای توافق دوحه اتفاقی نیفتد. برای سردار سلیمانی قطعا موضوعاتی مثل حقابه ایران از هیرمند (که درگفت‌وگو با افغان‌ها به آن اشاره کرده بود)، وضعیت شیعیان افغانستان و حتی پسر احمد شاه مسعود باعث می‌شد که طالبان نتوانند خلف وعده کنند و با وعده‌های پوچ بتوانند برنامه‌های خود را پیش ببرند. شاید بتوان گفت احتیاج به جنگ نبود چون اگر یک هفته مرزهای ایران بسته می‌شد و هیچ مبادله کالایی انجام نمی‌شد مردم گرسنه افغانستان طالبان را به ستوه می‌آوردند و هم مردم افغانستان و هم طالبان بهتر می‌فهمیدند که بدون همکاری کشور ایران نمی‌توانند زندگی آسانی داشته باشند و راحت حکومت کنند و به ایران آب ندهند. و بدانند که اگر ایران طولانی‌مدت مرز را ببندد می‌تواند باعث قحطی در افغانستان شود. نمونه‌اش بستن مرز تورخم پاکستان است که متیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا خواسته که مرز تورخم را پاکستان باز کند. پاکستانی که خودش پدرخوانده طالبان است و در هر دو دوره حکومت طالبان و روی کار آوردن آنها نقش داشته است، این‌چنین با طالبان رفتار می‌کند.

فقدان سردار سلیمانی تأثیرات مختلفی بر ایران داشته و یکی از مهم‌ترین آنها موضوع افغانستان و مدل واگذاری حکومت به طالبان بوده است که اگر ایران برنامه برای آن نداشته باشد تأثیرات منفی بیشتری در آینده از حکومت طالبان خواهد دید.

به قول سعدی: بوریاباف گرچه بافنده است / نبرندش به کارگاه حریر

زلمی خلیل‌زاد و تام وست (نماینده دولت آمریکا) و امیر قطر همه تلاششان این است که بتوانند طالبان را متحد نگه دارند و راهی پیدا کنند تا ملاهیبت‌الله حق تحصیل زنان و قوانین جهانی را به رسمیت بشناسد و با تعصب باعث نشود که تمام زحمت‌های آنها در افغانستان نابود شود اما ملاهیبت‌الله در جدیدترین اظهارنظر خود گفته است که اگر ما را با بمب اتم هم بزنند به حرف خارجی گوش نمی‌کنیم. به نظر می‌رسد طالبان بین تجدد و سنت‌گرایی بیشتر به طرف سنت‌گرایی خواهند رفت.

به نظر می‌رسد پاکستان مهم‌ترین مشکلی که تصور آن را نمی‌کرد به وجود آید این بود که تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) با دیدن اینکه طالبان چطور حکومت افغانستان را با جنگیدن و مذاکره با آمریکا به دست آورده‌اند به این نتیجه برسند که می‌شود با آمریکا وارد مذاکره شد و منافع آمریکا را تأمین کرد و صاحب قدرت شد. به همین دلیل دولت پاکستان با اینکه خودش رابطه نزدیکی با طالبان دارد مجبور است تصمیمات سختی در آینده بگیرد تا منافع خود را تأمین کند. و از طرفی موضوع خط دیورند توسط طالبان مطرح نشود.

ملاهیبت‌الله و ملامجاهد یعقوب هر دو جنگ در پاکستان را حرام اعلام کرده‌اند (به گفته حسن عنایت خانواده خیلی از مقامات طالبان از جمله ملامجاهد یعقوب که در کراچی پاکستان زندگی می‌کنند) مهم‌ترین مشکل این شده است که افراد طالب در تمام مدت در مدارس دینی یاد گرفته‌اند که رستگاری در جهاد است به همین دلایل مقامات طالبان اعلام کرده‌اند که افراد طالب برای کار اداری خوب نیستند و اینها مشکلات طالبان را بیشتر می‌کند

راهکارها

۱.مأموریت آقای کاظمی‌قمی در افغانستان زودتر پایان داده شود و فردی با تجربه و با درایت و تدبیر بهتر معرفی شود زیرا با این روند، موضوع حکومت طالبان و مهاجران افغان و خطرات گروه‌های انتحاری و تکفیری به زودی تبدیل به بزرگ‌ترین مسئله امنیتی کشور خواهد شد.

۲.گروهی از کارشناسان خبره و باتجربه ایران از وزارت امور خارجه در کابل و قندهار حضور پیدا کنند تا بهتر بتوان با طالبان در موضوعات مختلف به توافق رسید.

۳. اگر طالبان برای فصل زمستان نفت می‌خواهند باید این را به طور رسمی در تلویزیون و رادیو افغانستان از دفتر سخنگوی طالبان در قندهار اعلام کنند تا مردم افغانستان و طالبان هم در جریان قرار بگیرند.

۴. حقابه‌ای که قرار است بیاید مربوط به باران‌های پاییز است از طرفی طالبان احتیاج به سوخت و نفت دارند. در این مورد به طور جدی بررسی صورت گیرد و به صورت مرحله‌ای سوخت در اختیار آنها قرار داده شود.

۵. از ظرفیت پایگاه‌های بسیج و محلات جهت کمک به وزارت کشور در سرشماری و بررسی هویت افراد افغان استفاده شود.

۶ . افراد افغان متهم به تجاوز و قتل و اقدام‌های مسلحانه و شرارت که به اعدام محکوم می‌شوند در ایران حتما احکامشان اجرا شود و تحویل طالبان نشوند. چون عواقب تحویل‌دادن این افراد به طالبان برای مردم و دولت ایران جبران‌ناپذیر خواهد بود و این جمعیت مهاجر افغان دیگر قابل کنترل نخواهند بود.

۷. دولت پاکستان با استفاده از بستن مرز تورخم و اخراج مهاجران افغان فشار اقتصادی زیادی به طالبان وارد کرده است، در حدی که سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا متیو میلر از کشورهای همسایه افغانستان از جمله پاکستان خواسته مهاجران را بیرون نکنند. از طرفی پاکستان می‌خواهد درگیرهای مرزی را کنترل کند و طالبان باعث درگیری در پاکستان نشوند. ایران این مسائل را در مورد اخراج مهاجران غیرقانونی مد نظر قرار دهد.

۸.مسیر جابه‌جایی کالا به افغانستان بیشتر به خود سیستان ختم شود. توسعه و رشد تبادل کالا از مرز میلک با جدیت تمام دنبال شود.

۹. در زلزله هرات ریاست هلال احمر ایران به هرات رفته و با مسئولان طالبان دیدار کرده است تا کمک‌های لازم به مردم آسیب‌دیده را فراهم کند. در ماه آبان که صحبت دادن حقابه توسط طالبان مطرح شده ریاست هلال احمر ایران در صورت امکان در جلسات گفت‌وگو در مورد حقابه حضور داشته باشد.

۱۰. استاندار خراسان رضوی که به تازگی با هیئت تجاری برای تبادلات کالا به افغانستان رفته، بهتر است در جلسات حقابه و سفر به افغانستان نیز حضور داشته باشد تا درباره همه موضوعات رودخانه‌های مرزی و حقابه از افغانستان بحث شود و خود را برای آینده و موضوعات سد باشدان و سلما و مدل همکاری با طالبان آماده کنند.

۱۱. در آینده قدرت در میان طالبان به طرف یکدست‌شدن می‌رود و گروهی تلاش خواهند کرد قدرت را قبضه و بقیه را حذف کنند. منافع ملی ایران در این زمینه پیش‌بینی و زیر نظر گرفته شود.

۱۲. آقای سردار کرمی به عنوان استاندار از اختیارات ویژه خود استفاده کند و نامی از خود در سرعت توسعه شرق ایران به یادگار بگذارد و مشکلات شرکت‌هایی که در پروژه‌های بنیادی استان مثل انتقال آب از دریای عمان، توسعه اسکله شهید بهشتی چابهار، ساختن بند و سد برای استفاده بیشتر از باران‌های موسمی مانسون، معادن، راه‌آهن استان، توربین‌های بادی میل نادر، بزرگراه چابهار به میلک را با حضور همه مدیران این شرکت‌ها بررسی و شرایط افزایش سرعت انجام این پروژه‌ها را فراهم کند تا بتوانند دو شیفت و سه شیفت کار کنند. چون روزها می‌گذرد و فرصت‌ها از دست می‌رود.

۱۳. وضعیت پدافند غیرعامل در سیستان در شرایط قطع برق و مخابرات و استفاده از مخازن نفت و گاز در شرایط بحرانی و قطع آب بررسی شود.

۱۴. ملاغنی برادر سرپرست معاون‌الوزرا و مسئول بخش اقتصادی طالبان بیشترین سخنرانی و فعالیت را در مورد موضوع حقابه ایران با بازدید از سد کمال‌خان و بخش‌آباد و تخصیص بودجه در جهت تکمیل آنها داشته است. بهتر است در موارد درخواست‌های کمک طالبان از ایران از آنها خواسته شود تا این موضوع از طریق ملاغنی برادر انجام شود.

۱۵. در جنوب استان سیستان و بلوچستان امکان ساخت دریاچه مصنوعی، سد و بندهای بیشتر در جهت استفاده بهتر از باران‌های موسمی مانسون توسط کارشناسان این حوزه بررسی شود.

۱۶. احمد مسعود رهبری جبهه مقاومت ملی افغانستان طی دو سال گذشته با وجود فشار زیاد طالبان توانسته جبهه خود را توسعه دهد و عملیات ضد طالبان در داخل خاک افغانستان انجام دهد. این گروه مورد حمایت قرار گیرد چون طالبان وقتی شکست بخورند و در حال فرار از کابل باشند، به فکر حکومت همه‌شمول خواهند بود.

یادداشت

ضرورت آشنایی با فلسفه تقنینی برخی مجازات‌ها

قاعده درأ و اصل برائت در اعمال مجازات

محمدهادی جعفرپور
وکیل دادگستری

شناسایی قوانین و بایسته‌های حاکم بر نظام‌های قضائی، ارتباطی مستقیم با سیاست جنایی تعریف‌شده برای ساختار حقوقی-قضائی آن کشور داشته؛ دراین‌بین آنچه لازم است به نحو مطلوب مورد امعان نظر واقع شود، ضرورت و لزوم اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به جامعه با هدف رفع ابهام و اقناع وجدان عمومی در مواجهه با چالش‌های حاصل از اعمال کیفر علیه مرتکب یا مرتکبان برخی جرائم است.

ازجمله چالش‌های تأمل‌برانگیز واکنش جامعه و فعالان حقوق مدنی در مواجهه با جرائمی است که مجازات قانونی آن سبب سلب حیات مرتکب رفتار مجرمانه می‌شود.

در همین راستا اولین نکته اصلی و تأمل‌برانگیز، تفکیک و شناساندن مبنای شکل‌گیری پرونده‌هایی است که مجازات آن سبب سلب حیات محکوم‌علیه می‌شود. تحلیل این نوع از مجازات مستلزم شناخت تفاوت مبنای اعمال کیفر قصاص نفس و اعدام است که با وجود شباهتی که در نتیجه اجرای هر دو کیفر شاهد هستیم، مبنای تأسیس و اجرای این دو کیفر متفاوت است.

Pishkhan.com

در مجموع قوانین کیفری ایران اعمال مجازات قصاص و اعدام منجر به سلب حیات محکوم‌علیه می‌شود، با این تفاوت اساسی که از قصاص به‌عنوان یک حق خصوصی یاد کرده، اعمال یا گذشت از آن در اختیار اولیای دم بوده، برخلاف اعدام که از آن به حق حاکمیتی یاد می‌کنند، اعمال مجازات قصاص در اختیار حاکم شرع نبوده، حکومت در اجرای این مجازات هیچ نقشی ندارد؛ مگر تشریفات اجرای کیفر ازجمله اذن به اجرا. اگرچه قوه قضائیه با تأسی از قواعد شرعی که به گذشت اولیای دم توصیه مکرر دارد، ایشان را دعوت به گذشت می‌کند و در همین راستا کمسیون عفو و بخشودگی در دستگاه قضائی یا سفیران صلح در مجموعه سازمان زندان‌ها چنین اقداماتی را انجام می‌دهند. با وجود چنین تفاوتی، نکته‌ای که لازم به تذکر است، توجه به واکنش‌های جامعه در مواجهه با چنین مجازات‌هایی است: به‌عنوان مثال زمانی که پدری فرزندش را به قتل می‌رساند، برخی مخالفان مجازات قصاص یا اعدام از عدم مجازات پدر در قالب قصاص گلایه می‌کنند و معترض می‌شوند که این چه قانونی است که ما داریم و چرا چنین پدری نباید قصاص شود! تئوریسین‌های جامعه‌شناسی جنایی و دیگر اندیشمندان حوزه جزا و جرم‌شناسی در تحلیل این نوع واکنش‌ها به شناخت‌نداشتن جامعه از قوانین و فلسفه تقنینی مقررات اشاره کرده، بر ضرورت توجیه اجتماعی قوانین بیش از هر چیزی تأکید می‌کنند.

ابتدایی‌ترین خروجی ناشی از تحلیل واکنش جامعه به اعمال چنین قوانینی، احراز ضرورت بازنگری در قوانین کیفری بنا به مقتضیات روز جامعه است؛ اما تا زمانی که این قوانین اصلاح و به‌روزرسانی نشده‌اند، طریقی جز تبعیت از این قواعد با وجود نقدهای اجتماعی برای تأمین زمینه مناسب با هدف اصلاح قوانین وجود ندارد. با این وصف لازم به توضیح است که در حقوق جزای اسلام، مجازات‌ها، ذیل عناوینی مانند حدود، قصاص، دیات و تعزیر تعریف می‌شوند.

حدود از جمله کیفرهایی است که کیفیت (نوع مجازات: شلاق، اعدام و...) و کمّیت (تعداد ضربات شلاق و...) آن در منابع شرعی تصریح شده است؛ مثلا مجازات شلاق به‌عنوان یک مجازات حدی در جرائمی مانند شرب خمر یا زنا انشا، حتی تعداد ضربات شلاق به طور دقیق در فقه قید و قانون مجازات عینا آن را انشا کرده است.

یا در مقام حرمت رابطه جنسی افراد دو عنوان کلی لواط و زنا در کنار عناوینی مانند تقبیل (بوسیدن همراه با شهوت) مضاجعه (خوابیدن دو نامحرم کنار هم) و... در زیرمجموعه عنوان کلی رابطه نامشروع غیر از زنا تعریف می‌شود که بنا به نوع رفتار اشخاص مجازات هریک از اعمال مجرمانه متفاوت است؛ اما شدیدترین برخورد کیفری یعنی اعدام شامل رابطه‌ای است که در قالب زنای به‌عنف و زنای محصنه یا لواط تعریف می‌شوند.

لواط در ماده ۲۳۳ قانون مجازات اسلامی به رابطه جنسی دو انسان مذکر تعریف شده است؛ اما زنا رابطه جنسی مرد و زنی است که بین آنها رابطه زوجیت وجود ندارد، در ماده ۲۲۱ به بعد قانون مجازات اسلامی تعریف و اشکال مختلف آن با مجازات‌های شلاق یا اعدام تعیین شده، چنانچه چنین رابطه‌ای بدون رضایت و به‌اصطلاح به‌عنف انجام شود، مجازات آن بنا به حکم شرع اعدام است.

نکته درخورتوجه آنجاست که به همان میزان که قوانین شرعی کیفر و مجازات سنگینی برای چنین جرائمی تعریف کرده، قواعد فقهی و احکام شرعی برای اثبات و احراز وقوع چنین جرمی در قالب حدود الهی سختگیرانه است که بارزترین و مهم‌ترین قاعده‌ای که در مواجهه با این موضوع ظهور و بروز دارد، قاعده درء است که در ماده ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.۲.۱ در راستای اصاله البرائه یا همان اصل ۳۷ قانون اساسی انشا شده. همین تصریح مبیّن این موضوع است که چنانچه نسبت به وقوع چنین جرمی شک و تردید حادث شود، فرض و اصل بر آن است که چنین رفتاری رخ نداده؛ بنابراین اجرای مجازات منتفی است.

قاعده درء از نشانه‌های توجه نظام کیفری اسلام به اصل برائت و احترام به کرامت انسانی در فرض و اصل بی‌گناهی اشخاص است. نظام کیفری ایران برگرفته از فقه امامیه در مقررات متنوعی ازجمله قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری به این اصل توجه داشته که سرآمد و مهم‌ترین مبحث در این فرض حاکمیت قاعده پیشرفته و پرکاربرد درء (تدرو الحدود بالشبهات= حدود به شبهه و شک ساقط و رفع می‌شود) از اهمیت ویژه‌ای؛ به‌ویژه در بحث اجرای حدود الهی مانند سنگسار (رجم) اعدام برای جرائمی مانند زنای به‌عنف (زمانی که زانیه {زن یا دختری که مورد تعرض قرار گرفته} به ارتکاب رفتار زنا راضی نبوده) زنای محصنه (زمانی که مرد یا زن متأهل مرتکب زنا شود {ماده ۲۲۶ تا ۲۳۰ قانون مجازات} مجازات ایشان رجم= سنگسار است).

ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی برای چهار مورد مجازات اعدام در نظر گرفته: زنا با محارم، زنا با زن پدر (اعدام زانی)، زنای مرد غیرمسلمان با زن مسلمان (اعدام زانی) و زنای به‌عنف.

نکته درخورتوجه اینکه مقنن در ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی در بحث تعزیرات قاعده‌ای را بر مبنای قاعده درء که در حدود جاری است، وضع کرده به این مضمون که:

صرف احراز شک و تردید در وقوع جرم، اصل بر تحقق‌نیافتن جرم بوده، اثبات این امر نیازی به دلیل ندارد. این اصل مانند دیگر اصول دارای استثنائاتی است: سرقت، محاربه، افساد فی‌الارض و قذف (نسبت‌دادن زنا و لواط به دیگری).

امروز برخی قضات کیفری با تأسی از این قاعده پیشرفته دامنه شمول قاعده درء را گسترش داده، چنانچه در برخی جرائم غیرحدی مستند به دلایل مضبوط در پرونده وقوع جرم محل شک و تردید باشد، ضمن توجه به اصل برائت، به این قاعده استناد کرده، حکم بر برائت متهم می‌دهند. با بررسی مبنای شکل‌گیری جرائم اشاره‌شده محرز است که مدعی اصلی اعمال کیفرهای تعریف‌شده برای این دسته از جرائم حاکم شرع یا به عبارتی حکومت است که برخلاف مجازات قصاص که بنا به ماده ۳۸۱ به بعد قانون مجازات حقی است خصوصی؛ بنابراین حاکم شرع یا حکومت حق دخالت در اعمال یا عدول از آن ندارد. بنا بر همین تفاوت است که در مواجهه با برخی پرونده‌ها، فعالان مدنی اقدام به واکنش کرده و در مخالفت با اعمال مجازات اعدام خطاب به حاکمیت و در نقد اعمال چنین کیفری مطالبی انشا می‌کنند؛ هرچند گاهی در برخی پرونده‌های منجر به قصاص نیز این شکل فعالیت‌ها و نقادی‌ها بروز و ظهور دارد؛ اما عمده نقدی که تا به امروز در فضای رسانه و پلتفرم‌های مجازی شاهد بوده‌ایم، مخالفت با مجازات اعدام به‌ویژه زمانی که اعمال این کیفر در راستای اعمال حاکمیتی مانند مفسد فی‌الارض، محاربه و... است، حتی در همین موضوعات نیز گاهی شاهد هستیم که بین شخصی که علیه امنیت ملی یا مصالح عمومی کشور اقدام کرده و رفتار مجرمانه او به دور از مسائل سیاسی و حاکمیتی برای قاطبه جامعه مسلم شده، متفاوت است.

نکته تأمل‌برانگیز در بحث مخالفت با مجازات‌های منجر به سلب حیات اعم از قصاص و اعدام و... برگشت‌ناپذیر بودن این کیفر بر فرض بروز اشتباه در تصمیم قضائی است که همین علت از دیرباز مهم‌ترین و اصلی‌ترین دلیل مخالفان چنین مجازاتی است؛ علاوه‌براین سبب دیگر مخالفت با چنین مجازاتی فلسفه حیات انسان و ضرورت حفظ کرامت انسانی است که با یک تحلیل ساده این‌گونه بیان می‌شود که حیات و جان آدمی موهبتی است الهی؛ پس هیچ مرجع و مقام دنیوی حق ندارد راجع به آن تصمیم بگیرد و تنها استثنای این قاعده را همان بحث قصاص می‌دانند.

پیشخوان Pishkhan.com

در نشست انجمن حمایت از حقوق کودکان به مناسبت سالگرد تصویب کنوانسیون حقوق کودک مطرح شد

پیمان‌نامه حقوق کودک در حاشیه

شکایت انجمن حمایت از کودک از ۳ وزیر در پرونده مسمومیت سریالی مدارس دخترانه

سامان موحدی‌راد: انجمن حمایت از حقوق کودکان به مناسبت سالگرد تصویب کنوانسیون حقوق کودک نشستی را برگزار کرد تا در آن به تأثیر پیمان‌نامه حقوق کودکان در ایران پرداخته شود. در این نشست سه وکیل از وکلایی که با انجمن در پیگیری پرونده‌های حقوق کودک همکاری می‌کنند، سخنرانی کردند. خانم‌ها مونیکا نادی، سارا باقری و آقای یاشار کاظمی سه وکیلی بودند که در این نشست سخنرانی کردند و برخی از پرونده‌های معروف‌شان را با اشاره به پیمان‌نامه حقوق کودک بررسی کردند.

دبیر این نشست فائزه رضازاده بود که مدیر واحد حقوق انجمن حمایت از کودکان است. رضازاده در ابتدای این نشست گفت: کنوانسیون حقوق کودک مقبول‌ترین سند حقوق‌بشری به لحاظ تعداد دولت‌هایی است که به آن پیوسته‌اند. این امر اما به‌سادگی به دست نیامده و به خاطر تنوع و تکثر اجتماعی و فرهنگی کشورها ۱۰ سال طول کشید تا این کنوانسیون در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. جمهوری اسلامی ایران هم در اسفند ۱۳۷۲ به موجب ماده‌واحده‌ای که به تصویب مجلس شورای اسلامی وقت رسید، رسما به این کنوانسیون ملحق شد. از این تاریخ به بعد به حکم ماده ۹ قانون مدنی که اذعان می‌دارد مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است، ما با یک قانون داخلی طرف هستیم. اما از بدو امر، نکته مهم اینجاست که ما با یک حق شرط کلی که اعلام می‌کند در هر مورد و در هر زمان مقررات کنوانسیون با قوانین داخلی یا شرع اسلام در تعارض باشد، ایران مکلف به رعایت مفاد پیمان‌نامه نیست، به این سند بین‌المللی پیوسته‌ایم. در اینجا شما یک جدل گفتمانی جدی را از همان آغاز مشاهده می‌کنید که تا به امروز کم‌وبیش پابرجاست. یعنی ما در قوانین بعدی که قانون حمایت از اطفال و نوجوانان را سال ۱۳۸۱ و بعدتر از آن در سال ۱۳۹۹ مصوب کردیم، در بخش‌هایی سعی کردیم با توجه به واقعیت‌های اجتماعی و فشار جامعه مدنی به مفاد کنوانسیون نزدیک شویم، اما در برخی مفاد مانند تعیین سن کودکی، ازدواج کودکان، سن مسئولیت کیفری و مباحث مرتبط به ابراز آزادانه عقاید، مشارکت کودکان و مواردی از این دست، هنوز این جدل گفتمانی به قوت خودش باقی است و نیازمند تلاش مستمر و جدی در این زمینه هستیم. بخش دیگری که باعث ناهمخوانی با قواعد کنوانسیون می‌شود، به ادله اثبات دعوی و سازوکارهای اجرائی ما برمی‌گردد.

مدیر واحد حقوق انجمن حمایت از کودکان در ادامه گفت: ما برای این موارد خصوصا با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان سال ۱۳۹۹ قانون داریم اما در اجرا با مسائلی روبه‌رو هستیم. مثال قابل اشاره در این زمینه مباحث مربوط به کودک‌آزاری است. مورد آخری که می‌خواهم به آن اشاره کنم بحث سیاست عوام‌گرایی کیفری است. جامعه ما در ادوار مختلف با این مسئله درگیر بوده و در مواقعی به صورت اپیدمی‌هایی در سطح جامعه بروز کرده است. مورد اخیر آن موج جدید افغانستانی‌هراسی است. بر اساس اعلام رسمی کمیساریای عالی پناهندگان، درحال‌حاضر ۴.۵ میلیون افغانستانی با مدارک گوناگون اقامتی در ایران ساکن هستند و اگرچه این آمار تفکیکی نیست، می‌توان تخمین زد تعداد درخور توجهی کودک افغانستانی در ایران حضور دارند که با این رویکرد عوام‌گرایی کیفری در معرض آسیب و نقض حقوق قرار می‌گیرند. بر اساس این مدل، شما به‌جای اتکا بر داده‌های پژوهشی، علمی و میدانی با توجه به تبلیغات رسانه‌ای، نگرش خاصی را دنبال می‌کنید و به هراس جمعی در یک موضوع خاص دامن می‌زنید. این حتما با اصول کنوانسیون ازجمله اصل عدم تبعیض در تناقض است. با این تفاسیر اگرچه کنوانسیون در ماده ۴۱ بحث رجحان ملاک برتر را مدنظر قرار داده، به معنای اینکه اگر کشوری قوانین داخلی یا سند قابل اجرای بین‌المللی دارد که استانداردهای بالاتری را برای کودکان در نظر گرفته است و ارجح می‌داند به مفاد کنوانسیون، برای ما سؤال این است که تا چه اندازه توانسته‌ایم به خود معیارهای کنوانسیون نزدیک شویم.

مجازات‌های سالب حیات برای کودکان

مونیکا نادی، یکی از وکلای انجمن حمایت از حقوق کودکان به عنوان اولین میهمان این نشست به موضوع اعمال مجازات اعدام برای کودکان پرداخت و گفت یکی از موضوعاتی که کمیته حقوق کودک همیشه به ایران ایراد می‌گرفته، مسئله اعمال مجازات اعدام یا مجازات‌های سالب حیات در ایران بود. او در این زمینه می‌گوید: ماده ۳۷ پیمان‌نامه حقوق کودکان به صورت کلی اعدام کودکان را ممنوع اعلام کرده است. درواقع این ماده تصریح کرده که باید به حقوق دفاعی کودکان در این روند اهمیت داده شود. اما اینکه در ایران این ماده از پیمان‌نامه چگونه اجرا می‌شود و در چارچوب قوانین و مقررات ایران رنگ عمل به خود می‌گیرد، موضوعی است که باید درباره آن صحبت کنیم. در ایران قوانین در سال‌های اخیر دستخوش تغییراتی شده است. ۱۰ سال پیش قانون مجازات اسلامی جدید تصویب شد و طی ماده ۹۱ این قانون این امکان ایجاد شد که مجازات‌های سالب حیات برای کودکان محدود شود. تا قبل از سال ۱۳۹۲ وضعیت چنین بود که همه کودکانی که از نظر قانونی بالغ شده بودند، با انجام اعمال مستوجب اعدام، در اجرای این حکم قرار می‌گرفتند، مگر در موارد خیلی خاص.

این وکیل دادگستری در ادامه می‌گوید در سال ۱۳۹۲ و ذیل این اتفاق فرصتی فراهم شد تا شرایط ارتکاب جرم کودکان بررسی شود. البته قانون‌گذار برای این بررسی سه شرط قائل شد. درواقع با داشتن یکی از سه شرط شبهه در رشد یا کمال عقلی کودک، دیگری عدم درک ماهیت عمل و سوم عدم درک حرمت جرم اجرای مجازات‌های سالب حیات برای کودکان منتفی می‌شود. به طور خلاصه می‌توان گفت در ماده ۹۱ به صورت کلی مجازات اعدام برای کودکان منتفی نشده اما با در نظر گرفتن سه شرط بیان‌شده امکان منتفی‌شدن مجازات برای برخی کودکان فراهم شده است. به‌این‌ترتیب ما در این زمینه یک قدم به جلو برداشتیم. البته به عنوان یک تذکر باید بگویم که در دادگاه‌ها به صورت کلی پیمان‌نامه کودک به‌ندرت مورد استناد قرار می‌گیرد و جز برخی قضات خاص دیده نمی‌شود که در حکمی ذکر شود با استناد به این حکم پیمان‌نامه این حکم صادر شده است.

مونیکا نادی در ادامه یکی از پرونده‌های قدیمی‌اش در این زمینه را تشریح کرد و گفت در پرونده‌ای کودکی در ایران که کارگر کشتارگاه بوده فرد دیگری را که مدعی بوده به او تجاوز کرده، با خشونت زیاد و به شیوه‌ای که روزانه احشام را در کشتارگاه می‌کشته به قتل رسانده بود.

در بررسی‌های حقوقی این پرونده با اعمال همین ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ابتدا شرایط رشد عقلی او بررسی شد. پزشکی قانونی با معاینه این کودک اعلام کرد که او «اخلال عمده روان‌شناسی ندارد ولی امکان اظهارنظر درباره رشد و کمال عقلی او در زمان ارتکاب جرم مقدور نمی‌باشد». پس تا اینجا یک اظهارنظر مبهم پزشکی قانونی داریم. بااین‌حال رأی بدوی برای این پرونده از سوی قاضی قصاص بود. در رأی آمده بود: «با توجه به تحقیقات انجام‌شده درباره نحوه ارتکاب قتل و نظریه پزشکی قانونی، نام‌برده دارای رشد و کمال عقلی دانسته و حکم قصاص نفس صادر می‌شود».

مونیکا نادی در ادامه گفت: یعنی در این حکم نحوه خشن ارتکاب قتل را دلیل بر رشد عقلی کودک دانستند اما این نکته مغفول بوده که به دلیل کار از سنین خردسالی در کشتارگاه در آن لحظه فعلی را انجام داده که روزانه چندین بار انجام می‌داده و برای او درونی شده بود. درمجموع یکی از ایرادات مطرح‌شده شبهه در رشد و کمال عقلی این کودک بود. همچنین دیوان دستور داد تا درباره ادعای تجاوز تحقیق شود. مسئله‌ای که در دادگاه اساسا به آن توجه نشده بود.

دیوان نقض تحقیقات گرفت و بار دوم حکم اعدام را نقض و اعلام کرد که در «درک حرمت عمل» شبهه وجود دارد و نظر پزشکی قانونی باید به نفع متهم تفسیر شود و برای این کودک با شرایط و پیش‌زمینه‌هایی که داشته، تحصیل علم درباره عملش ممکن نبوده است. در این حکم به ماده ۳۷ پیمان‌نامه حقوق کودک هم صراحتا استناد شده است و در نهایت این کودک حکم قصاصش نقض شد.

بررسی پرونده تعرض به دانش‌آموزان

سارا باقری، دیگر وکیلی است که در این نشست سخنرانی کرد. او صحبت‌هایش را در زمینه حق تحصیل و آموزش کودکان آغاز کرد و آن را با بررسی یک پرونده قدیمی در زمینه تجاوز و تعرض یکی از عوامل مدرسه‌ای به بچه‌های یک کلاس ادامه داد.

او ابتدا به پیمان‌نامه اشاره کرد و گفت: در مواد ۲۸ و ۲۹۶ پیمان‌نامه حقوق کودک به حق برخورداری کودکان از آموزش رایگان اشاره شده است. همچنین اشاره شده که زمینه‌های رشد شخصیت، استعدادها و توانایی‌های جسمی و ذهنی کودک تا حد امکان فراهم شود. اگرچه این موارد خیلی زیبا و شکیل هستند اما آنچه در عمل اتفاق می‌افتد کمی متفاوت است.

این وکیل حوزه کودکان در ادامه بحث تجاوز و تعرض به دانش‌آموزان ۹ساله یک مدرسه در یکی از شهرستان‌های ایران را پیش کشید و گفت که در یک مدرسه دانش‌آموزان یک کلاس توسط فردی مرتبط با انجمن اولیا و مربیان به مدت یک ماه و نیم از ابتدای سال تحصیلی مورد تجاوز و تعرض قرار می‌گرفتند. موارد مختلفی از اقدام مجرمانه در این پرونده وجود داشت و به برخی از بچه‌ها تجاوز صورت گرفت. همچنین این فرد برخی تصاویر مستهجن را هم به کودکان نشان می‌داد. بعد از یک ماه و نیم و با رفتارهایی که کودکان از خود نشان می‌دادند والدین به این مسئله مشکوک شدند و نهایتا این فرد ضمن عذرخواهی اعلام کرد که «رفتارهای اشتباهی» در این زمینه صورت گرفته. بعد از این پرونده قضائی تشکیل شد و این فرد به بازداشتگاه ارجاع داده شد.

سارا باقری در ادامه می‌گوید در این پرونده هم آموزش و پرورش درگیر بود و هم سیستم قضائی و با هر دو نهاد هم چالش‌هایی داشتیم که در ادامه بیان می‌کنم.

اتهامات این فرد در مرحله دادسرا «ایجاد مزاحمت برای اطفال و کودک‌آزاری» و «تشویق و تحریک به انحرافات جنسی و تسهیل دسترسی به محتویات مستهجن از طریق نشان‌دادن تصاویر مستهجن و مبتذل به اطفال» عنوان شد. در این پرونده تجاوز این فرد اثبات نشد چون در مقاطع مختلفی طی آن یک ماه و نیم انجام شده بود و بچه‌ها هم ترسیده بودند در آن زمان به خانواده‌ها اعلام کنند و پزشکی قانونی هم نتوانست تأیید کند اما آسیب‌های جسمی به‌ویژه در قسمت پشت بدن بچه‌ها مشهود بود و تأیید شد.

سارا باقری در بخش دیگری می‌گوید یکی از اتفاقات این پرونده این بود که در چند مقطع کودکان ۹ساله به دادگاه فراخوانده شدند و از آنها خواستند تا این ماجرا و اتفاقات را شرح دهند. نحوه برخورد قضات با این بچه‌ها بسیار بد بود و بسیاری از آنها شرایط خاص کودکان را در نظر نمی‌گرفتند و از آنها درباره آسیب‌ها و تروماهای این حادثه سؤال می‌پرسیدند. این مسئله به تنهایی نقض حقوق کودک بود و این بچه‌ها در این پروسه مورد آسیب و آزار قرار گرفتند.

سارا باقری در پایان گفت که اگر اتهامات اولیه این فرد در نظر گرفته می‌شد نهایتا سه یا چهار سال مجازات برای او تعیین می‌شد اما در ادامه ما جرم آدم‌ربایی را مطرح کردیم و دادگاه با اشاره به این جرم مجازات سنگین‌تری برای او در نظر گرفت. موضوع دیگر در این پرونده برخورد آموزش و پرورش با این ماجراست. آموزش و پرورش بسیار تلاش می‌کرد که این اتفاق نادیده گرفته شود و مدام ما را به بزرگ‌نمایی متهم می‌کرد. باید بگویم آموزش و پرورش نسبت به این حادثه احساس مسئولیت بسیار پایینی داشت. در نهایت هم مدیر آن مدرسه از مدرسه محل حادثه به مدرسه دیگری منتقل شد.

پیگیری پرونده مسمومیت‌های سریالی مدارس

یاشار کاظمی، یکی از وکلایی که با انجمن حمایت از حقوق کودکان همکاری می‌کند، در این نشست به بررسی حقوق عامه با در نظر گرفتن کنوانسیون حقوق کودک و رویه قضائی در ایران پرداخت. او در ابتدا با تعریفی از حقوق عامه گفت: انسان به صورت فردی آزاد و خودمختار است، اما وقتی اجتماع‌پذیر می‌شود در قبال دریافت برخی خدمات اجتماعی یا حقوقی برخی از آزادی‌هایش را از دست می‌دهد. اصطلاحا به این حقوقی که در قبال ازدست‌دادن برخی از آزادی‌هایش به دست می‌آورد حقوق عامه یا حقوق ملت بر حاکمیت گفته می‌شود.

او در ادامه این توضیحات می‌گوید که حقوق عامه در دو دسته حقوق شهروندی و حقوق عمومی دسته‌بندی می‌شود. در حقوق شهروندی با حقوق ذاتی، انسانی و بشری طرف هستیم. هدف حقوق شهروندی هم تأمین کرامت ذاتی و انسانی شهروندان است. اما در حقوق عمومی ما روابط دولت و کارگزارانش را با شهروندان و برعکس بررسی می‌کنیم. هدف حقوق حفظ نظم عمومی و ارتقای امنیت اجتماعی جامعه است.

در ایران حقوق عامه ذیل یک دستورالعمل توضیح داده شده است. دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه در ماده یک بیان می‌کند که «حقوق عامه حقوقی است که در قانون اساسی و قوانین موضوعه ثابت است و عدم اجرا یا نقض آن افراد جامعه را در معرض آسیب یا خطر قرار می‌دهد».

در بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی به حقوق عامه اشاره می‌کند که رسالت قوه قضائیه است. مواد ۲۲، ۲۹۰ و ۲۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری هم به حقوق عمومی و حقوق عامه اشاره کرده است. ما در همین‌جا متوجه یک سردرگمی می‌شویم چون در این چهار ماده قانونی دو بار به «حقوق عمومی» اشاره شده و دو بار هم به «حقوق عامه» که نشان‌دهنده سردرگمی در قانون‌گذاری در این مسیر است.

در قانون اساسی ایران از اصول ۱۹ تا ۴۲ با عنوان «حقوق ملت» به حقوق عامه شهروندان اشاره شده که مواردش برای همه آشناست و مواردی همچون حق آموزش رایگان، خدمات بهداشتی، دادگاه‌های صالح و رسیدگی عادلانه در دادگاه و مواردی از این دست است. کاظمی با ذکر این موارد به قانون «حمایت از اطفال و نوجوانان» در ایران اشاره کرد که در سال ۱۳۹۹ تصویب شده که در آنجا هم در چند ماده موارد در خطر قرارگرفتن بچه‌ها را بررسی کرده است. از این‌رو اگر از منظر حقوق عامه بخواهیم به قانون «حمایت از اطفال و نوجوانان» نگاه کنیم، باید به مواردی بپردازیم که بچه‌ها در معرض خطر و آسیب قرار دارند. بررسی کنوانسیون حقوق کودک هم نشان می‌دهد که از منظر حقوق شهروندی به حقوق عامه توجه کرده است.

یاشار کاظمی با این توضیحات عنوان کرد اگر بخواهیم به یک مورد در این زمینه اشاره کنیم، می‌توانیم به ماجرای مسمومیت‌های سریالی سال گذشته مدارس دخترانه اشاره کنیم که افکار عمومی را هم به‌شدت درگیر کرد. او در ادامه می‌گوید: در سال گذشته به صورت روزانه، بعضا چند مورد در روز، شاهد مسمومیت در مدارس دخترانه بودیم و این اتفاق دانش‌آموزان، خانواده‌ها و جامعه را درگیر کرد. این روند در سال تحصیلی گذشته ادامه داشت تا اینکه در اسفند رهبری اعلام کردند این یک جنایت است. ادامه این روند موجب شد تا انجمن تصمیم بگیرد که به عنوان قدیمی‌ترین سازمان مردم‌نهاد در زمینه حقوق کودکان وارد این پرونده شود.

یاشار کاظمی در ادامه فرایند ورود انجمن به این پرونده را چنین شرح می‌دهد: از آنجایی که پرونده در جریان است از گفتن جزئیات پرهیز می‌کنم ولی به صورت کلی اگر بخواهم بگویم انجمن شکایتی را در زمینه مسمومیت‌های مدارس دخترانه از سه وزیر (یک وزیر سابق و دو وزیر فعلی) در دستگاه قضائی مطرح کرد. یکی از چالش‌ها در این مسیر عدم مطالبه‌گری خانواده‌ها بود که کسی به یاری انجمن نیامد تا با در اختیار قراردادن اسناد و مدارک به روند دادرسی کمک کند. برای همین انجمن مجبور شد به رسانه‌های داخلی برای مستندسازی مراجعه کند. در مجموع انجمن شکایتی را بر اساس این مستندات و مصاحبه‌های وزرا و برخی مقامات در رسانه‌های رسمی از سه وزیر انجام داد که پرونده‌ای در دادگاه کارکنان دولت ایجاد شد. برخلاف اینکه انجمن یک شکایت کامل با مستندات و اشاره به کنوانسیون حقوق کودک و قوانین داخلی انجام داده بود، متأسفانه در مرحله مقدماتی دستور منع تعقیب صادر شد. در حکم این عبارت عینا آمده است: «با توجه به اینکه اساسا قصور در انجام وظیفه قانونی که نوعی ترک فعل می‌باشد در قوانین کیفری جرم‌انگاری نشده و... قرار منع تعقیب صادر شد».

انجمن به این قرار صادرشده اعتراض کرد و دادگاه در مقام رسیدگی به اعتراض وکلای انجمن و مدیرعامل را دعوت کرد. از طرف مقابل هم وزرا علی‌رغم ابلاغ به آنها نه خودشان حاضر شدند و نه نماینده قانونی معرفی کردند و نه حتی لایحه‌ای به دادگاه ارسال کردند. خوشبختانه در آنجا دادگاه تمامی حرف‌های یک طرف را شنید و ضمن نقض قرار منع تعقیب دادسرا دستور تحقیقات تکمیلی را صادر کردند تا بعدا در اختیار دادگاه قرار بگیرد. فعلا در این مرحله قرار داریم که دستور تحقیقات صادر شده است.

یاشار کاظمی در بخش پایانی صحبت‌هایش به مسئله عدم مطالبه‌گری خانواده‌ها اشاره کرد و گفت که خانواده‌ای در این زمینه به انجمن مراجعه نکرد و مستنداتی در اختیار ما قرار نداد و اگر مطالبه‌گری هم صورت گرفته در فضای مجازی بوده نه فضای واقعی و انجمن هم بر اساس اخبار و مستندات فضای عمومی شکایتش را مطرح کرد.

جدول ۴۶۴۶ • طراح: بیژن گورانی

افقی:
۱- کشتی حمل سوخت‌های مایع- وسط- جواهرنشان ۲- لبریز- رودی در مرز روسیه و چین- داخل ۳- درخت انگور- جرایم جنسی- متنفر و بیزار ۴- شیرینی خامه‌ای لوله‌شده- جانشین وضو- رودخانه‌ها ۵- رمق آخر- نامی پسرانه- سالی که مبنای آن گردش ماه به دور زمین است- ارجمندی ۶- از گونه‌های انفرادی اجرای نمایش در ایران- صاحب شغل و مقام- ترتیب ۷- از تیم‌های فوتبال باشگاهی ایتالیا- مقابل عمدی- یکی از سه حالت ماده ۸- مهاجم تیم فوتبال استقلال ۹- ظرف طبخ چای- مطلب، مقوله- پیشی‌گرفتن ۱۰- عقیده- مخترع پیل الکتریکی- اصطلاحی در فوتبال ۱۱- پیش‌درآمد آشغال- از صنایع دستی زنجان- ایستاده و بی‌حرکت- تکرار یک حرف ۱۲- تپش قلب- قبض- نام مادر حضرت مهدی(عج) ۱۳- آلودگی و ناپاکی- غیرممکن- از گناهان کبیره ۱۴- عروس آذری- امانتداران- زخمی ۱۵- اشتباه لفظی یا رفتاری- گلی زینتی- اقامت‌گزیدن

عمودی:
۱- گلی زیبا- نابودشدن- مزه دهان جمع‌کن ۲- کثرت- ورزش آبی هفت‌نفره ۳- گردهم‌آمدن- پرنده‌ای خوش‌آواز- مجوز ورود به سینما ۴- کار ناتمام- معامله پایاپای- برای بهترشدن طعم غذا افزوده می‌شود ۵- بزرگواری- نیم‌گرم- خودروی باربری کوچک ۶- قطعی- دورنگ- خط‌الرأس کوه ۷- خودرو- عضو مجلس سنا- ضمیر جمع ۸- کبوتر صحرایی- صمغ برخی درختان- اسب زردرنگ ۹- ضمیر غایب- ایستادگی و پایداری- از انواع خطوط شش‌گانه اسلامی ۱۰- لطیف- بیمار- خدمتکار پیر ۱۱- سنگ قپان- رود جاری در خراسان شمالی- فلج ۱۲- اهل مازندران- وول‌خوردن- بالابر ماشین ۱۳- آزرده- پیدا نمی‌شود- ذخیره ۱۴- نخست‌وزیر عصر قاجار- آلبومی با آواز محمدرضا شجریان ۱۵- نیم‌صدای درازگوش- از درجات سپاه پاسداران- اندازه سطح

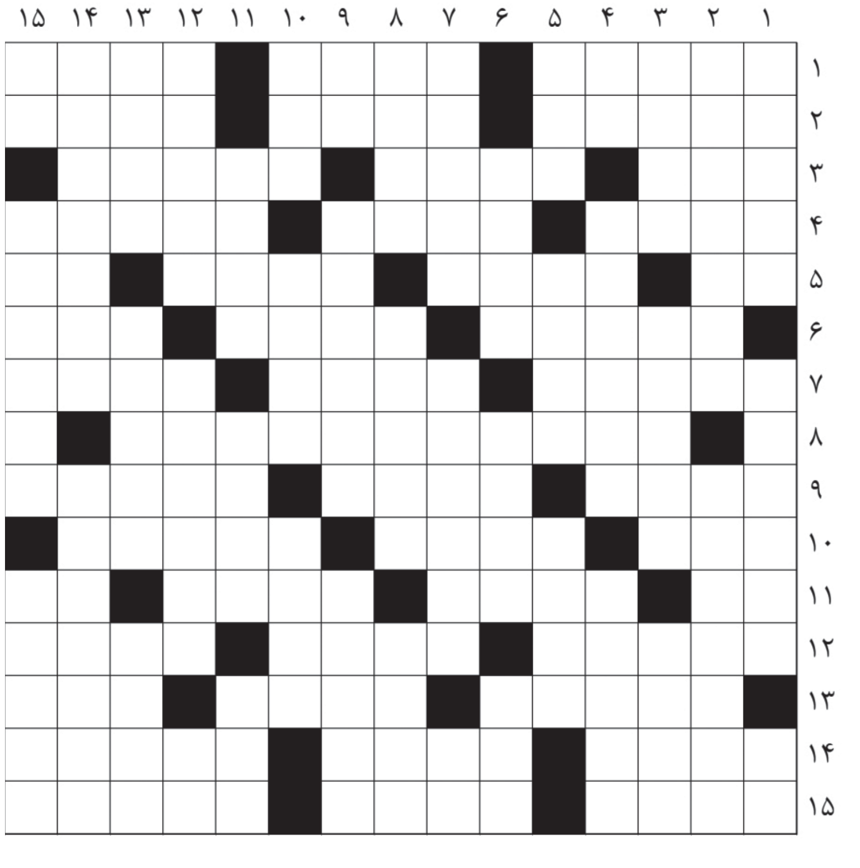

حل جدول ۴۶۴۵

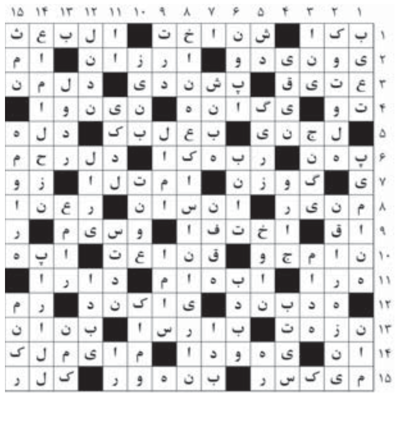

حل سودوکو سخت

۳	۸	۵	۴	۶	۷	۹	۱	۲
۶	۷	۹	۲	۱	۵	۴	۸	۳
۲	۴	۱	۸	۳	۹	۷	۵	۶
۱	۵	۳	۷	۹	۶	۸	۲	۴
۸	۶	۲	۳	۴	۱	۵	۹	۷
۴	۹	۷	۵	۲	۸	۶	۳	۱
۵	۳	۶	۱	۸	۴	۲	۷	۹
۹	۲	۸	۶	۷	۳	۱	۴	۵
۷	۱	۴	۹	۵	۲	۳	۶	۸

حل سودوکو ۳۶۴۱

۱	۵	۴	۲	۷	۶	۳	۸	۹
۹	۸	۳	۴	۱	۵	۲	۷	۶
۲	۷	۶	۹	۳	۸	۵	۱	۴
۷	۴	۹	۵	۶	۳	۸	۲	۱
۸	۲	۵	۷	۹	۱	۴	۶	۳
۳	۶	۱	۸	۲	۴	۹	۵	۷
۵	۳	۸	۱	۴	۷	۶	۹	۲
۴	۱	۲	۶	۸	۹	۷	۳	۵
۶	۹	۷	۳	۵	۲	۱	۴	۸

سودوکو سخت ۳۶۴۲

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۸	۴	۵				۱	۷	
					۵			
						۲	۹	
۵				۴	۷	۹	۸	
	۷	۹	۳	۶				۴
	۱	۶						
			۹					
	۹	۳				۸	۵	۷

سودوکو ساده ۳۶۴۲

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو
سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

					۹	۱	۸	۲
			۶		۲			۵
				۷	۸		۴	۶
		۴					۲	۷
۲				۳				۱
۶	۸					۹		
۸	۵		۱	۹				
۱			۴		۷			
۷	۴	۶	۲					

پیشخوان Pishkhan.com

چه کسی نمی‌خواهد فهرست آنهایی که اتوموبیل خارجی وارد کرده‌اند منتشر شود

اسم ممنوعه در فهرست حواله واردات خودرو؟

عکس: Reuters

سجاد فیروزی: چندصباحی می‌شود که سبک مدیریتی تعدادی از مسئولان ایرانی دستخوش تغییر و تحول شده است. فارغ از شایستگی یا داشتن صلاحیت لازم برای نشستن روی صندلی مدیریت یک مجموعه یا مؤسسه، ظاهرا قانون نانوشته‌ای در اختیار این دست از مسئولان قرار گرفته که از آنها خواسته تا با سکوت، اجازه دهند حافظه کوتاه‌مدت مخاطبانِ پرسشگر، راه فراموشی برگزینند. بدون پرداختن به جزئیات بیشتر در این زمینه که قاعدتا وسعتش بسیار زیادتر از محدودشدن به یکی دو عرصه است، کافی است همین فرمول در ماجرای اهدای حواله خودرو به بازیکنان تیم ملی که پاداش آنها برای رسیدن به جام جهانی ۲۰۲۲ قطر بود، ارزیابی شود. تیم ملی ایران در این مسیر با مارک ویلموتس به روزهای سختی رسید ولی سپس دراگان اسکوچیچ کروات که کسی کمترین انتظاری از او نداشت، از راه رسید و تیم ملی را به جام جهانی رساند. آن روزها دولت به دلیل آنچه گفته پیش از این عرف بوده و سابقه داشته، برای قدردانی و پاداش، به آنهایی که در این مسیر نقش داشته‌اند اجازه واردات خودرو خارجی بدون قیدوبندهای قانونی را داد. این موضوع اگرچه در بین ورزشی‌ها تبدیل به جنجالی خبری شد و بسیاری از ورزشکاران غیرفوتبالی از این تبعیض گسترده صحبت کردند ولی اصل ماجرا فراموش شد. بدون درنظرگرفتن این بخش که آیا چنین امتیازاتی که در اختیار فوتبالی‌ها قرار گرفته رانت است یا آنها مستحق دریافت چنین پاداشی هستند، باید به شایعات خطرناک درمورد همین پدیده توجه بیشتری کرد. شایعاتی که خبر می‌دهد قریب به ۱۴ نفر دیگر که هیچ ارتباطی با صعود تیم ملی ایران به جام جهانی نداشته‌اند از این فرصت استفاده کرده و آنها هم خودروی خارجی وارد کرده‌اند. سودی که تعدادی از بازیکنان تیم ملی از این واردات نصیبشان شده، طبق گفته یکی از آنها، تا ۸۰ میلیارد تومان هم برآورد شده است. ناگفته پیداست اگر شایعات مربوط به افراد غیرمرتبط که آنها هم در این زمینه ذی‌نفع شده‌اند درست از آب دربیاید، با یک ضرب و تقسیم ساده می‌شود رانتی را که در اختیار این افراد قرار گرفته، تعیین کرد. نکته عجیب اینکه مسئولان امر با توجه به همان فرمول اخیر که در پاسخ به ابهامات سکوت کرده‌اند، این شایعات را بدون پاسخ گذاشته و امید زیادی دارند جامعه مخاطب، این موضوع را هم مثل بسیاری دیگر از موارد به دست فراموشی بسپرد. با وجود این از آنجا که حجم صورت‌گرفته در این رانت فراتر از یک داستان ساده است، مسئله به این سادگی‌ها قابل فراموشی نیست. از همان زمان عنوان شده که تعدادی از این افراد که بی‌ارتباط با فوتبال و صعود تیم ملی به جام جهانی بوده‌اند به طرق مختلف به تعدادی از مسئولان وصل شده‌اند. عدم شفاف‌سازی در این مورد هم باعث شده تا گمانه‌زنی‌ها روز به روز بیشتر شود. اینکه مشخصا فهرست افرادی که حواله خودرو دریافت کرده و اتومبیل‌های لوکس خارجی را وارد کرده‌اند منتشر نشده، به این شایعه دامن زده که تعدادی از این اسامی نباید منتشر شود. دقیقا به همین دلیل است که ظاهرا دستی در کار است تا آنهایی که از این سفره پهن‌شده، غیرمرتبط سود برده‌اند، مشخص نشوند. پرسشی که در این میان بدون درنظرگرفتن جوانب مختلف مطرح می‌شود این است که اگر اسم ممنوعه‌ای در این بین وجود ندارد چه اصراری بر عدم شفافیت در این پرونده است. این اتفاق در حالی رخ داده که دولت ابراهیم رئیسی بارها و به طرق مختلف مدعی شفافیت شده ولی مشخص نیست چرا در این پرونده به ظاهر ورزشی، اهمال صورت گرفته و گویا همتی در کار است تا فهرست همه آنهایی که حواله خودرو دریافت کرده‌اند منتشر نشود. شاید برای یادآوری درباره وعده‌های ابراهیم رئیسی مرور بخشی از اظهارات او که مربوط به مرداد ۱۴۰۰ است بد نباشد. او در دومین بخش از سخنان جلسه بررسی صلاحیت وزیران پیشنهادی در آن برهه به صراحت به شفاف‌سازی دولت اشاره کرده و گفته بود: «شفاف‌سازی جزء برنامه‌های دولت است و اعتماد آسیب‌دیده مردم باید بازسازی شود». ابراهیم رئیسی همچنین گفته بود «معتقدیم بخش‌هایی را نمی‌شود بیان کرد، مثل حوزه مسائل امنیتی، اما مسائل اقتصادی، بسیاری بخش‌هایش باید پشت ویترین قرار بگیرد. شفاف‌سازی می‌تواند هم به سلامت دولت، هم به نظارت ملی و هم به نظارت نمایندگان ملت کمک کند. به شفاف‌سازی عقیده دارم و این را ان‌شاءالله در بخش‌های خودش اعلام خواهیم کرد. ازجمله شفاف‌سازی‌هایی که می‌تواند سامانه جامعی را راه‌اندازی کند، بین بخش‌های اقتصادی، بنادر، گمرکات، وزارت اقتصاد و دارایی، مالیات و سیستم بانکی است. یعنی یک سامانه جامعی که اگر فعال شود از بسیاری از کاستی‌ها پیشگیری خواهد کرد و این شفافیت، هم برای مردم، کارآفرینان، سرمایه‌گذاران، صادرکنندگان و واردکنندگان امر را تسهیل می‌کند و هم برای ناظرین که بهترین ناظرین در مجلس شورای اسلامی هستند. همچنین برای دیوان محاسبات و سازمان بازرسی امر را تسهیل می‌کند و از اقداماتی است که حتما در دولت نسبت به آن پیگیری و اقدام خواهد شد». واضح است که خواست مردمی برای انتشار کامل فهرست افرادی که حواله خودرو را به بهانه حضور تیم ملی ایران در جام جهانی دریافت کرده‌اند شامل حوزه امنیتی نمی‌شود و اتفاقا ارتباط مستقیمی با سایر حوزه‌هایی دارد که ابراهیم رئیسی تأکید کرده بود حتما باید درباره آنها شفاف‌سازی شود. مشخص نیست مسئول انتشار این فهرست کدام نهاد است ولی از آنجا که فدراسیون فوتبال و وزارت ورزش منفعل نشان داده و درخواست‌ها را بدون پاسخ گذاشته‌اند، لازم است که دولت، برای اعتباربخشیدن به اظهارات رئیسش هم که شده، در این زمینه شفاف‌سازی لازم را صورت دهد تا حداقل بنا بر ادعای صورت‌گرفته، اعتماد مردم بیش از گذشته از بین نرود.

حذف نوجوانان ایران از جام جهانی زیر ۱۷ساله‌ها

سندرم دقیقه ۹۰

ماجراجویی تیم نوجوانان ایران در جام جهانی زیر ۱۷ساله‌های اندونزی به پایان رسید. این تیم که امید زیادی به آن می‌رفت تا دست‌کم یک مرحله بالاتر برود، روز گذشته در تقابل با تیم نه چندان قدرتمند مراکش در ضربات پنالتی شکست خورد و از گردونه جام کنار رفت. شاگردان حسین عبدی که در یک‌هشتم نهایی به مصاف صدرنشین گروه A رفته بودند در نیمه نخست نمایش درخورتوجهی داشتند و حتی ابتدا به گل اول هم رسیدند ولی هرچه زمان جلوتر رفت، این تیم عقب نشست تا اینکه سرانجام در وقت‌های اضافی بازی، در شرایطی که بیش از ۹۰ دقیقه از زمان بازی گذشته بود، مراکش گل مساوی را زد و کار را به ضربات پنالتی کشاند. در ضربات پنالتی هم ایران شکست خورد. تیم نوجوانان که پیش از این از گروه مرگ صعود کرده و تا حدودی قدرت‌نمایی کرده بود برای دومین بار در این جام دچار سندرم دقیقه ۹۰ شد؛ آنها پیش از این در مرحله گروهی و در جدال برابر انگلیس هم درحالی‌که یک بر صفر جلو افتاده بودند در ثانیه‌های پایانی گل دوم را خوردند و بازی برده را با شکست عوض کردند. این سندرم در حالی نوجوانان ایران را دچار کرده که پیش از این در سطوح حرفه‌ای و در سایر رشته‌ها، خاصه کشتی، گریبان ورزشکاران را گرفته است. چندی پیش در رقابت‌های جهانی بلگراد بود که تعدادی از کشتی‌گیران ایرانی در شرایطی که فاصله چندانی با برتری نداشتند در ثانیه‌های پایانی شکست خورده و از رسیدن به مراحل بالاتر باز ماندند. به نظر می‌رسد این موضوع که ارتباط مستقیمی با تمرکز بازیکنان دارد، اگر حل نشود، در مقاطع حساس اثر منفی‌اش را بیش از پیش بگذارد. به هر روی، نوجوانان ایران که پیش از این با اعتمادبه‌نفس بالای حسین عبدی، از لحاظ آماده‌سازی ذهنی برای قهرمانی در جهان مهیا شده بودند، در یک‌هشتم نهایی شکست خوردند تا این ناکامی، تکراری شود. به غیر از یک بار، نوجوانان ایران هربار که در جام‌های جهانی حاضر شده بودند از مرحله گروهی صعود کرده بودند و به غیر از یک بار، تماما در همین مرحله یک‌هشتم نهایی از گردونه بازی‌ها کنار رفتند. تیم نوجوانان فقط یک بار با عباس چمنیان طعم حضور در مرحله یک‌چهارم نهایی جام جهانی را چشیده بود.

نوار بردهای تیم ملی پاره شد

شوک تاشکند به قلعه‌نویی

تیم ملی فوتبال ایران شب گذشته در دومین دیدار از مرحله انتخابی جام جهانی در تاشکند به مصاف ازبکستان رفت که این بازی نهایتا با دو گلی که رامین رضاییان و مهدی طارمی برای ایران به ثمر رساندند با نتیجه مساوی ۲-۲ به پایان رسید. این تساوی در حالی رقم خورد که ایران در نیمه نخست با دو گل از رقیب پیش افتاد ولی در نیمه دوم توپ و میدان را در اختیار میزبان گذاشت تا بازی مساوی شود. با این نتیجه نوار بردهای متوالی تیم ملی ایران با امیر قلعه‌نویی پاره شد. تیم ملی در عصری که قلعه‌نویی سرمربیگری آن را بر عهده گرفته تا به الان شکستی نداشته است. این مربی در دیدار اول مقابل روسیه در دیداری تدارکاتی مساوی کرد ولی پس از آن تا قبل از همین بازی شب گذشته، ۹ برد متوالی به دست آورده بود. بازی با ازبکستان یکی از آن معدود دیدارهای رسمی بود که امیر قلعه‌نویی باید در قالب سرمربی تیم ملی به مصاف حریف می‌رفت ولی کار برایش سخت شد و نتوانست دهمین برد متوالی را به نام خودش ثبت کند. اگرچه این امتیاز ایران را همچنان بالاتر از ازبکستان در جدول قرار می‌دهد ولی شیوه بازی تیم ملی در نیمه دوم نگران‌کننده بود. نکته مثبت در این بین ولی حفظ آمار خوب ایران در تقابل با ازبکستان در نبردهای رودرروست؛ این دیدار سیزدهمین تقابل بین ایران و ازبکستان بود که دومین تساوی آنها را در پی داشت. پیش از این ایران ۱۰ برد، یک تساوی و تنها یک شکست مقابل ازبکستان ثبت کرده بود. نکته قابل توجه اینکه تنها شکست ایران برابر ازبکستان هم در عصر کی‌روش و در ورزشگاه آزادی رقم خورد. ایران پیش از این هم در ازبکستان به این رقیب نباخته بود که حالا با ثبت همین تساوی، این روند هم ادامه پیدا کرد. ازبکستان اما با سرچکو کاتانتس نشان داد که مسیر رو به پیشرفتی دارد. آنها چند وقت پیش در دیداری تدارکاتی در فینال کافا به ایران باخته بودند ولی این سرمربی مشهور در نیمه دوم با یک بازی‌خوانی منظم، ماشین تیم ملی ایران را از کار انداخت. سرچکو شب گذشته برای ششمین مرتبه مقابل ایران صف‌آرایی کرد و دومین تساوی‌اش را ثبت کرد. پیش از این او برابر ایران در قالب تیم‌های مختلف یک برد، سه باخت و یک تساوی ثبت کرده بود. او پیش‌تر با عراق توانسته بود ایران مارک ویلموتس را شکست دهد.

اخبار برگزیده

واکنش ثریا آقایی به خداحافظی از بازی: هم می‌توان گفت بله و هم خیر!

دختر بدمینتون‌باز المپیکی گفت: خیلی دوست ندارم بگویم خداحافظی کرده‌ام؛ چون سن من آن‌قدر نیست که به خداحافظی رسمی فکر کنم و تنها هدفم اکنون این است که تجربیاتم را به دیگران منتقل کنم. ثریا آقایی در گفت‌وگو با ایسنا، درباره دعوت به کمپ AOP (پروژه المپیک آسیا) به‌عنوان مربی، گفت: از سال ۲۰۱۳ به‌عنوان بازیکن در کمپ AOP (پروژه المپیک آسیا) حضور داشتم. هدف این کمپ حضور بیشتر بازیکنان آسیایی در المپیک است. خدا را شکر که توانستم در نهایت با کسب سهمیه المپیک جزء افراد موفق در تیم آسیا باشم. خوشبختانه اکنون هم خبر رسیده که من را به‌عنوان مربی برای این کمپ خواسته‌اند. در این دوره می‌توانم تجربیات فنی خود را در اختیار دیگران قرار دهم و در کنار مربیان بزرگی که در این کمپ هستند، تجربه کسب کنم که افتخار بزرگی برای من است. دختر بدمینتون‌باز المپیکی ایران در پاسخ به این سؤال که آیا بازیکنی هم در این دوره در کمپ AOP آسیا حضور دارد؟ گفت: در دوره قبلی که مبینا ندایی و نیما رستم‌پور در این کمپ بودند؛ اما در این دوره نمی‌دانم چند بازیکن از ایران حضور خواهند داشت. تنها می‌دانم که بازیکنانی از ایران جزء این کمپ آسیایی هستند. آقایی درباره اهداف و برنامه‌های پیش‌رویش گفت: فعلا من بازیکنانی را که برای المپیک تلاش می‌کنند، کمک و راهنمایی می‌کنم. شاگردهایی هم در ایران دارم که با آنها کار می‌کنم. مسابقات دهه فجر را هم پیش‌رو داریم و قرار است با هماهنگی فدراسیون به بازیکنان ملی جوانان و بزرگسالان کمک کنم تا بتوانند بهترین نتیجه را بگیرند. کلا هدفم بعد از المپیک همین بود که بتوانم تجربیاتم را در اختیار دیگران قرار دهم و برای بازیکنانی که برای المپیک تلاش می‌کنند، تأثیر داشته باشم تا راه المپیک را میانبر بزنند و این بزرگ‌ترین هدف و انگیزه من بوده است. او در پاسخ به این سؤال که آیا به‌عنوان مربی تیم ملی فعالیت می‌کند، گفت: من هنوز درگیر بازی‌کردن هستم و به طور رسمی از تیم ملی خداحافظی نکرده‌ام. به دلیل آسیب‌دیدگی بازی نمی‌کنم و به‌همین‌دلیل به‌عنوان کمک در کنار مربیان ملی فعالیت می‌کنم. از طرف دیگر ما مربیان باتجربه و پیش‌کسوت زیادی مانند خانم‌ها جلالیان، مهدوی و امیری‌پور داریم. با توجه به همه اینها به آن شکل در فدراسیون مربی نبودم؛ اما شاید در آینده در این جایگاه قرار بگیرم. اکنون بیشتر به‌عنوان کمک فعال هستم. ثریا آقایی در پاسخ به این سؤال که آیا اکنون به طور رسمی از دنیای بازیکنی خداحافظی کرده است؟ گفت: اکنون آسیبم خیلی بهتر شده و دیگر مشکلات قبل را که احساس می‌کردم عملکردم پایین بود، ندارم؛ اما با توجه به اینکه بازیکنان جوان وارد تیم ملی شده‌اند و تلاش هم می‌کنند، من بیشتر می‌خواهم کمک آنها باشم. هدف اصلی من هم کسب سهمیه المپیک بود. اکنون دیدم بهتر این است که برای بازیکنان کمک باشم تا این نسل جوان و پرانگیزه بتوانند سهمیه‌های المپیک بیشتری هم در بخش زنان و هم مردان بگیرند. فعلا فکر نمی‌کنم دیگر بتوانم بازی کنم؛ چون دیگر آن عملکردی را هم که می‌خواهم، فکر نمی‌کنم داشته باشم. بازیکنان آسیایی خیلی خوبی نیز هستند که همان موقع هم کارمان مقابل آنها خیلی مشکل بود، اکنون هم که سخت و سخت‌تر شده است. او در پاسخ به این سؤال که آیا به نوعی خداحافظی کرده است، گفت: می‌توان هم گفت بله و هم خیر. خیلی دوست ندارم بگویم خداحافظی کرده‌ام؛ چون سن من آن‌قدر نیست که به خداحافظی رسمی فکر کنم. شاید اگر روزی آمادگی داشته باشم، برگردم. اکنون بازی‌کردن در برنامه‌ریزی من نیست و اهدافم بیشتر روی مربیگری است. این داستان هم که پیش آمد، بیشتر می‌تواند به تجربه‌ام کمک کند تا در کنار مربیان بزرگ‌تر تجربه کسب کنم و تجربیاتم را به ایرانیان منتقل کنم. آقایی در پایان گفت: باید از مسئولان فدراسیون که در سال‌های آخر برای کسب سهمیه المپیک زحمت کشیدند و به من کمک کردند، تشکر کنم. امیدوارم بتوانم این تجربیات را در اختیار دیگران قرار دهم و مثمرثمر باشم.

دومین اخراجی لیگ

خطیبی از سرمربیگری پیکان برکنار شد

پس از برکناری علیرضا منصوریان از سرمربیگری فولاد در ابتدای این فصل لیگ فوتبال، رسول خطیبی به‌عنوان دومین نفر از سرمربیگری پیکان برکنار شد. با توجه به نظر اعضای هیئت‌مدیره باشگاه، همکاری رسول خطیبی، سرمربی تیم فوتبال پیکان، با این باشگاه به پایان رسید. مدیرعامل باشگاه پیکان با اهدای لوح و هدیه‌ای به رسم یادبود، از زحمات خطیبی تقدیر کرد. در متن پیام تودیع آمده: «جناب آقای رسول خطیبی، سلام علیکم، برادر ارجمندم؛ جناب‌عالی به‌عنوان یکی از پیش‌کسوتان سرشناس فوتبال کشور، زحمات فراوانی در عرصه ورزش ایران برای معرفی بهترین بازیکنان به بالاترین درجه ممکن متقبل شدید. همچنین تلاش‌های شما برای اعتلای فوتبال در باشگاه پیکان و شناسایی بازیکنان جوان به لیگ برتر کتمان‌کردنی نیست.حال که دست تقدیر حکم به قطع همکاری داده، شایسته است بابت تمام زحماتی که در این مدت کشیده‌اید، تقدیر و تشکر شود؛ ازاین‌رو تلاش‌های آن مربی عزیز را ارج می‌نهیم و برای‌تان در ادامه مسیر زندگی حرفه‌ای و شخصی، آرزومند رقم‌خوردن بهترین اتفاقات هستم».با توجه به این اتفاق، سرمربی جدید خودروسازان به‌زودی از سوی ارگان رسمی باشگاه پیکان معرفی خواهد شد.

بالاخره پای استقلال به کمیته انضباطی باز شد

پرونده تخلفات استقلال در آخرین ساعات شب گذشته در اتوماسیون کمیته انضباطی قرار گرفت. به گزارش ایسنا، باشگاه استقلال هفته گذشته مدارک خود را درباره ابهامات مطرح‌شده درمورد قرارداد چهار عضو این تیم (کوین یامگا، مهدی هاشمی‌نسب، بلانکو و محمدرضا خالدآبادی) به کمیته نظارت بر قراردادها ارسال کرد. کمیته نظارت بر قراردادها پس از بررسی مدارک باشگاه استقلال، توضیحات آبی‌پوشان در ابهامات مطرح‌شده را کامل ندانست و اعلام شد پرونده تخلفات این باشگاه در اختیار کمیته انضباطی قرار گرفته است. با پیگیری‌های خبرنگار ایسنا، پرونده تخلفات استقلال در آخرین ساعات در اتوماسیون کمیته انضباطی قرار گرفت و قرار است در اسرع وقت به آن رسیدگی شود. البته هنوز علت ارجاع و نوع تخلف استقلال مشخص نیست و کمیته انضباطی پس از بررسی آن را اعلام خواهد کرد.

نوبت دوم

فراخوان مناقصه عمومی

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

توجه : اعلام آمادگی جهت شرکت در این مناقصه صرفاً بصورت الکترونیکی(توکن) و از طریق سامانه ستاد به نشانی **www.setadIran.ir** می باشد.
مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره م م/۰۲/۰۳۱۸مربوط به پروژه احداث ۴۱۰۱ متر خط لوله ۴ اینچ گاز احیاء سراسری از نقطه A در مجاورت چاه ۱۴۸ تا نقطه B در مجاورت چاه ۱۵۸ بی بی حکیمه

الف- شرح مختصر خدمات
- تجهیزات کالا شامل ساخت انبار کالا و سیمان
- احداث ۴۱۰۱ متر خط لوله ۴ اینچ گاز احیا سراسری به ضخامت ۱/۷ میلیمتر از نوع ۵۲-۵ lx از نقطه A در مجاورت چاه ۱۴۸تا نقطه B در مجاورت چاه ۱۵۸ بی بی حکیمه _ احداث ساختمان دائم جهت گروه نظارت مطابق نقشه F4L-۱۱۵۶۴۲ _ اجرای کارهای سیویل از قبیل ساخت انبار ، ایجاد جاده دسترسی ، ساخت و نصب تکیه گاهها و نگهدارنده های فلزی و بتنی ،احداث فونداسیون های مورد نیاز ،احداث حصارهای مورد نیاز و غیره....بارگیری ،حمل ،تخلیه ، دپو ، انبار کردن ، ردیف کردن لوله ها و کالا های پروژه و غیره _ آزمایش و توپک رانی خطوط لوله _راه اندازی پروژه _ دوره نگهداری _ تسویه کالا _ برچیدن کارگاه

ب- محل اجرای خدمات و مدت انجام کار: محل اجرای خدمات در بین چاه های ۱۴۸ و ۱۵۸ بی بی حکیمه و مدت انجام آن ۵ماه می باشد.
ج- برآورد کارفرما: برآورد کارفرما جهت انجام خدمات -/۶۸,۹۵۸,۴۲۱,۹۸۸ریال وتعدیل پذیر می باشد
د-شرایط مناقصه گران متقاضی
- داشتن ظرفیت آزاد(تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه
- مناقصه گران دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری حداقل پایه ۵ رشته نفت و گاز - در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر،الویت با شرکت های بومی استانی می باشد. -داشتن گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی- داشتن گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی الزامیست. و همچنین اصالت گواهی نامه مذکور ارائه گردیده می بایست در سایت **www.mcls.gov.ir**روئیت گردد. عدم ارائه یا روئیت گواهی نامه صلاحیت ایمنی بمنزله حذف از مناقصه می باشد .
توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ -/۳,۴۴۷,۹۲۱,۰۹۹ریال که بایستی به یکی از دو صورت زیر ارائه گردد :
الف: ارائه رسید وجه صادره از سوی حسابداری کارفرما مبنی بر واریز مبلغ فوق الذکربه شماره حساب IR۹۴۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۱۶۰۴۰۲۲۰۶۷ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شعبه مرکزی جمهوری اسلامی ایران - اهوازکد ۰ حساب - بنام شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
ب: ارائه ضمانتنامه بانکی به میزان مبلغ فوق الذکر طبق فرم نمونه که ابتدا برای مدت (۹۰روز) معتبر بوده وپس از آن نیز با اعلام کارفرما برای مدت (۹۰ روز) دیگر قابل تمدید باشد.
- توانایی ارائه ۵٪ مبلغ پیمان (در صورت برنده شدن) بعنوان تضمین انجام تعهدات مناقصه گر جهت تحویل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار علاوه بر بارگذاری تصویر تضمین از طریق سامانه لازم است بصورت حضوری به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز، کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان طرحهای راه و ساختمان در مهلت مقرر مراجعه و تضمین را تسلیم نمایند.
هـ-محل و مهلت دریافت مدارک مناقصه گران: از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت بعمل می‌آید ظرف مهلت مقرر در این فراخوان جهت دریافت اسناد و اعلام آمادگی از طریق سامانه ستاد و به نشانی www.setadIran.ir مراجعه نمایند تا ارزیابی‌های لازم وفق آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات(ارزیابی ساده)بر روی مدارک ارسالی مناقصه گران بعمل آید.
۱- مهلت اعلام آمادگی: بصورت الکترونیکی (غیر حضوری و) از ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۷لغایت ساعت ۱۹:۰۰ تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۹
۲- مبلغ خرید اسناد و شماره حساب: واریز مبلغ ۷,۶۱۶,۰۰۰ریال از طریق درگاه موجود در سامانه به نشانی **www.setadIran.ir**
محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها : متقاضیان مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۵:۳۰روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۷به صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد تسلیم نمایند. ضمناً پیشنهادات در ساعت ۰۸:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۰ گشایش و قرائت خواهد شد و حضور نماینده مناقصه گران با معرفی نامه و کارت شناسایی معتبر بلامانع است. همچنین مناقصه گران می بایست ضمن بارگذاری الکترونیکی تصویر تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار در سامانه تا ساعت ۱۵:۳۰روز یکشنبه مورخ۱۴۰۲/۱۰/۱۷اصل تضمین مذکور را به صورت فیزیکی به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در آدرس: اهواز- کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان سابق طرحهای راه و ساختمان تسلیم نمایند.
همزمان ارائه معرفی نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکتها در همه مراحل لازم و ضروری می باشد.
تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی از اساسنامه شرکتها، آگهی تاسیس، آخرین تغییرات ثبتی و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می باشد.
شناسه آگهی : ۱۶۰۷۳۸۹
نوبت اول : ۱۴۰۲/۰۸/۳۰ نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۹/۰۱
WWW.NISOC.IR http://iets.mporg.ir
امور حقوقی و قراردادها – شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
۵۴۶۹

تیم فوتبال نوباوگان راشا

در روزهای بارانی پاییزی کودکانی پنج و شش‌ساله و پر از شادابی و نشاط و فقط برای تفریح و لذت از ورزش فوتبال و دویدن به دنبال توپ در مدرسه فوتبال ثبت‌نام کرده و در ادامه با توجه به شور و هیجان و انرژی تزریق‌شده به اعضای مدرسه فوتبال از طریق مربی جدید به نام آقای علی محمدی و همچنین پیشرفت محسوس بازیکنان از بدو ورود ایشان، در سایه تلاش نوباوگان و مربی، تصمیم بزرگی گرفته شد و اکثر بازیکنانی که چندین سال در کنار یکدیگر بوده‌اند، به همراه کودکانی پرتلاش که به آنها اضافه شدند، در قالب تیم وارد مسابقات شده و با حمایت و تلاش آقای محمدی، تیم راشا در سال ۱۴۰۲ آغاز به فعالیت کرد و امید آن می‌رود که کودکانی که متولدان ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ بوده‌اند، با طراوت (مانند نام تیم) به زندگی همراه با موفقیت ادامه دهند.

این یک قانون است. تو همانی می‌شوی که باور داری و باور داشته باش که لیاقت بهترین‌ها را داری.

شبی که تهران قفل شد

رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران:
دوشنبه ۲۹ آبان طول سفرها نسبت به روزهای عادی، ۳ تا ۵ برابر افزایش یافت

عکس: دانیال شایگان، اکوایران

شرق: پس‌لرزهای بگومگوی دو عضو شورای شهر تهران در جلسه روز یکشنبه به صحن روز سه‌شنبه هم کشیده شد. در این جلسه مهدی اقراریان پیشنهاد می‌دهد که شهردار تهران مانند محمود احمدی‌نژاد و قالیباف دیدارهای مردمی برگزار کند. محمد آخوندی هم توضیح می‌دهد که این دیدارها مدت‌هاست که انجام می‌شود. این گفت‌وگو تا آنجا ادامه پیدا می‌کند که چند دقیقه‌ای فضای شورای شهر دچار تنش می‌شود.

روز گذشته مهدی اقراریان رئیس کمیته نظارت شورای شهر تهران بی آنکه نامی از محمد آخوندی ببرد به تذکر صادقی دیگر عضو شورا درخصوص دستاوردها و شفافیت سفرهای خارجی اشاره می‌کند و می‌گوید: یکی از همکاران ما در سفر اندونزی حضور دارند و هدیه ۵۰۰ دلاری شهرداری تهران را به تیم ملی تحویل می‌دهند. سؤال ما این است که این هزینه‌ها شخصی بوده است؟ آیا هماهنگی با کمیته ورزش صورت گرفته است؟

اشاره او به گفت‌وگوی احمد صادقی رئیس کمیته شفافیت و شهر هوشمند شورای شهر تهران بود که در آن تأکید کرده بود براساس مصوباتی که در راستای ایجاد سامانه شفافیت وجود دارد بارگذاری اطلاعاتی نظیر اطلاعات سفرهای خارجی از جمله هزینه‌کرد، ضرورت، مدت‌زمان سفر و دستاوردهای آن یکی از ضروریات است.

به گفته صادقی در سفرهای اخیری هم که نمایندگان شورای شهر در آنها حضور داشتند از جمله سفر به چین و ترکیه دستاوردهای سفر در صحن شورا قرائت شد اما اطلاعات این سفرها در سامانه بارگذاری نشده یا با تأخیر بارگذاری می‌شود که این ایراد اصلی ما در بحث شفافیت است. به هر روی وقتی شفافیت و هوشمندسازی به عنوان یک محور اصلی در برنامه‌های مدیریت شهری مطرح می‌شود اولین جایی که باید آن را اجرا و عملیاتی کند بدنه شهرداری است و به طور قطع این امر به تمامی امور نیز تسری می‌یابد.

میثم مظفر رئیس کمیته بودجه شورای شهر تهران اولین نفری بود که به سخنان اقراریان واکنش نشان داد و گفت: موضوعی که در مورد سفر عضو شورا به اندونزی مطرح شد به هیچ عنوان با هزینه شهرداری و شورا نبوده است، این دوره گذشته که مردم با دود به هم پیغام بدهند و با چمدان به هم پول برسانند و این موضوع که برای هدیه تیم ملی نوجوانان سفر به اندونزی صورت گرفته اشتباه است. احمد علوی عضو کمیته سفرهای خارجی هم با اشاره به حواشی سفر خارجی یکی از اعضای شورای شهر، می‌گوید: کمیته سفرهای خارجی شهرداری تهران تنها سفر پرسنلش را بررسی می‌کند و سفر اعضای شورای شهر نیز با هماهنگی رئیس شورا انجام می‌گیرد و تا آنجایی که اطلاع دارم هیچ‌کدام از اعضای شورای شهر سفری به اندونزی نداشته‌اند. هرچند اعضا می‌توانند سفر شخصی داشته باشند.

مهدی چمران رئیس شورای شهر تهران هم خطاب به اقراریان می‌گوید: در هر موردی اگر ابهامی داریم باید از مسئولان در ابتدا سؤال کنیم. اگر پاسخی نشنیدیم باید در صحن مطرح کنیم. سفر آقای آخوندی هیچ ارتباطی به شورا و شهرداری ندارد و از فضایی دیگر مأموریت داشتند. سفرها باید با اطلاع بنده صورت بگیرد و مراحل آن طی شود. ایشان از مرخصی خود استفاده کرده‌اند و بنده از این مرخصی اطلاع نداشتم. گفتن این موارد ساده است اما جمع‌کردن آن سخت است.

چمران از این فرصت استفاده می‌کند و به بازتاب سخنانش درخصوص قطع درختان مجموعه سعدآباد اشاره کرده و مدعی می‌شود: «دوستان خبرنگار ما اینجا لطف کردند، با بی‌بی‌سی مطرحش کردند که من موافق قطع درختان هستم. از بی‌بی‌سی انتظاری نیست و از رسانه‌های خود درخواست می‌کنیم اخبار را به درستی ارسال کنند و اگر درست فرستادند و آنها اشتباه کردند اشتباه آنها را درست کنند و اشاره کنند که ما درست فرستادیم آنها بدجنسی کردند و خلاصه خلاف و یک چیز دیگری عنوان کردند».

او ادامه می‌دهد: باید سعی کنیم خودمان برای خودمان مشکل ایجاد نکنیم. کار خلاف در مجموعه سعدآباد این بود که مجوز کمیسیون ماده ۷ را دریافت نکرده بودند، سازمان بوستان‌ها هم اگر می‌خواهد درخت قطع کند باید اجازه بگیرد، چه برسد به مجموعه‌های دیگر. بنده این موضوع را مطرح کردم و بی‌بی‌سی اعلام کرد که ما حمایت کرده‌ایم.

وی با تأکید بر اینکه مسائلی که برای بنده مبهم است بلافاصله با تماس، پیگیری می‌کنم، می‌گوید: درخصوص مسئله آب یا قطع درختان مجموعه سعدآباد، موضوع را بلافاصله پیگیری کردیم. درست است که مشکل کم‌آبی داریم اما نباید آب بوستان‌ها را قطع کرد. اینکه بگویند درختان آب نمی‌خواهند و باید رها شوند، درست نیست. درختان اگر از بین بروند به حیات انسان‌ها لطمه وارد می‌شود. اگر درختان بوستان چیتگر و لویزان خشک شوند، خسارات جبران‌ناپذیر خواهد بود. آب شرب مردم باید تأمین شود اما آب درختان را نیز باید با روش‌های مختلف تأمین کنیم.

باران آمد؛ تهران قرمز شد

ترافیک سنگین دوشنبه‌شب تهران، موضوع دیگری بود که در صحن شورای شهر تهران مطرح شد. مهدی چمران پیش از آغاز صحن به افزایش کرایه‌های تاکسی در شب‌های بارانی اشاره می‌کند و می‌گوید: هیچ‌یک از تاکسی‌ها اعم از تاکسی‌های اینترنتی و معمولی حق افزایش کرایه‌های خود را به دلیل بارش باران و تغییر شرایط آب و هوایی ندارند. شورای شهر تهران برای تاکسی‌های معمولی نرخ مصوبی را به تصویب رسانده و تاکسی‌های معمولی ملزم به رعایت و دریافت کرایه‌ها براساس نرخ مصوب هستند. هرگونه افزایش کرایه از سوی تاکسی‌های اینترنتی و معمولی در زمان بارش باران خلاف قانون و مقررات است و به قول معروف بی‌معرفتی است که در زمان بارش باران و در زمانی که مردم زیر باران قرار دارند وسایل حمل‌ونقل عمومی اعم از تاکسی معمولی و اینترنتی اقدام به افزایش کرایه کنند.

او با انتقاد از خدمت‌رسانی تاکسی‌های اینترنتی در زمان بارش باران، می‌گوید: تاکسی‌ها علاوه بر زمان بارش در سرویس‌دهی مدارس نیز نتوانستند به مسئولیت خود عمل کنند و شورا بنا دارد به‌زودی با مطالعاتی که در ارتباط با تاکسی‌های اینترنتی انجام خواهد داد نرخ‌گذاری تاکسی‌ها را در صحن شورا انجام بدهد.

اما سیدجعفر تشکری‌هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران بابت ترافیک دوشنبه‌شب از شهروندان تهرانی عذرخواهی می‌کند و در تذکری می‌گوید: همشهریان ما دیشب یکی از بدترین ترافیک‌های عصرگاهی تهران را تجربه کردند. هرچند تراکم ترافیک تبدیل به یک عادت شده و می‌دانیم که در نیمه دوم سال و در شب‌های بارانی و برفی، سرعت متوسط در تهران کاهش می‌یابد اما این مشکل از مرز بحران گذشته است. شب گذشته طول سفر نسبت به روزهای عادی، سه تا پنج برابر افزایش یافت، البته زحمات زیادی برای کاهش مشکلات شب گذشته انجام شد و باید از پرسنل خدمات شهری و مأموران نیروی انتظامی که برای حل مشکلات تلاش کردند تقدیر کنم.

تشکری‌هاشمی ضمن عذرخواهی از مردم تهران می‌گوید: کسی جز شهرداری، شورای شهر و مسئولان مدیریت شهری پاسخ‌گوی این مشکل نیست. ما باید بدانیم اقدامات ما چه اندازه مؤثر بوده است و چرا مردم به ترافیک دچار می‌شوند.

او با اشاره به دلایل ترافیک تهران می‌گوید: حجم بالای خودروهای شخصی و خودروهای تک‌سرنشین، کاهش سرعت خودرو در زمان بارندگی و آب‌گرفتگی معابر، خرابی برخی از تجهیزات ترافیکی از جمله چراغ‌های تقاطع‌ها، نبود حمل‌ونقل عمومی در ساعاتی که مردم به آن احتیاج بسیار دارند و ناکارآمدشدن شبکه اتوبوس‌های تندرو به دلیل کاهش ناوگان و حذف برخی جداکنندگان فیزیکی مسیر از جمله مشکلاتی بودند که دیشب به صورت واضح در شهر دیده شدند. در حال بررسی طرح جامع حمل‌ونقل هستیم و سیاست کاهش استفاده از خودروهای شخصی را دنبال می‌کنیم؛ نمی‌توانیم با ساخت بزرگراه‌ها و معابر جدید ترافیک را کنترل کنیم. اکنون به جز یک بزرگراه اصلی کمربندی شرق تهران و تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام نباید دیگر به سمت پروژه‌های خودرومحور برویم.

سوده نجفی، عضو هیئت رئیسه شورای شهر تهران هم به ترافیک عصر روز دوشنبه شهر تهران اشاره می‌کند و می‌گوید: همان‌طور که اطلاع دارید؛ بارش باران در عصر روز دوشنبه، ترافیک سنگینی در شهر ایجاد کرد و شهروندان ساعت‌ها در خیابان‌های شهر معطل بودند. بنده به نوبه خودم بابت این وضعیت از شهروندان عذرخواهی می‌کنم اما واقعیت این است که مدیریت شهری تنها متولی حل مشکل ترافیک تهران نیست و سایر نهادها نیز باید به وظایف خود عمل کنند. شورای شهر براساس مشکلات شهر و دغدغه شهروندان جهت افزایش ناوگان که به تبع آن منجر به کاهش ترافیک، کاهش آلودگی هوا و آسایش و رفاه شهروندان خواهد بود اعتبار مناسبی اختصاص داده است که این موضوع باید از سوی شهرداری پیگیری شود.

مهدی اقراریان هم به ترافیک محدوده مرکزی شهر تهران اشاره می‌کند و می‌گوید: وضعیت ترافیک منطقه ۱۲ از خط قرمز رد شده است.

او با ارائه تصاویری از وضعیت نابسامان رهاشدگی موتورها، سد معبر وانت‌ها و پارک دوبل اتومبیل‌ها در این منقطه پرترافیک مرکز شهر می‌گوید: بنده هم خودم به این منطقه رفتم و هم کارشناسان کمیته را برای بازدید میدانی از این وضعیت، فرستاده‌ام. ما در این منطقه با افرادی مواجه هستیم که ۱۰، ۱۲ وانت را خریداری کرده‌اند و بعضا ماه‌ها این وانت‌ها در آن محل پارک می‌شوند و از آنها به عنوان مغازه و انبار استفاده می‌شود.

اقراریان با استناد به بررسی صورت‌جلسه شورای پنجم، مورخ ۲۳ آبان سال ۹۷، آن را اشتباه می‌خواند و می‌گوید: در این صورت‌جلسه آمده معاونت حمل‌ونقل و ترافیک پیرامون منطقه ۱۲، بر سیاست عدم احداث پارکینگ عمومی در مناطق مرکزی و ایجاد محدودیت احداث پارکینگ در شلوغ‌ترین مناطق و مرکز شهر تهران، تأکید کرده است که ما امروز، ثمرات این سیاست اشتباه را در وضعیت نابسامان این منطقه و در شلوغی و پارک‌های دوبل شهروندان در خیابان‌های اصلی می‌بینیم. به‌عنوان مثال، شاهد بودیم که در یک حادثه آتش‌سوزی، میلیاردها تومان از اموال مردم سوخت.

او در ادامه با اشاره به زمینه بروز این حادثه می‌گوید: در حالی که آتش‌نشانی به موقع در منطقه حاضر شد؛ متأسفانه به علت شرایط ترافیکی و وضعیت نابسامان پارک دوبل اتومبیل‌های منطقه، نیروی اطفای حریق نتوانست در زمان مناسب، به وظیفه خود عمل کند و اموال مردم در آتش سوخت.

این عضو شورا در ادامه خواستار شد: من از شهرداری و آقای زاکانی یا معاون ایشان در امر حمل‌ونقل و ترافیک، تقاضا می‌کنم خودشان بروند و وضعیت ترافیک منطقه ۱۲ را مشاهده کنند. ما درخصوص منطقه ۱۲ و معضل ترافیک منطقه ۱۲، فارغ از تمام وعده و وعیدهایی که مطرح می‌شود؛ باید یک اقدام عاجل، ضروری و فوری انجام دهیم که به زودی به این نتایج منتج شود که پیرو این تذکر، این زمین خریداری شد و پارکینگ در حال احداث است. مهدی چمران در پاسخ به اقراریان می‌گوید: منطقه بازار، مشکلات و مسائل فراوانی دارد. برای حل این معضلات، باید کمیته، کمیسیون یا گروهی درست کنیم تا با همکاری مشترک شهرداری و پلیس راهنمایی و رانندگی و دیگر نهادهای مسئول و ذی‌ربط، این مسائل را با دید جامع بررسی و برای حل فوری آن، اقدام کنیم.

چمران همچنین در اشاره به صورت‌جلسه مورد استناد اقراریان از شورای پنجم هم توضیح می‌دهد: اینکه در قبل گفته‌اند پارکینگ نسازید؛ به جهت این بوده که وجود پارکینگ میل به سفر را زیاد می‌کند و مرکز شهر، اصولا باید سفر کمتر صورت بپذیرد. اما احداث پارکینگ خوب است، خصوصا برای موتورها. در منطقه عودلاجان، محلی توسط نیروی انتظامی خریداری و آسفالت شده است و در حال حاضر، با کاربری پارکینگ و بخش عمده‌ای از آن برای موتورسیکلت استفاده می‌شود. بحث موتورسیکلت‌های کنار خیابان، وانت‌ها و خیل زیاد دست‌فروش‌ها که در آن مسیر رها شده‌اند و حضور چند خط دست‌فروش، کنار پیاده‌رو، کنار جوی، در خیابان، عبور را برای عابران پیاده نیز دشوار کردند؛ چه برسد به سواره‌ها و خودروها.

در این جلسه هم میثم مظفر به دو پروژه قرمز دیگر اشاره کرده و می‌گوید: دو مورد از پروژه‌های مهم در بودجه مصوب امسال منطقه ۲۰ شهرداری تهران، پروژه احداث بوستان باغ ایرانی با اعتبار مصوب پنج میلیارد تومان در محله ۱۳ آبان و پروژه ایجاد دسترسی محله عظیم‌آباد به بزرگراه آزادگان - شرق با اعتبار مصوب هشت میلیارد تومان در محله عظیم‌آباد است. علی‌رغم کمبود جدی که در توسعه زیرساخت‌ها و سرانه‌های فضای سبز در محلات شهر تهران وجود دارد و همچنین با توجه به اهمیت تسهیل رفت‌وآمد شهروندان محترم و کوتاه‌شدن طول مسیر و به تبع آن کاهش زمان سفر، متأسفانه با گذشت هشت ماه از سال پیشرفت فیزیکی این پروژه‌ها براساس خروجی سامانه کنترل پروژه شهرداری تهران صفر است و به تعبیری دارای وضعیت قرمز است.

روایت

اینجا هرکس قانون خودش را دارد

منصوره محمدی: روایت اول/ طلوع ولنجک: لباس مدرسی بر تن دارد، نایلونی در دست دارد و به سمت تاکسی می‌رود، یک نفر با صدای بلند اعلام می‌کند: «کرایه از امروز ۱۵ تومان است. تاکسیرانی دیروز به ما ابلاغ کرده که کرایه را افزایش دهیم». به نشانه تأیید سری تکان می‌دهد و سوار می‌شود. خودم را عقب می‌کشم و سوار نمی‌شوم، به سمت تاکسی بعدی می‌روم، می‌گوید بعدی هم همین است.

بعدی و بعدی و بعدی هم همین! کرایه ۱۰ تومانی خط تجریش به ولنجک را یک‌روزه ۵۰ درصد گران کرده‌اند، با یک ابلاغیه خیالی از تاکسیرانی! به مسافران نگاه می‌کنم، همه نرخ جدید را می‌پذیرند به جز من! با ۱۸۸۸ تماس می‌گیرم، بعد از دو دقیقه انتظار به واحد شکایات وصل می‌شوم. راننده‌ها هوش و حواسشان به من است، فکر می‌کنند اتحادشان شکست نمی‌خورد، مرد مسنی که رهبری آنها را بر عهده دارد می‌گوید فکر می‌کنی با شکایت به جایی می‌رسی؟ هر کاری دوست داری بکن. شکایت را ثبت می‌کنم و به سمت یکی از تاکسی‌ها می‌روم، اعلام می‌کنم که من کرایه مصوب را پرداخت می‌کنم و سوار ماشین می‌شوم، مسافران بعدی از راه می‌رسند و نرخ جدید مصوب تاکسیران‌ها را اعلام می‌کنند. صدایم را بالاتر می‌برم و می‌گویم کرایه ۱۰ تومان است، راننده‌ای که در ماشین او نشسته‌ام دستش را به نشانه اعتراض سمتم می‌آورد، قصد درگیری ندارد، می‌خواهد بگوید به دیگران کاری نداشته باش. اعلام کرده‌ام که خبرنگارم، انگشت اتهام را سمت من گرفته‌اند که اگر خبرنگاری چرا از گرانی نمی‌نویسی، زورت به ما راننده‌های تاکسی می‌رسد.

پیشخوان Pishkhan.com

در توجیه نرخ جدید علاوه بر گرانی کالاها و ترافیک سرسام‌آور ولنجک، بالاشهری بودن منطقه نیز برایشان مهم است. می‌گویم مسافران خطوط شما کارگران و افرادی از مناطق پایینی هستند که به بالا می‌روند تا معاش روزانه خود را تأمین کنند، شما کرایه عده‌ای کارگر را بالا برده‌اید و آنها را فقیرتر کرده‌اید و ادامه می‌دهم که در این زنجیره گرانی همه شما دخیل هستید، همه شمایی که به هر بهانه‌ای ساز خود را کوک می‌کنید و به خورد مردم می‌دهید. می‌دانم که کرایه تاکسیرانی سالی یک بار در صحن شورای شهر به تصویب می‌رسد، شهرداری و سازمان تاکسیرانی به تنهایی نمی‌توانند نرخ جدید ارائه دهند مگر به تصویب شورای شهر رسیده باشد، پس از آن نیز باید هیئت تطبیق مهر تأیید نهایی را بزند و پس از ابلاغ در اواخر اردیبهشت اجرائی شود.

مسافران اینها را نمی‌دانند، یکی از خانم‌ها می‌گوید اول سال گران کرده بودید، همیشه سالی یک بار گران می‌شود اما در نهایت همان ۱۵ تومان را می‌دهد. از خشم لبریزم، از اینکه راننده‌های تاکسی زورشان به مردمی که از قوانین آگاهی ندارند رسیده و با یک ابلاغیه خیالی کرایه را بالا برده‌اند.

روایت دوم/ غروبِ ونک: «ساعت ۹ کنسلی داریم، می‌توانید تشریف بیاورید؟... پس ساعت ۱۰ اینجا باشید». منشی در حال جابه‌جایی نوبت بیماران است، ظاهرا این برنامه هر روزشان است، حداقل در چند نوبتی که من به این مطب مراجعه کرده‌ام. با بیمار بعدی تماس می‌گیرد، این بار از پرسش خبری نیست، زور جای خود را به خواهش داده است، می‌گوید کنسلی داشتیم و باید ساعت ۱۱ اینجا باشید، بیمار پشت خط می‌گوید در ساعتی که از قبل هماهنگ کرده می‌آید، منشی می‌گوید یک بیمار کنسل کرده و دکتر نمی‌تواند منتظر بیمار بعدی باشد، تشریف بیاورید.

ساعت چهار عصر است و یک ساعت زودتر از نوبتی که برایم در نظر گرفته بودند، به دندان‌پزشکی رسیده‌ام، با این حساب که اگر رأس ساعت آنجا باشم باید یک ساعتی در انتظار بمانم. این انتظار را عقب می‌اندازم تا رأس ساعتی که به من داده‌اند در اتاق دکتر باشم. مکالمات را به خوبی می‌شنوم، در این چند جلسه کاملا دستم آمده که سلامت روان بیمار در پایین‌ترین اولویت این مطب است و سرعت اتمام کار و رفتن بر سر مریض بعدی مهم‌ترین دغدغه! دکتر از بیمار قبلی کلافه است، اعتراضش را به زیردستانش منتقل می‌کند، به رغم آنکه معلوم است از مهارت کافی در کارش برخوردار است، اما رسیدگی هم‌زمان او به چند مریض همیشه نگرانم کرده و با توهم ابتلا به هپاتیت مطب را ترک کرده‌ام. روز بعد قالب آماده است، اما من امکان آمدن به مطب را ندارم و دکتر قبول می‌کند. درخواست می‌کنم منشی یک میلیون از کارتم بکشد و مابقی را در جلسه آخر پرداخت کنم. ناگهان می‌گوید امروز جلسه آخر است و باید تسویه کنید. همین مبنای آغاز بحثی می‌شود که همانندش را صبح تجربه کرده بودم. بهانه پرداخت به لابراتوار را می‌آورد، توضیح می‌دهم که جلسه اول با همکاری دیگر این موضوع را طی کرده‌ام، دوسوم سهم را پرداخت کرده‌ام و مابقی را در طول فرایند درمان تا جلسه آخر. باز می‌گوید جلسه آخر است، جای خالی دندان را نشانش می‌دهم که جلسه آخر نیست و از طرفی باید این موضوع را از قبل اعلام می‌کردند. حرف به گوشش نمی‌رود، قانون خود را می‌گوید که باید تسویه کنید.

دکتر از اتاقش بیرون می‌آید و خطاب به من می‌گوید قانون اینجا را من تعیین می‌کنم و باید تسویه کنید. می‌گویم قانون را تعیین کنید اما نمی‌توانید هربار که دلتان خواست آن را عوض کنید. می‌گوید بگذارید جلسه بعد تسویه کند و به اتاقش می‌رود و از منشی می‌خواهد مکالمه را خاتمه دهد، نفر دیگری از تیمشان می‌گوید یک روز چه فرقی دارد، بگذار ببینم فردا می‌دهد! اما منشی از موضع خود کوتاه نمی‌آید، ناگهان شروع می‌کند به انتشار اطلاعات شخصی من و با صدای بلند و رو به دیگر بیماران حاضر در مطب، اطلاعات مالی من را اعلام می‌کند. از اینکه اطلاعات شخصی من به راحتی و به دلیل یک ناهماهنگی درون تیمی در اختیار همه قرار گرفته خشمگین و عصبانی هستم.

به او می‌گویم که زیر بار حرف زور شما نمی‌روم و از مطب بیرون می‌زنم. به قوانین مراجعه می‌کنم و ۱۴ بند حفظ حریم خصوصی بیماران در مراکز درمانی را می‌خوانم. ماده یک فصل «رازداری و حریم خصوصی» راهنمای عمومی اخلاق حرفه‌ای اعضای سازمان نظام پزشکی می‌گوید: «اعضای سازمان نظام پزشکی موظف هستند به حق بیمار مبنی بر محرمانه‌بودن تمام اطلاعات وی احترام بگذارند. این حقوق شامل اطلاعات حساس و غیرحساسی است که به هر شکل در مراحل مختلف تشخیصی و درمانی جمع‌آوری می‌شود و یا به هر ترتیب در اختیار تیم درمانی قرار می‌گیرد. همچنین ارائه اطلاعات به افرادی به جز شخص بیمار و یا افرادی که از طرف او اجازه داشته باشند، ممنوع است».

کامبیز نوروزی، حقوق‌دان، در گفت‌وگو با روزنامه «شرق»، درباره این اتفاق و انتشار اطلاعات بیماران، چه اطلاعات مالی و چه اطلاعات پزشکی توضیح می‌دهد: «قطعا این بخش نیز جزئی از اطلاعات خصوصی بیمار است و مغایرت کامل با اخلاق پزشکی دارد. اگرچه در این مورد خاص خود پزشک مرتکب افشای اسرار بیمار نشده، اما در هر حال چون مطب پزشک یک محیط حرفه‌ای است، مسئولیت افشای این اسرار نیز از نظر اخلاقی بر عهده همان پزشک است و باید اسرار بیمار خود را به گونه‌ای نگهداری کند که هیچ‌کس نتواند به آن دسترسی داشته باشد. تمام اسنادی که مربوط به وضعیت بیمار است در زمره حریم خصوصی بیمار قرار می‌گیرد و باید محرمانه بماند». اتفاقات در ذهنم به خط شده‌اند، قلبم مچاله است و به این فکر می‌کنم که هر روز در معرض این حجم از فشارهای روحی بی‌دلیل قرار می‌گیریم، چراکه گویا در اینجا، هرکسی سازِ خودش را می‌زند و قانونِ خود را دارد.

نگاهی به بند «پ» ماده ۸۳ برنامه هفتم که تعیین حریم در حوزه میراث فرهنگی را بر عهده وزارت راه گذاشته است

سیاست انقباضی برای میراث

صبا رضایی: بند «پ» ماده ۸۳ لایحه برنامه هفتم رسما میراث فرهنگی را از وظیفه قانونی خود در تعیین حریم کنار گذاشته و همه تصمیمات در این زمینه را به وزارت راه و شهرسازی و بخش ذیل آن شورای عالی معماری و شهرسازی واگذار کرده و میراث فرهنگی را مکلف به «همکاری» کرده است. طبق مصوبه مجلس در بند پ، دولت مکلف است در راستای حفاظت از میراث فرهنگی و جبران حقوق مالکانه مردم اقداماتی را انجام دهد که این امر اقدام خوبی است اما در بخش ۲ این بند آمده است: بازنگری حریم‌های آثار ثبتی پیشین و تعیین حریم آثار ثبتی جدید به موجب آیین‌نامه‌ای است که با رعایت هم‌زمان حفظ اثر، عدم اعمال محدودیت‌های نابجا و جبران محدودیت‌های به‌وجودآمده برای مالکان در چارچوب قوانین توسط وزارت راه و شهرسازی (شورای عالی شهرسازی) با همکاری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی حداکثر شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. این در حالی است که وزارت راه و شهرسازی نه تنها متولی آثار باستانی نیست بلکه خود نهادی است که باید آثار باستانی را از آن حفظ و جلوی تخلفاتش در حوزه میراث فرهنگی را بگیرد. یک وزارتخانه تخصصی برای میراث فرهنگی وجود دارد. اگر قرار است نهادی دیگر متولی آثار باستانی شود چرا وزارتخانه تخصصی میراث فرهنگی ایجاد شده است؟ ضمن اینکه این بند با قانون حمایت نیز تناقض دارد.

•••

خطای بزرگ مجلس

شاهرخ کلانتری، پژوهشگر مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی به «شرق» گفت: بحث حریم‌ها و بازنگری آنها، تعیین سپرده بودجه به شورای ملی شهرسازی و وزارت راه و شهرسازی و سازمان ثبت اسناد و املاک کاری بسیار خطاست. او افزود: دولت سیزدهم از ابتدا سیاست انقباضی در مورد حریم آثار تاریخی در پیش گرفت و از همان ابتدای فعالیت اعلام کرده بود بناها و بافت تاریخی چه نیازی به حریم دارند؟ حتی آقای رئیسی نیز در شورای پارس اعلام کرده بود که حرائم آثار باستانی غیرضروری بوده و نیازی به این حجم از حریم نیست. کلانتری گفت: تعیین حرائم آثار باستانی تنها وظیفه وزارت گردشگری، میراث فرهنگی و صنایع دستی است و اصلا در حیطه وظایف وزارت راه و شهرسازی نیست که حریم آثار باستانی را تعیین کند. او با اشاره به اینکه دولت سیزدهم قصد دارد حریم آثار باستانی را کوچک کرده و حتی از بین ببرد، گفت: هدف دولت سیزدهم این است که حرائم را کوچک کند و محدوده تاریخی شهرها و بافت‌های تاریخی را کوچک‌تر کند. مثلا در مورد حریم آثار تاریخی قم که ۳۱۵ هکتار است می‌گویند ۲۰۰ هکتار اضافی است و ۱۲۰ هکتار کافی است.

در مابقی حریم به ساخت‌وساز پرداخته و ارتفاع بناها را بالاتر از حد مجاز می‌برند. کلانتری گفت: کمیسیون ماده ۵ شهرداری بسیار خطرناک است. در این کمیسیون عنوان شده که نیازی به تعیین حریم نیست و محدوده بافت تاریخی نداریم بلکه ۴۰۰ نقطه تاریخی داریم. یعنی آثار تاریخی به یک پلاک محدود می‌شوند و مابقی حریم به ساخت‌وساز اختصاص می‌یابند. یعنی حتی به ۱۲۰ هکتار هم بسنده نکردند و حرائم را به آثار تاریخی تقلیل دادند. او افزود: همین مثال در استان‌های دیگر نیز صدق می‌کند؛ کوچک‌کردن حرائم، حرائم انقباضی و تغییر حریم به نقطه. خارج‌شدن مسئله حریم آثار باستانی از اختیار وزارت میراث فرهنگی تبعات بسیاری دارد و در صورت رخ‌دادن چنین اتفاقی آثار بیشتری در معرض تخریب و نقض حریم قرار می‌گیرند. در صورت عملی‌شدن این امر، به راحتی در جوار آثار باستانی ثبت‌شده، ساخت‌وساز انجام می‌شود و ارتفاع‌گرفتن بناها را شاهد خواهیم بود.

تناقض با لایحه حمایت

احسان ایروانی به «شرق» گفت: در زمینه بودجه، وزارت میراث فرهنگی همواره در آخر لیست قرار می‌گیرد. همچنین درباره هزینه‌های عمرانی این وزارتخانه نقدهای جدی مطرح است. مشکل اینجاست که بودجه و اعتبار مالی که در اختیار وزارت میراث قرار می‌گیرد، هدفمند هزینه نمی‌شود. او در رابطه با واگذاری تعیین حرائم به وزارت راه و شهرسازی گفت: این مشکل بزرگی است. در انفعال وزارت میراث، قطعا حامیان توسعه فاقد اصالت برنده

عکس: امیر صادقیان، تسنیم

قانون‌گذاری خواهند بود. قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌ها، بیش از چهار سال است که ابتر مانده و از قابلیت‌ها و محتوای آن بهره‌ای برده نشده است. حال در برنامه هفتم بندی درج شده که با قانون حمایت تناقض دارد.

اقدامی غیرمنطقی

علی‌رضا افشاری، فعال میراث فرهنگی به «شرق» گفت: روشن است که تصمیم مجلس درباره واگذاری حرائم به وزارت شهرسازی اشتباه است. هرچه تصمیم‌گیری درباره مسائل مهم و بزرگ کشور مانند میراث فرهنگی را به جایگاه‌های خردتر بسپاریم، منافع افراد خاص بیشتر در نظر گرفته شده و منافع کشور به خطر می‌افتد و دست متخلفان برای تخریب آثار باستانی باز می‌شود.

او افزود: اگر حرائم از بین برود به دشواری می‌توان آنها را مجددا تعیین کرد. اگر قرار است حریم آثار باستانی تغییر کند نیز باید این امر به وزارت میراث فرهنگی محول شود. حتی با وجود حریم نیز همواره شاهد تخریب آثار باستانی و تخلفات در حریم این آثار هستیم. حال اگر حریم آثار از میان برود فرصتی به سودجویان داده می‌شود تا سیر تخریب آثار باستانی را کامل کنند.

نامه وزیر میراث فرهنگی

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در نامه‌های جداگانه‌ای به رؤسای مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام و دبیر شورای نگهبان، اصلاح مصوبه حریم آثار ثبتی را خواستار شد. سیدعزت‌الله ضرغامی وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با تقدیر و تشکر از اهتمام رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در بررسی و تدوین نهایی برنامه هفتم توسعه، اصلاح بند ب ماده ۸۳ این برنامه مصوب را از سوی مجلس، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام خواستار شد. او در این نامه که ۱۷ آبان‌ماه نوشته، از محمدباقر قالیباف خواسته است به منظور جلوگیری از تداخل امور دستگاه‌ها، نسبت به اصلاح بند ب ماده ۸۳ قانون برنامه هفتم توسعه اقدامات لازم انجام شود. در این مصوبه، مسئولیت تدوین آیین‌نامه بازنگری حریم‌های آثار ثبتی پیشین و تعیین حریم آثار ثبتی جدید به وزارت راه و شهرسازی (شورای عالی معماری و شهرسازی) با همکاری این وزارتخانه محول شده است. در حالی که به تصریح بند ۱۲ ماده ۳ قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی مصوب ۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی که به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده است، موضوع «تعیین حریم بناها، مجموعه‌ها، محوطه‌ها و تپه‌های تاریخی ثبت‌شده و ضوابط آن» از وظایف و تکالیف اصلی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی است.

محمدعلی اسلامی ندوشن به ایران بازگشت

ندوشن، روشنفکری با منش ایرانی

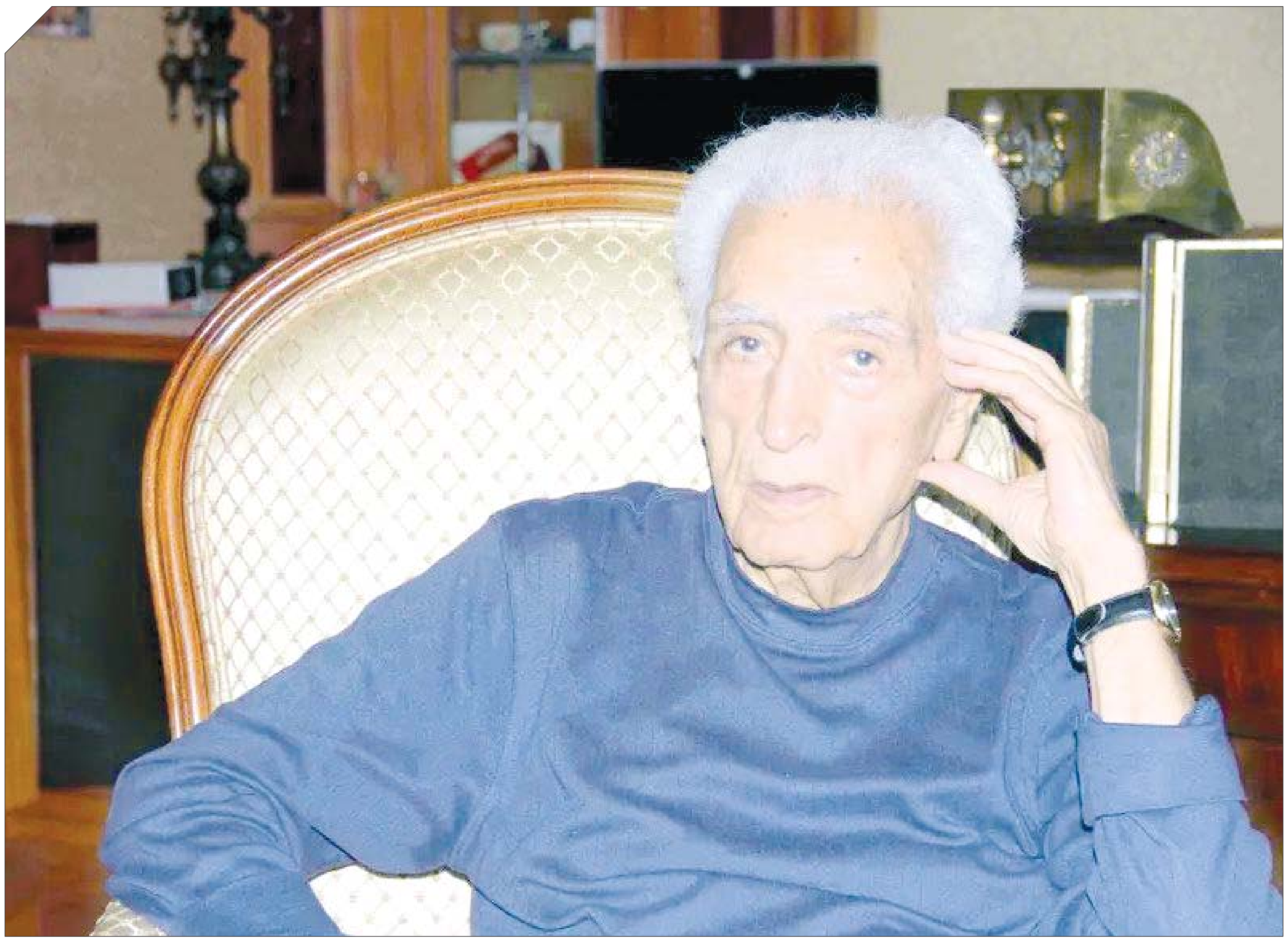

محمد بقایی (ماکان)

با تأمل در جریان روشنفکری ایران معلوم می‌شود که غالبا بر یک احوال نبوده و در هر دوره‌ای به سویی گرایش پیدا کرده است. ازاین‌رو بسیاری از روشنفکران ایرانی در طول زندگی خویش تحت تأثیر مراکز قدرت و تغییر شرایط اجتماعی، شخصیتی دوگانه و گاه چندگانه داشته‌اند و چون در صراطی مستقیم نبوده‌اند؛ تکلیف جامعه نیز با آنان روشن نبوده. اینان غالبا با تغییر احوال زمانه جریان باد را پذیرفتند، چندان که به عنوان نمونه گلاب قمصر را جانشین ادوکلن پارسی کردند و قمیص عربی را جایگزین ملبوس فرنگی. چنین شد که خلق، حیرت‌زده انگشت ندامت به دندان گزیدند و از اوج یقین به ورطه تردید افتادند.

با نگاهی به سیر زندگی اغلب چهره‌های این جریان، از آن زمان که منورالفکر خوانده می‌شدند تا اکنون، کمتر کسی را می‌توان یافت که در حیات خویش پیوسته به صورت و سیرت بر یک احوال بوده باشد و هرازگاهی به افکار و مکاتب مغایر فرهنگ ملی رو نکرده باشد.

بنابراین وجود چهره‌های استوار و پای‌بند به فرهنگ برآمده از این خاک که هر زمان در دامان مکتبی متمایز از طبع ایرانی جای نگرفته باشند، اعتباری است برای تاریخ روشنفکری این ملک.

از جمله کسانی که در این طریق می‌توان از او به عنوان روشنفکری یک‌رنگ و بی‌اعوجاج نام برد، محمدعلی اسلامی ندوشن است که بنای تفکرش از عناصر فرهنگ ایرانی شکل گرفته و ازاین‌رو جلوه و الگویی ستایش‌آمیز یافته. عناوین آثار وی از جمله: «ایران را از یاد نبریم»، «صفیر سیمرغ»، «جام جهان‌بین»، «زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه»، «به دنبال سایه همای»، «ایران و تنهایی‌اش»، «ایران چه حرفی برای گفتن دارد»، «داستان داستان‌ها»، «فردوسی و شاهنامه» به تنهایی حجتی هستند بر این دعوی.

ندوشن در دیگر کتاب‌هایش نیز که زمینه و موضوعی متفاوت دارند، هرجا که نیاز افتاده از ارزش‌های ایرانی سخن به میان آورده. یکی از تفاوت‌های عمده او با دیگر صاحبان قلم به عنوان روشنفکر این است که نیم‌بند و ناتمام نبوده، بلکه مصداق تعریف درست روشنفکر بود؛ یعنی هم اهل قلم بود و هم اهل قدم. او ذوق و استعداد و آگاهی‌های خویش را تنها برای تصنیف و تألیف نخواست تا به کنجی بنشیند صم‌بکم و دلخوش به دوات و قلمش باشد، بلکه در احوال مردم و مسائل و مصایب جامعه خویش به واقع اندیشه گماشت.

بنابراین در شمار آن دسته از اهل فضل نبوده که به پیرامون خویش عنایتی ندارند و فقط دل‌خوش به کسب معرفت‌اند، ندوشن روشنفکری جامعه‌اندیش بود، چندان که درباره مسائلی مانند آلودگی هوا، حقوق انسان‌ها، محیط زیست، نظام آموزشی و حتی ترافیک نیز مقالاتی با سوز دل نگاشته که در حکم رنج‌نامه‌اند. این دست از نوشته‌هایش مبین آن است که روشنفکری به معنای واقعی فقط ذهن انباشته از معارف نیست. شخصیت او از این منظر یادآور چهره‌هایی مانند دهخدا، بهار، تقی‌زاده و محمود افشار است که هم عالم و نویسنده و شاعر و روزنامه‌نگار بوده‌اند و هم میهن‌پرست و جامعه‌اندیش. بر اساس چنین ویژگی‌هایی بود که بنا به پیشنهاد وی «ایران سرای فردوسی» شکل گرفت.

میزان علاقه دکتر ندوشن به فرهنگ ایرانی را می‌شد از اتاق کارش هم دریافت که با تصاویری از آثار تاریخی و چهره‌های فرهنگی ایران از جمله فردوسی زینت یافته بود. در همین اتاق بود که در دی‌ماه سال ۷۰ یعنی همان ایامی که طرح «ایران سرای فردوسی» را در سر داشت، دیداری با ایشان داشتم و از آنجا که می‌دانستم مطالعات گسترده‌ای درباره سرزمین هند داشته و پایان‌نامه دکتری او نیز دراین‌باره بوده و از علاقه‌مندان شاعران پارسی‌گوی شبه‌قاره است و سال‌ها پیش کتابی درباب شعر اقبال با نام «دیدن دگرآموز» به چاپ رسانده، یکی از کتاب‌هایم به نام «چه باید کرد؟» را که شرحی است بر مثنوی معروف اقبال لاهوری به ایشان تقدیم کردم. با اشتیاق نگاهی به کتاب انداخت و گفت: به رغم فرصت کم به دقت می‌خوانم. آن روز علاوه بر تنی چند از ادیبان و اهل معرفت دکتر یحیی قریب، فرزند مرحوم عبدالعظیم قریب ادیب صاحب‌نام و بنیان‌گذار دستور زبان فارسی که از جمله تحقیقات ادبی او تصحیح دیوان حافظ است نیز حضور داشت و به همین سبب بحثی در نقد این کتاب درگرفت. از جمله اشاره‌ای شد به یکی از غزل‌های معروف حافظ با مطلع:

«گرچه بر واعظ شهر این سخن آسان نشود/ تا ریا ورزد و سالوس مسلمان نشود» که در تصحیح قریب مصرع «که به تلبیس و حیل دیو مسلمان نشود» آمده است «دیو سلیمان نشود». پس از آن‌که حاضران نظرات موافق و مخالف خود را بیان داشتند، دکتر ندوشن با لحنی آرام که از ویژگی‌هایش بود، یادآور شد که گرچه در برخی از نسخه‌ها مانند پژمان و انجوی به صورت «دیو سلیمان نشود» آمده است، ولی شواهدی از اشعار سلف در دست است که می‌رساند «دیو مسلمان نشود» که در نسخه قزوینی و غنی آمده و صحیح است. گرچه استاد شاهدی از این بابت ذکر نکرد، ولی دکتر قریب و دیگر یاران صاحب‌نظر به حرمت استادی دم فروبستند و حرفی بر این فتوا نیفزودند.

دو سه هفته از این دیدار نگذشته بود که استاد زنگ زد و گفت «کتاب را خواندم، کاری ارزنده است که به زودی جای خود را در میان علاقه‌مندان شعر فارسی باز خواهد کرد»، که چنین هم شد و این کتاب به چاپ‌های مکرر رسید.

دیدار دیگری که با دکتر اسلامی دست داد در خانه دوستی مخلص و شفیق و کریم بود که جمعی از یاران همدل و هم‌زبان را که عبارت بودند از: غلامحسین یوسفی، فریدون مشیری، غلامحسین امیرخانی، بهمن بوستان و محمدرضا شجریان به میهمانی ناهار دعوت کرده بود. از این یاران موافق که ذکر شد همه از دست شدند و به تعبیر خیام در پای اجل یکان یکان پست شدند، مگر استاد امیرخانی که عمر پربارش دراز باد. آن روز بهمن بوستان که دست راستش شکسته و آن را به گردن آویخته بود، نمی‌توانست چیزی را برای خوردن به راحتی بردارد. شجریان که در آن ایام هنوز به پنجاه نرسیده بود با توجه به رنجی که بوستان از این بابت تحمل می‌کرد، به خنده گفت «این که می‌گویند دست شکسته وبال گردن است، حالا معلوم شده وبال خوردن هم هست.» جمله شجربان هنوز تمام نشده بود که بوستان گفت «با دست شکسته می‌شود مدارا کرد، با دل شکسته چه باید کرد؟» دکتر یوسفی ضمن تحسین بوستان گفت «این طبع لطیف ارثی است.» میزبان پرسید چرا ارثی؟ یوسفی که خود زاییده و پرورده مشهد بود گفت «آقای بوستان فرزند مجدعلی بوستان، مدیر روزنامه بوستان است که در مشهد چاپ می‌شد. مرحوم ابوی ایشان طبع شعر داشت و با شاعران نامی از جمله ایرج دوست بوده. یک‌بار از او خواست شعری برای جنگ او بفرستد که ایرج این قطعه معروف را برایش فرستاد:

ای همسفر عزیز من مجد
افکار تو خنده‌آورنده است
خواهی تو اگر نویسی این جنگ
بنویس، چه جای شعر بنده است
این پند که می‌دهم فراگیر
هرچند که اندکی گزنده است
در شعر مپیچ و در فن او
کاین کار ز کارهای گنده است
رو هوچی و روزنامه‌چی شو
این است که فایدت دهنده است.

شعر که تمام شد دکتر ندوشن دنباله صحبت را گرفت و گفت: این نکته هم فراموش نشود که مصرع «در شعر مپیچ و در فن او» که ایرج تضمین کرده از نظامی است. او در «لیلی و مجنون» ضمن اندرز به فرزندش می‌گوید:

«گرچه سر سروریت بینم
و آیین سخنوریت بینم
در شعر مپیچ و در فن او
چون اکذب اوست احسن او
زین فن مطلب بلند نامی
کان ختم شده است بر نظامی.»

از این تذکر ندوشن می‌شود دریافت که او به عنوان پژوهشگر و نویسنده‌ای مسئول و متعهد حتی در یک میهمانی خصوصی هم طاقت نیاورد که نقل قولی بی‌مأخذ بماند و حق مصنف از دست برود.

دیدار دیگری که با ایشان داشتم در همایش «آموزه‌های مولانا برای انسان معاصر» بود که در آذر ۸۲ با شرکت مولوی‌پژوهان معروف از جمله کریم زمانی، محمدعلی موحد، ابوالقاسم تفضلی، عبدالکریم سروش و دیگران در باشگاه دانشگاه تهران برگزار شد. ندوشن سخنرانی خود را با عنوان «مولوی در یک کلام» بیان داشت.

در این همایش به هنگام سخنرانی ندوشن جمعیتی نزدیک به دو هزار نفر گرد آمده بودند که اکثر آنان مجبور شده بودند گرداگرد تالار بایستند ولی از آنجا که مدام بر تعداد شنوندگان افزوده می‌شد، به ناچار دروازه آهنی باشگاه را بستند که آن هم با هجوم مردم شکسته شد. ندوشن در میانه سخنرانی با دیدن چنان غوغایی شگفت‌زده خطاب به آن همه جمعیت که با قیل و قال‌شان امکان صحبت را از او گرفته بودند، با لحنی کنایه‌آمیز گفت: آیا همه شما واقعا برای مولوی جمع شده‌اید؟ این پرسش بی‌پاسخ ماند.

هیاهو چنان فضای تالار را انباشته بود که ندوشن نتوانست سخنش را به پایان برد و به ناچار تالار را با تأسف ترک گفت. هجوم ناگهانی جمعیت در آن هنگام به این سبب بود که بخش بعدی همایش اختصاص داشت به کنسرت خواننده پرآوازه‌ای که می‌شد آن را رایگان تماشا کرد. ندوشن این را دریافته بود که چنان پرسش طعنه‌آمیزی را از خیل آدمیان از صورت به معنا نرسیده پرسیده بود. مفهوم نهایی این پرسش او از جمله موضوعات تأملات اجتماعی اوست و نالیدنش از پرگفتن و کم‌خواندن جماعت عاطفی آشفته‌حال، بی‌کمترین وقوفی بر انجام کار خویش.

ندوشن در کتاب‌هایش هرجا که نیاز افتاده از ارزش‌های ایرانی سخن به میان آورده. یکی از تفاوت‌های عمده او با دیگر صاحبان قلم به عنوان روشنفکر این است که نیم‌بند و ناتمام نبوده، بلکه مصداق تعریف درست روشنفکر بود؛ یعنی هم اهل قلم بود و هم اهل قدم. او ذوق و استعداد و آگاهی‌های خویش را تنها برای تصنیف و تألیف نخواست تا به کنجی بنشیند صم‌بکم و دلخوش به دوات و قلمش باشد، بلکه در احوال مردم و مسائل و مصایب جامعه خویش به واقع اندیشه گماشت. بنابراین در شمار آن دسته از اهل فضل نبوده که به پیرامون خویش عنایتی ندارند، و فقط دل‌خوش به کسب معرفت‌اند، ندوشن روشنفکری جامعه‌اندیش بود.

دیدار دیگری که با استاد ندوشن دست داد در آبان ۸۳ در تالار فردوسی دانشگاه تهران بود به مناسبت همایشی برای نکوداشت اقبال لاهوری که شخصیتی است با جنبه‌های گونه‌گون فرهنگی، ولی دکتر ندوشن در سخنرانی خود با توجه به علاقه بی‌حدومرزش به فرهنگ ایرانی، تنها به آن بخش از شخصیت اقبال پرداخت که نشان از ایران‌دوستی وی داشت، از جمله این که گفت: «اقبال همه استعداد خود را در خدمت زبان فارسی گذاشت و به همین جهت ما ایرانی‌ها باید قدردان او باشیم... گرچه فارسی زبان مادری او نبوده، ولی اشعار فارسی وی چنان است که نمی‌توان تشخیص داد از یک غیرایرانی است. او قدم به قدم اندیشه مولوی را دنبال کرد... این مرد نوعی عرفان نو و شعر عرفانی نو مناسب قرن بیستم ایجاد کرد که اسمش را باید سوسیالیسم عرفانی گذاشت که تجدد هم در آن حضور دارد. او نه از سلفیه اسلام چشم پوشید و نه از تفکرات نیچه. اقبال هم مانند گاندی و نهرو علاوه بر روزگاران دوردست و سنت، به تجدد و تمدن غرب نظر داشت... انسان آرمانی اقبال درعین‌حال که صنعت‌پیشه، دانش‌محور و متجدد است، به سنت‌های خود، به فرهنگ شرقی و گذشته‌های دوردست نیز وفادار است. البته چنین انسانی به زحمت پیدا می‌شود. در شعر اقبال شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد این مرد غرق در فرهنگ و اندیشه و عرفان ایرانی و ادبیات فارسی بوده است.»

شادروان ندوشن آن روز برخلاف میلش به کوتاهی سخن گفت و علت آن را در خستگی جسمی خویش دانست که رفته‌رفته در وی شدت گرفت. این را یازده سال بعد در نیمه بهمن ۹۴ در انجمن شاعران ایران که به دیدارش نایل شدم به خوبی دریافتم. این‌بار نیز جمعیت قابل توجهی در تالار و حیاط انجمن جمع آمده بودند، همه مشتاق شنیدن و آموختن، بی‌آن‌که پای آوازخوانی در میان باشد. وقتی به رسم معمول دستش را فشردم و از احوالش پرسیدم، تکیدگی و کهولت را به درستی لمس کردم. از آن سیمای جذاب و چشمان بشاش و نگاه نافذ نشانی نبود. دیگر آن ندوشنی نبود که اول‌بار در اواخر دهه چهل در دفتر مجله «یغما» با حبیب یغمایی و باستانی‌پاریزی دیده بودم که به قول یغمایی سرقفلی «یغما» بودند. به خاطرم آمد که حبیب یغمایی در شِکوه از اداره ممیزی می‌گفت: «مدام به نوشته‌های اسلامی‌ندوشن پیله می‌کنند که چرا چنین است و چنان است. به نظرم اگر دور او را قلم بگیرم، آقایان سانسورچی نفس راحتی را می‌کشند و مملکت امن می‌شود[1]...»

اکنون ندوشن در ۹۱ سالگی سر می‌کرد، به زحمت می‌نشست و برمی‌خاست و به کندی راه می‌رفت. رمقی به تن نداشت، تا تریبون که چند قدم فاصله بود به اتفاق سهیل محمودی کمکش کردیم. به سختی توان ایستادن داشت، ولی پیدا بود آنچه او را به تحمل جسم دردمند وامی‌داشت، روح انباشته از عشق به موضوعی بود که می‌خواست درباره‌اش سخن بگوید: درباره فردوسی که نامش مرادف ایران شده. گفتارش را به کوتاهی برگزار کرد که بیش از چند دقیقه نپایید، ولی حضورش اعتباری به همایش بخشید. آنچه گفت بسیار ژرف‌نگرانه بود، با صدایی که گویی از اعماق تاریخ شنیده می‌شود.

گفت: «هر کشوری هنرمندانی پرآوازه دارد که نام آنان یادآور نام آن کشور است. فردوسی، حافظ، سعدی و مولوی با آثار ارزشمندی که به وجود آوردند، سرمایه‌های بزرگ فرهنگ و تمدن ایران هستند. آنان درواقع سخنگوی تمدن ایرانی هستند، حضورشان در تاریخ ایران دلیلی بر ماندگاری و پایداری ادبیات غنی ایران از دوران کهن تاکنون است.» از این مقدمه به همان نتیجه‌ای رسید که در کتاب «ایران را از یاد نبریم» یادآور شد: «ایران شاید سخت‌جان‌ترین کشورهای دنیاست. دوره‌هایی بوده است که با نیم‌جانی زندگی کرده، اما از نفس نیفتاده و درست در همان لحظه که همه از او امید برگرفته بودند، چشم گشود و زندگی را از سر گرفت[2].» آن شب تنی چند از شاعران و ادیبان نام‌آشنا نیز در جمع مدعوین دیده می‌شدند، از جمله دوست دیرینم دکتر کیومرث منشی‌زاده معروف به شاعر ریاضی که گرچه خود در ۷۷ سالگی حال چندان خوشی نداشت، ولی از سیمای تکیده و ضعف جسمانی استاد ندوشن اندوهگین شده بود و تأسف می‌خورد. گفتم این داستان، در حقیقت نقد حال ماست. نیشخندی زد و گفت «چنین است و جز این هم نیست.» چیزی نگذشت که چنین هم شد و منشی‌زاده دو سال پس از آن دیدار به حکم چرخ بدکردار، رنجور و تکیده ناگهان رفت. استاد ندوشن نیز هشت سال بعد جان عاریت را در دیار غربت تسلیم دوست کرد.

از وصیت‌نامه‌اش که خواست به خلاف رسم معمول به جای زادگاهش، در نیشابور یکی از نمادی‌ترین شهرهای سرشار از خاطرات ایران که یادآور فراز و فرودهای تاریخ دیرپای مرز پرگهر است و در وصفش نیز قلم‌فرسایی کرده، در کنار خیام و عطار بیارامد، بیانگر آن است که همانند مقتدای خویش همه جای ایران را سرای خود می‌دانست.

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: «چهره‌ها و ناگفته‌ها»، نوشته م.ب. ماکان، انتشارات تهران، صص ۲۷۰-۲۸۱

۲. «ایران را از یاد نبریم»، چاپ ششم، انتشارات توس، ۱۳۵۱، ص ۲۰

باقر مومنی دور از ایران درگذشت

روشنفکر چپ آزادی‌خواه

شرق: باقر مومنی پژوهشگر تاریخ، نویسنده، مترجم و فعال سیاسی روز یکشنبه ۲۸ آبان در نودوهفت سالگی درگذشت. او که چند دهه پیش و در شرایط اضطرار ایران را ترک کرده بود سرانجام دور از ایران و در پاریس از دنیا رفت.

مومنی در ۲۳ اردیبهشت سال ۱۳۰۵ در کرمانشاه متولد شده بود. او پس از پشت سر گذاشتن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در شهر زادگاهش، برای ادامه تحصیل به تهران آمد و تحصیلات دانشگاهی‌اش را در رشته حقوق دانشگاه تهران سپری کرد.

سال‌های نوجوانی و آغاز جوانی باقر مومنی در دهه پرتلاطم بیست سپری شد. او نیز مثل بسیاری دیگر از هم‌نسلانش تحت تأثیر فضای اجتماعی و سیاسی ایران در آن دوران بود و ازاین‌رو در کنار تحصیل وارد فعالیت سیاسی هم شد. زمانی که او برای تحصیل در رشته حقوق به تهران آمد با برخی گروه‌ها و چهره‌های سیاسی آشنا شد و سرانجام در اواخر سال ۱۳۲۴ به حزب توده ایران پیوست.

باقر مومنی فرزند زمانه‌اش بود و با درک ضرورت‌های تاریخی دوران، در سال‌های پس از کودتای مرداد ۳۲ همچنان به فعالیت‌های سیاسی‌اش علیه حکومت شاه ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۳۵ به هجده ماه زندان محکوم شد.

باقر مومنی در سنت فکری چپ رشد کرده بود و ازاین‌رو به تاریخ توجهی ویژه داشت. او در سال ۱۳۳۹ پایان‌نامه دانشگاهی‌اش را با عنوان «ایران در آستانه انقلاب مشروطیت» به پایان رساند و سپس متن آن را منتشر کرد. او در یادداشتی کوتاه در آغاز کتاب «ایران در آستانه انقلاب مشروطیت و ادبیات مشروطه» نوشته بود: «جنبش مشروطیت ایران، همیشه از راست بی‌بها شده است، و چون تحلیلی علمی از آن به عمل نیامده از چپ نیز آن را سرسری گرفته‌اند. به خاطر ارزیابی درست این تلاش اجتماعی مردم وطنم، در آن زمان که فرصتی داشتم، بر آن شدم تا به تحلیل علمی آن دست بزنم، و در سال‌های میان ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ به مطالعه و یادداشت پرداختم. هنوز مطالعاتم بسیار ناقص بود که در اواخر سال ۱۳۲۹ به مناسبتی، در مهلتی چندروزه، رساله‌ای در این زمینه سر هم کردم». خود مومنی در یادداشتش می‌گوید این رساله‌ای است ناقص و در مواردی غیرعلمی اما با این حال او می‌گوید «چون برداشت کلی آن، به زعم من، درست و علمی است آن را بدون دستکاری نشر می‌دهم». در مقدمه کتاب، باقر مومنی انقلاب مشروطه را به درستی انقلابی اجتماعی می‌نامد: «اگر یک انقلاب اجتماعی نبردی باشد برای انتقال قدرت از دست یک طبقه اجتماعی به دست طبقه دیگر جنبش مشروطیت ایران یک انقلاب اجتماعی است».

مومنی در «ادبیات مشروطه» نیز به بررسی اشکال گوناگون ادبیات و معیارهای ادبیات مترقی پرداخته و سپس ویژگی‌های ادبیات مشروطه را بررسی کرده است.

باقر مومنی در سال ۱۳۴۶ به قصد ادامه تحصیل به فرانسه رفت و پس از دو سال اقامت به ایران بازگشت و انتشارات صدای معاصر را بنیاد گذاشت. در سال ۱۳۵۳ دوباره راهی فرانسه شد و در دانشگاه سوربن طی دو سال نگارش رساله دکترایش را با نام «مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران» به پایان برد و جلد اول آن را با نام مستعار الف-پوران در فرانسه به چاپ رساند. در سال ۱۳۵۵ به ایران بازگشت و با تلاشی پیگیرانه به پژوهش و ترجمه و تصحیح متون عصر مشروطه مشغول شد. آثار مومنی در آن دوره با سانسور حکومت شاه روبه‌رو بود و اغلب آثارش با سد سانسور روبه‌رو شد. مومنی در سال ۱۳۵۶ از اعضای اصلی و پیگیر کانون نویسندگان ایران در برگزاری شب‌های نویسندگان و شاعران در انستیتو گوته بود. او در دوره دوم حیات کانون نویسندگان نقشی مهم در آن داشت و برای آزادی بیان و مقابله با سانسور تلاش کرد. او در شب پنجم شب‌های نویسندگان و شاعران ایران سخنرانی کرد و موضوع صحبتش سانسور بود و باید به یاد داشت که سانسور حکومت شاه در دهه پنجاه بسیار سنگین بود. مومنی در بخشی از آن سخنرانی‌اش گفته بود: «سانسور، پیوند روشنفکر را با ملتش و مخاطبش و حتی با خودش به عنوان یک عضو جامعه قطع می‌کند. روشنفکر و هنرمند در هر رشته‌ای که کار کند وقتی از مادر غذادهنده‌اش، یعنی ملت، جدا افتاد از رشد باز می‌ماند و پس از مدتی کوتاه در درون تابوت تنهایی‌اش مدفون می‌شود و می‌گندد و آن وقت اسکلتی که از او باقی مانده مار و مورانی را که در دور و بر خودش می‌بیند کودکان هنر خودش می‌پندارد و چون مردمی که از کنارش می‌گذرند از گند گورش و از منظره مار و مورش رو ترش می‌کنند به آنان ناسزا می‌گوید که بی‌هنر و نادانند. به این ترتیب، سانسور هنر و فرهنگ را می‌کشد و از لاشه مرده هنر، به جای هنر، بیماری به میان توده می‌پراکند. فرزند ملت که باید منظر فرهنگ و هنر او بشود یا سر زا می‌رود و یا به موجودی افلیج و کج و کوله و در عین حال خودبین و خودستا بدل می‌شود و خود ملت نیز پس از مدتی که باید از این فرزند دوباره بار گیرد عقیم و نازا می‌شود و فقر فرهنگی باز هم عمیق‌تر و ریشه‌دارتر می‌شود».

باقر مومنی در سال ۱۳۵۷ به همراه سه عضو دیگر کانون نویسندگان ایران یعنی سعید سلطانپور، ناصر رحمانی‌نژاد و بزرگ پورجعفر هفته‌نامه «صدای معاصر» را منتشر کردند که تا تیرماه سال ۱۳۵۸ چهارده شماره از آن منتشر شد. او در این دوره سردبیر نشریه‌ای با عنوان «اندیشه» هم بود که البته ۵ شماره بیشتر منتشر نشد.

باقر مومنی اگرچه دوره‌ای از حزب توده ایران فاصله گرفت اما تا پایان عمرش به آرمان‌های چپ وفادار ماند و روشنفکری آزادی‌خواه و برابری‌طلب بود.

پیشخوان Pishkhan.com

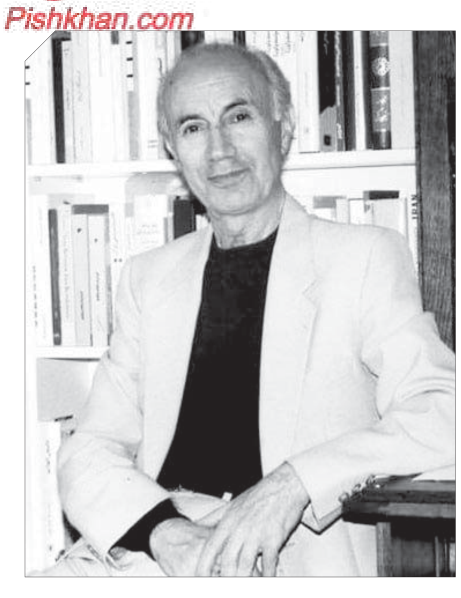

پیشخوان
Pishkhan.com

• پل فلزی و مرزی مشترک و تاریخی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان بر روی رودخانه آستاراچای که در دوران اتحاد جماهیر شوروی سابق ساخته شده در مرحله مرمت، مقاوم‌سازی و بهسازی کامل است. مرز زمینی آستارا در شمال غربی استان گیلان، فعال‌ترین مبدا مرزی شمال جمهوری اسلامی ایران از نظر ترانزیت بارهای خارجی، صادرات کالاهای ایرانی و تردد خودروهای مسافری سبک و سنگین بین‌المللی محسوب می‌شود. عکس: مهدی حسین‌نژادی، میزان

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
چهارشنبه ۱ آذر ۱۴۰۲ • ۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۵ • ۲۲ نوامبر ۲۰۲۳ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۷۰۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۱۳
اذان صبح فردا ۵:۲۰ • طلوع آفتاب ۶:۴۸

روزنامه شرق

دیالوگ روز

ستاره بخت ما - جاش بون- ۲۰۱۴

هزل (شایلین وودلی): تنها یه چیز از سرطان‌داشتن بدتره،
اونم اینکه بچه‌ای داشته باشی
که سرطان داشته باشه.

سفرنامه‌خوانی

تحول ساختار غذا در سفر اکوادور

حضور زنان در فضای عمومی

سوگل خلخالیان: من در سال ۲۰۱۷ به اکوادور سفر کردم. سفر خودم را از کیتو، پایتخت اکوادور، شروع کردم. از قبل تصمیم گرفته بودم در این سفر درباره موضوع غذا و ساختار اجتماعی کار کنم. البته به علت کوتاهی سفر قصد مردم‌نگاری در این حوزه را نداشتم، بلکه تمام تلاش خودم را کردم که با مشاهده مشارکتی میان خانواده‌های بومی که میهمان‌شان بودم، فرهنگ این جامعه را لمس کنم. کشور اکوادور را رشته‌کوه آند به دو منطقه استوایی جنگل‌های آمازون و خط ساحلی تقسیم کرده است. کشاورزی در این منطقه پررونق است، درنتیجه تنوع غذایی گسترده است. با تجربه سفرهایی که کرده‌ام، به نظر من غذا یک متن فرهنگی است. غذا نیز مانند زبان یکی از بنیادی‌ترین شیوه‌های بیان اندیشه‌های اجتماعی است. در ابتدا به نظر می‌رسد غذا امری بیولوژیک است و هدف آن فرونشاندن گرسنگی و ادامه حیات است؛ اما رمزگشایی از سنت‌های غذایی ناگفته‌های فراوانی را از اندیشه اجتماعی یک جامعه برای ما بازگو می‌کند.

می‌دانیم که غذا با مطالعات جنسیت ارتباط مستقیم دارد. تقسیم کار جنسیتی در مرحله تولید، خرید، آماده‌سازی، پخت و مصرف با جایگاه زنان و مردان در آن جامعه رابطه مستقیم دارد. تقسیم غذاها به خوراک‌های زنانه، مردانه و مخصوص کودکان نشان می‌دهد که منزلت اجتماعی چگونه به جنسیت و سن مربوط است.

اولین چیزی که ذهنم را در زندگی با مردم کیتو درگیر کرد، رابطه غذا و جنسیت بود. زنان فرمانروایان آشپزخانه‌های خانگی و عمومی بودند و به‌نوعی گرداننده صنعت غذا در اکوادور محسوب می‌شدند. در جامعه شهری میان تقسیم غذا بر اساس سن و جنس تفاوتی ندیدم؛ اما در جوامع بومی استوایی، مشخصا پدر خانواده اولین دریافت‌کننده غذا بود و سهم بیشتری از مواد مغذی داشت. در مقابل، برخی روستاها آشپزخانه مرکزی داشتند. همه در یک جا غذا درست می‌کردند و با هم به اشتراک می‌گذاشتند. با وجود این تفاوت‌ها، همچنان از خرید تا تقسیم غذا بر عهده زنان بود و زنان به ساختار سفره نظم می‌بخشیدند. در حاشیه خیابان، کنار جاده زنانی دیده می‌شدند که علاوه بر تهیه غذای روزانه خانواده، به عابران هم غذای خود را عرضه می‌کردند. مناسک غذا در خیابان به‌نوعی حلقه اجتماعی زندگی این منطقه بود. همین موضوع باعث شده بود مرز میان حوزه خصوصی و عمومی باریک شود و زندگی در حوزه عمومی جان‌دار، بانشاط و سرزنده باشد. در کنار غذا، نواختن گیتار، رقص محلی و آواز در محیط عمومی هم به زندگی اجتماعی حیات می‌بخشید؛ اما حضور زنان در فضای عمومی به واسطه غذا کاملا مشهود بود.

رستوران‌ها فقط جایی برای خوردن غذا نبودند و فی‌الواقع افراد در آن وقت‌گذرانی و استراحت می‌کردند. رستوران جایی برای گپ‌وگفت‌های طولانی بود. تعدد رستوران‌ها با طراحی برای همه گروه‌های طبقاتی و اجتماعی باعث شده بود رستوران محل اصلی مشاهده من باشد. برای پروژه‌ای که در ذهن داشتم، اسطوره‌ها و باورهای عامیانه منطقه را خوانده بودم؛ به‌ویژه درباره تمدن اینکاها. به هر حال می‌دانیم مذهب یکی از حوزه‌های تعیین خوردنی و ناخوردنی یا به عبارتی دیگر حلال و حرام است. تقویم مذهبی غذا به خاطر روزه ما را به درک قواعد و نظم اجتماعی رهنمون می‌کند. اما باران بی‌امان می‌بارید. جاده‌ها در تمام اکوادور در نتیجه این فرسایش مدام خراب بودند، پروازها تأخیر داشتند و همه اینها دست به دست هم داد تا قرار مصاحبه‌ای که با یکی از استادهای دانشگاه سانفرانسیسکوی دی کیتو داشتم، لغو بشود و نتوانم سؤال‌های خودم را بپرسم.

جایگاه نگاه تاریخی در انسان‌شناسی غذا بسیار پراهمیت است. بررسی وقایع مهم اجتماعی مانند جنگ‌ها، آشوب‌ها و انقلاب‌ها در دوره‌های قحطی و فراوانی ما را به این سمت می‌برد که در هر دوره، چگونه دستورهای آشپزی به لحاظ تاریخی تغییر کرده‌اند. اکوادور پس از استقلال از اسپانیا در قرن نوزدهم، ناآرامی‌های فراوانی را پشت سر گذاشته است. برای مثال جنگی میان پرو و اکوادور بر سر تعیین مرز در جنگل‌های آمازون در سال ۱۹۴۰ درگرفت. این ناآرامی‌ها در پی اختلاف احزاب تا امروز ادامه دارد. دستور غذاهایی بسیار ساده ازجمله ترکیب انواع سیب‌زمینی با هم، غذاهایی تک‌محصولی با محصولاتی مانند ذرت یا درست‌کردن ماهی به ساده‌ترین شکل ممکن در منطقه ساحلی نشان می‌دهد اقتصاد منطقه چه نوسان‌های پیچیده‌ای را در دوران معاصر طی کرده است؛ در مقابل دورانی که دستور آشپزی‌ها پیچیده و گران بود، با ترکیبی از انواع گوشت‌ها، برنج و موادی افزودنی مانند فلفل و زعفران و دانه‌های روغنی. تاریخ کشت کاکائو هم در اکوادور بحث مفصلی دارد. سیاست آکومیاندا، سیستم اسپانیایی‌ها در مستعمره‌های خود بود. در این سیستم به فرد اسپانیایی مهاجر تعداد مشخصی از بومیان واگذار می‌شد تا در مزارع به صورت اجباری کار کنند. فرار یا سرپیچی مجازات‌های سختی تا حد مرگ داشت. دولت وظیفه فرد اسپانیایی را آموزش زبان و ترویج مذهب کاتولیک تعیین کرده بود. این شکل از برده‌داری در سال ۱۷۲۰ لغو شد؛ اما بررسی تاریخ کشت کاکائو ما را به تاریخ پسااستعماری نزدیک می‌کند.

روندهای جهانی‌شدن، تولید انبوه غذاهای زنجیره‌ای مثل مک‌دونالد و از سوی دیگر ارتباط‌های گسترده در رسانه‌های اجتماعی، باعث ردوبدل‌شدن دستور غذاهای کشورهای مختلف شده است. پای حرف‌های یک خانم مسن در کیتو نشستم و گلایه‌هایش را شنیدم، از اینکه چگونه دستور غذاهای سنتی به طور کلی زیرورو شده‌اند و اینکه چگونه فرایند غذاخوردن که نشانه همبستگی یک خانواده و محلی برای صحبت‌ها و تصمیم‌گیری خانوادگی بود، به خوردن محض تقلیل پیدا کرده است. با مصاحبه‌ها که به شکل گفت‌وگوهایی از هر دری بود، فهمیدم چگونه غذا یک راه مبادله فرهنگی است. در جوامع روستایی کوچک، دعوت به خوردن در عروسی‌ها، عزاداری‌ها، جشن‌های تولد فرزندان و... یک نشانه اجتماعی است. قبول یا رد این دعوت می‌تواند از نشانه‌های آشتی یا خصومت باشد. از میان صحبت‌ها به نظرم رسید در مناطق شهری و روستایی مناسک مربوط به خوردن، مانند کارناوال‌ها، جشن‌های ملی و مذهبی و نذری یکی از راه‌های تقویت هویت جمعی است. قبل از سفرم شروع کردم به خواندن متن‌هایی درباره انسان‌شناسی غذا. اینکه غذا تا چه اندازه در حوزه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی مطالعه می‌شده، من را شگفت‌زده کرد. ترکیب «حیوان آشپز» کلود لویی اشتروس متعجبم کرد؛ چراکه او آشپزی را فرایند انتقال از طبیعت به فرهنگ می‌داند و دوتایی «خام‌پخته» را منطبق بر دوتایی «فرهنگ و طبیعت» استوار کرده است. حیوان‌ها با توجه به درنده‌خویی‌شان، هر نوع غذایی را می‌خورند؛ اما انسان برخلاف حیوان، آنچه را که غذاست و غذا نیست، به واسطه عرف اجتماعی از هم جدا می‌کند.

به مطالعه‌ام در این حوزه ادامه می‌دهم و از اینکه از منظر غذا وارد جوامع می‌شوم، لذت می‌برم. دوست دارم با این دانش جدید به اکوادور سفر کنم و دوباره این جامعه را ببینم. حتم دارم این بار با دانستنی‌های بیشتری برمی‌گردم.

درس‌هایی از انتخابات اتحادیه کانون‌های وکلای ایران

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

چهارشنبه ۲۴ آبان هنگامی که هیئت عمومی اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (با نام کوتاه «اسکودا») قصد داشت به تصمیم‌گیری درباره انتخاب اعضای هیئت‌رئیسه خود بپردازد، دادنامه‌ای از شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات دریافت شد که در آن تعدادی از نامزدها از امکان انتخاب منع شده بودند. نکته جالب اینکه دادنامه در تاریخ ۲۲ آبان صادر شده و با وجود توسعه فناوری ارتباطات و امکاناتی مانند سامانه ثنا یا حتی دورنگار که امکان ابلاغ آنی را برای آرای صادره فراهم می‌کند، این رأی دو روز بعد در میانه جلسه هیئت عمومی اسکودا ابلاغ می‌شود! این روش یادآور اعلام اسامی واجدین صلاحیت برای نامزدی بیست‌وچهارمین دوره هیئت‌مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز در شامگاه چهارشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۸۴ بود که فقط ساعتی قبل از رأی‌گیری روز پنجشنبه به کانون ابلاغ شد. نرم‌ترین تعبیری که بتوان برای این شیوه ابلاغ دیرهنگام به کار برد، «غیردوستانه» بودن آن است.

با توجه به اصل «عدم صلاحیت» مراجع قضائی اختصاصی، استناد به موادی از قانون «کیفیت اخذ پروانه وکالت» (۱۳۳۳) یا لایحه قانونی «استقلال کانون وکلای دادگستری» (۱۳۷۶) برای توجیه این ممنوعیت تا چه حد مستدل بوده، محل ابهام است. در نهایت هیئت عمومی بدون بررسی امکان ترتیب‌اثردادن یا نپذیرفتن این دادنامه، برای خروج از بن‌بست به تجدید انتخابات هیئت‌رئیسه رأی داد؛ هرچند در انتخابات بعدی نیز امکان دارد با توجه به نامزدی افراد مدنظر دادگاه عالی انتظامی قضات، نیاز به تصمیم‌گیری درباره اجرای این دادنامه باشد و بحران حل‌نشده باقی ماند. در جلسه عده‌ای پیشنهاد داده بودند نامزدهای منع‌شده از ادامه کار انصراف دهند، اگرچه این پیشنهاد تدبیری منطقی برای حل موقتی موضوع بود، اما قبول‌نکردن انصراف از سوی این نامزدها، با دفاع از حق شهروندی خود به دلیل عدم صلاحیت نهاد منع‌کننده -که در بیانیه پایانی نشست هم مورد اشاره قرار گرفته- نیز قابل دفاع است.

نزدیک به دو دهه از تشکیل اتحادیه کانون‌های وکلای دادگستری می‌گذرد؛ بر مبنای ماده نخست اساسنامه این نهاد «اسکودا مؤسسه‌ای است غیرانتفاعی دارای شخصیت حقوقی مستقل متشکل از سوی کانون‌های وکلای دادگستری...» که در اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی به ثبت رسیده است. از سوی دیگر، کانون‌های وکلای دادگستری به موجب قوانین مصوب مجلس تشکل یافته‌اند و در ماده ۲ آیین‌نامه اجرائی «لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری» (تصویب‌شده در دوم تیرماه ۱۴۰۰ و صرف‌نظر از ابهام در اعتبار آن به دلیل عدم رعایت ماده ۲۲ لایحه قانونی) «کانون وکلا» این‌گونه تعریف شده است: «مؤسسه حرفه‌ای عهده‌دار خدمت عمومی». اینکه مصوبات یک مؤسسه می‌تواند برای نهادی برآمده از قانون مصوب مجلس الزام‌آور باشد، از سوی برخی حقوق‌دانان محل تردید قرار گرفته است.

به شکل طبیعی در انتخابات هیئت‌رئیسه، نامزدها به رقابت و تبلیغ می‌پردازند. اما گاهی شعارهایی که چندان امکان تحقق ندارند، مطرح می‌شود؛ مانند تلاش برای تصویب قانونی در جهت اصلاح قوانین تصویب‌شده در این سال‌ها که استقلال نهاد وکالت را به مخاطره می‌اندازد. فرایند تصویب قانون بسیار پیچیده و زمان‌بر است؛ از تهیه طرح یا لایحه گرفته تا تصویب کلیات در کمیسیون، تصویب کلیات در صحن علنی مجلس، تصویب جزئیات در کمیسیون، تصویب نهایی در صحن علنی، تأیید شورای نگهبان و به‌تازگی تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام از جهت رعایت سیاست‌های کلی نظام. در سالی که انتخابات مجلس شورای اسلامی هم در پیش است، تا چه حد طرح این وعده موضوع واقع‌بینانه است؟ اساسا اگر برای حل مشکلات جامعه وکالت قرار بر تعامل با حاکمیت و دستگاه قضا باشد (که امید می‌رود دوسویه باشد) این تعامل امری فردی نبوده و باید فرایندی کنشگرانه، نهادی و عزتمندانه باشد.

انتظار می‌رفت حقوق‌دانان دانشگاهی، حداقل استادانی که خود پروانه وکالت دارند، فعالانه‌تر به دفاع از کانون وکلا بپردازند. اینکه تمرکز بر نقد و تحلیل و تفسیر مباحثی مانند «خیار تبعض صفقه» یا «تلف مبیع قبل از قبض» باشد و سخنی از حقوق شهروندان به‌ویژه حق دفاع به میان نیاید، امروزه روز دیگر پذیرفتنی نیست و وکلای جوان را از آینده دشوار پیش‌رو بیمناک می‌کند. وجود اتحادیه سراسری وکلای دادگستری ایران مغتنم است اما تشکیل «اتحادیه وکلا» می‌تواند گامی رو به جلو در جهت تضمین حق دفاع و حقوق صنفی باشد. البته باید در نظر داشت یکی از اصلی‌ترین آفت‌های فعالیت‌های صنفی در عرصه وکالت، سکوی پرتاب‌کردن تشکل‌ها برای رسیدن به عضویت هیئت‌مدیره کانون‌های وکلاست.

نکته آخر اینکه از گوشه‌وکنار زمزمه‌هایی برای تغییر نام «کانون وکلای دادگستری مرکز» به «کانون وکلای دادگستری تهران» شنیده می‌شود (بماند که رئیس‌جمهور هم طرح تقسیم تهران به چند استان را مطرح کرده‌اند). نگارنده افتخار دارد عضوی از خانواده بزرگ کانون مرکز است، این همان کانونی است که وکلای سرشناسی از محمد مصدق گرفته تا سیدهاشم وکیل، حسن نزیه، امیرناصر کاتوزیان، بتول کیهانی، بهمن کشاورز و نعمت احمدی عضو آن بوده‌اند. تضعیف کانون مادر به نفع هیچ‌کس نیست، مگر بدخواهان وکیل و وکالت. حالا «اسکودا» که هدف اصلی‌اش طبق اساسنامه ایجاد هم‌گرایی میان کانون‌های وکلاست، خود به چالش روز جامعه وکالت تبدیل شده است.

آمارخوانی

خبر به روایت عدد

بعضی اوقات مرور آمارها می‌تواند ابعاد اتفاقی که درحال رخ‌دادن است، بهتر توصیف کند.

۲۰۰۰ طلبه روان‌شناس

ایلنا: معاون تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه گفته است: «ما در حوزه علمیه حدود دو هزار طلبه داریم که به‌صورت تخصصی در زمینه روان‌شناسی و مشاوره تحصیلات دانشگاهی دارند. از این میان، تنها افراد معدودی هستند که توان درمان افسردگی‌های حاد را که به اختلال تبدیل شده دارند. درمانگری مشکلات روان‌شناختی، وقتی به مرحله حادی رسیده باشد، کار بسیار پیچیده‌ای است».

۱۳ میلیارد هزینه

فرهیختگان گزارشی درباره برنامه تلویزیون اینترنتی کتاب تهیه کرده که در آن نشان داده است، این برنامه پس از حدود یک‌سال و با وجود بودجه ۱۳ میلیاردی شکست خورده و بیننده‌هایش در تلوبیون فراتر از اعداد دورقمی نرفته است. این شبکه از بودجه ۵۰۰ میلیونی شروع کردند و حالا بودجه شبکه‌شان به ۱۳ میلیارد رسیده و ۲۲ کارمند دارند. این شبکه هشت ساعت پخش برنامه دارد و از بسترهای متفاوت اینترنتی مثل شاد، سروش‌پلاس و سپهر استفاده می‌کند و ظاهرا بستر اصلی انتشار محتوای تصویری آن روی تلوبیون است.

۱۴ میلیون کودک بدون سبد غذا

رکنا: هادی موسوی‌نیک، کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس و مدیرکل پیشین مطالعات وزارت تعاون در نشستی که به بررسی برنامه‌های توسعه و کار کودک می‌پرداخت، گفته است: «۱۴ میلیون کودک در خانوارهایی زندگی می‌کنند که حداقل سبد غذایی را نمی‌توانند دریافت کنند. بر اساس آمار آموزش‌وپرورش حدود ۴۵۰ هزار کودک بازمانده از تحصیل داریم، حدود یک‌ونیم میلیون کودک در معرض بازماندگی از تحصیل داریم. از نظر تبعیض آموزشی هم ۱۲ درصد قبولی‌های رتبه زیر سه هزار کنکور فقط از مدارس دولتی بودند».

استخدام ۱۳۰۰۰ آمر معروف

انتخاب: در اختتامیه دوره مربیان تخصصی عفاف و حجاب که با تقدیر از نفرات برتر و اهدای گواهی پایان دوره در ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور همراه بود، دبیر ستاد امر به معروف خبر داد تاکنون بیش از ۱۳ هزار نفر در دوره آمران و ناهیان ثبت‌نام کرده‌اند. حجت‌الاسلام‌والمسلمین طاهری‌آکردی با بیان اینکه برای مربیان برنامه ویژه داریم و می‌خواهیم از میان آنها استاد تربیت کنیم، تأکید کرد: «در حال رایزنی با سازمان امور استخدامی و امور زنان نهاد ریاست‌جمهوری برای برگزاری دوره‌های عفاف و حجاب در دستگاه‌ها با مربیگری مربیان ستاد هستیم».

نکته‌خوانی

دور ایران در چند دقیقه

در این مطلب، به چند خبر که در گوشه‌وکنار کشورمان رخ داده است، اشاره می‌کنیم.

انتخابات چند هزار میلیاردی

«نود اقتصادی» درباره میزان بودجه‌ای که قرار است برای انتخابات مجلس و خبرگان صرف شود، به بودجه تصویب‌شده امسال در مجلس، مراجعه کرده است. بر اساس اطلاعات درج‌شده در قانون بودجه ۱۴۰۲، دولت رقم دوهزارو ۱۴۷ میلیارد تومان برای برگزاری دوازدهمین دوره انتخابات مجلس و ششمین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری تعیین کرده است. از این رقم حدود هزارو ۸۰۰ میلیارد تومان به وزارت کشور اختصاص خواهد یافت و ۳۴۷ میلیارد تومان آن نیز در اختیار شورای نگهبان قرار خواهد گرفت.

تا حالا گرسنه خوابیده‌اید

انسیه خزعلی، معاون رئیس دولت سیزدهم، دومین بار است که به عرصه سینما از منظر غیرکارشناسی وارد شده است. او در جمع طلاب زن اعلام کرده است: «وقتی زنان طلبه هستند، چرا ما باید اسیر سلبریتی‌ها باشیم. زنان طلبه‌ای که در عرصه‌های هنری مانند ساخت فیلم، بازیگری و فیلم‌نامه استعداد دارند، معرفی شوند تا آموزش‌های لازم را فرابگیرند». روزنامه همسو با دولت یعنی روزنامه جوان هم اعتراض خود را به این سخنان اعلام کرده و نوشته است: «راه‌حلی که ارائه داده‌اند تا حدود زیادی غیرکارشناسانه به نظر می‌رسد». اما شاید نکته اصلی را پرویز پرستویی بازیگر شناخته‌شده به این مسئول حوزه زنان یادآوری کرده است. او نوشته است: «شما در عمرتان چند فیلم و تئاتر دیده‌اید؟ لطفا قبل از ورود به هنر برای مردم بی‌شناسنامه وطن کاری بکنید. برای زنان بارداری که به خاطر عدم وجود خانه‌های بهداشت در مناطق محروم، جان خود را از دست می‌دهند، انجام وظیفه کنید! کودکان مناطق محروم را از دهان گاندوها نجات دهید! نمی‌دانم یک شب گرسنه خوابیده‌اید، بی‌کار بوده‌اید؟ تابه‌حال اجاره خانه‌تان عقب افتاده و مزه فقر را چشیده‌اید؟».

کودکان در آغوش خانواده‌ها

تجارت‌نیوز درباره اقدامات وزارت دادگستری در حوزه کودکان و نوجوانان از وزیر دادگستری سؤال کرده است. او گفته است: «بر اساس قانون، وزارت دادگستری به‌عنوان مرجع ملی حقوق کودک تعیین شده و در این راستا جلسات شورای هماهنگی این مرجع با حضور نمایندگان دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی متولی حقوق کودکان به‌منظور هم‌گرایی، هم‌افزایی و هماهنگی هرچه بیشتر به‌طور منظم برگزار می‌شود». البته وزیر دادگستری خبر خوبی را نیز اعلام کرده و گفته است: «با توجه به شرایط خاص و زمان‌بر فرزندخواندگی، با پیشنهاد وزارت دادگستری، آیین‌نامه قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست اصلاح و بر این اساس بهزیستی مجاز شد پس از احراز صلاحیت، کودکان را به‌صورت موقت به خانواده‌های متقاضی واگذار کند تا رشد و بالندگی این کودکان در دامان خانواده صورت پذیرد».

خبرخوانی

دور دنیا در یک دقیقه

سحر طلوعی: ما به چهار گوشه جهان سر می‌زنیم و خبرهایی را که کمتر دیده شده است، مرور می‌کنیم.

آمریکا: مسئولان ایکس/توییتر معتقدند گزارش خلاف واقع گروه ناظر رسانه‌ها باعث شده است شرکت‌های بزرگ از تبلیغ در این پلتفرم انصراف دهند. ایکس از دیده‌بان رسانه‌ها شکایت کرده است. گروه ناظر رسانه‌ها گزارش داده بود که ایکس تبلیغات برخی شرکت‌های معتبر را در کنار محتوای مضر به‌ویژه محتوای مبلغ ایده‌های نازیسم و یهودستیزانه منتشر می‌کند. شرکت‌هایی مثل IBM و کامکست از تبلیغ در ایکس انصراف داده‌اند. ایکس می‌گوید گروه دیده‌بان با دستکاری داده‌ها به این نتیجه رسیده است که تبلیغات شرکت‌های معتبر کنار محتوای مبلغ نازیسم منتشر شده است. همچنین سه روز دیگر تا بلک فرایدی (آخرین جمعه نوامبر) و حراج فروشگاه‌های آمریکا باقی مانده است؛ واقعه‌ای که خریداران به مغازه‌ها هجوم می‌آورند تا برای سال جدید خرید ارزان کنند. اما گروه مشتریان که کارش تحلیل و آنالیز داده‌هاست، می‌گوید بلک فرایدی نسبت واقعی با ارزانی ندارد و شاید یکی از ۵۰ معامله بلک فرایدی ارزان‌تر از قیمت دیگر روزها درآمده باشد. مطالعه دقیق‌تر این گروه در آمازون، آرگوس و... نشان می‌دهد فقط دو درصد کالاها ارزان‌تر از قیمت بلک فرایدی در طول سال به فروش نرفته و موجود نبوده‌اند. در واقع بلک فرایدی خیلی هم ارزان نیست.

ایتالیا: یکی از بزرگ‌ترین دادگاه‌های محاکمه جنایت‌های مافیایی گروه اندرانگتا در کالابریای ایتالیا برگزار شده که در سه دهه اخیر بی‌سابقه بوده است. ۲۰۰ نفر در این دادگاه محکوم شده‌اند. تشکیل گروه‌های جنایی، رشوه‌خواری و اخاذی از اتهامات محکومان این دادگاه است. محاکمه گروه مافیایی اندرانگتا از سال ۲۰۱۹ و با دستگیری ۳۵۰ متهم و در شرایط امنیتی بالا آغاز شده است. حدود صد نفر در این پرونده تبرئه شده‌اند. در میان محکومان نام برخی مأموران پلیس، تجار محلی و همچنین نماینده سابق حزب «زنده باد ایتالیا» دیده می‌شود.

انگلیس: مطالعات اخیر نشان می‌دهد بخش بزرگی از قربانیان در دوره طاعون مرگ‌بار لندن در قرن چهاردهم زنان سیاه‌پوست آفریقایی بوده‌اند؛ اما این گزاره حامل حرف دیگری هم هست؛ تنوع نژادی لندن قرون وسطی. محققان با مطالعه بر بقایای قربانیان مرگ سیاه می‌گویند زنان سیاه‌پوست آفریقایی لندن قربانی بزرگ‌تری بوده‌اند، نه به این دلیل که نژاد ضعیفی داشته‌اند، بلکه چون طبقه آسیب‌پذیرتری بوده‌اند. این موضوع باعث جدی‌ترشدن موضوع قربانیان سیاه‌پوست کووید۱۹ می‌شود. در دوران همه‌گیری سیاه‌پوستان چهار برابر بیش از دیگران قربانی کووید۱۹ شدند. آنها شرایط بهداشتی نامناسب‌تری داشتند.

استرالیا: زن سالمندی که هفته گذشته در استادیوم آلیانز سیدنی سقوط کرد و به کما رفت، امروز درگذشت. او در کنسرت رابی ویلیامز شرکت کرده بود. این زن ۷۰ سال داشت.